

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حادثه‌ی تروریستی روز دوازدهم ماه مبارک رمضان در مرقد امام راحل و در مجلس شورای اسلامی، که به شهادت تعدادی از عزیزان روزه‌دار و زخمی شدن جمع بیشتری انجامید، نشانه‌ی آشکاری است از کینه و دشمنی خیانت‌آلود مزدوران استکبار با ملت شریف ایران و با هر آنچه مربوط به انقلاب و نظام اسلامی و رهبر فقید عظیم‌الشان آن است. این‌گونه جنایات که حاکی از خیانت و در عین حال، حقارت میاشران و نیز آبران و مسیبان آن است، بسی کوچکتر از آن است که در عزم ملت ایران خللی ایجاد کند. نتیجه‌ی قطعی این‌ها چیزی جز افزایش نفرت از دولت‌های آمریکا و عوامل آنان در منطقه همچون سعودی نیست.



ملت ایران، متحد و با عزم راسخ به پیش خواهد رفت ان شاءالله. یاد شهیدان این حادثه را گرامی می‌دارم و به خانواده‌های آنان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و بپیوده مجروحان و آسیب دیدگان را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای  
۱۹ خرداد ۱۳۹۶

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه‌نامه بزرگداشت شهید مجاهد حجت الاسلام والمسلمین تقوی • سال یازدهم • تیرماه ۹۶ • شماره ۱۳۲

مدیرمسئول:  
حمید صابر فرزام  
سردبیر:  
حمیدرضا یونسی  
مدیراجرایی:  
محمد حاتمی  
دبیر تحریریه:  
محمد پارسائیان

مدیر هنری:  
زهرا شیرخان زاده  
عکس:  
حسن آقامحمدی، محمدرضا  
جباری، طاهره بابایی، محمدجواد  
فرمانی، سروش خطابی

همکاران این شماره:  
آزاده غلامی، سجاد دبیریان، سمیه قربانی، مصطفی شاکری، محمود قره داغی  
داود کنشلو، مریم روزبهانی، صدیقه صادقیسن، مرتضی اوحدی، تیمور کاکایی  
مجتبی افشار، نفیسه رستمی

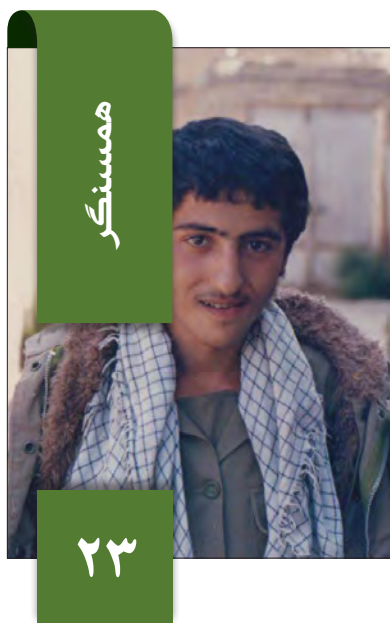


۲۶



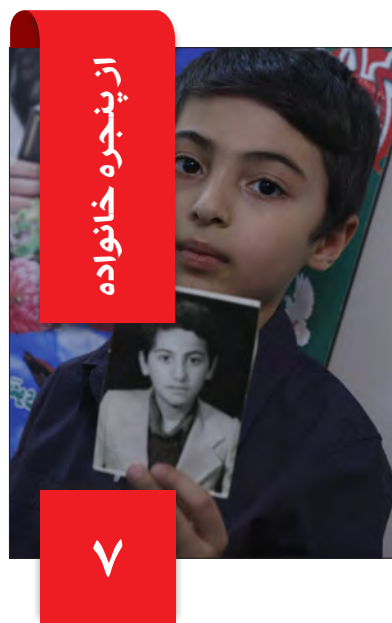
خادم القرآن

۳۷



همسنگر

۲۳



از پنجره خانواده

۷





۱۹



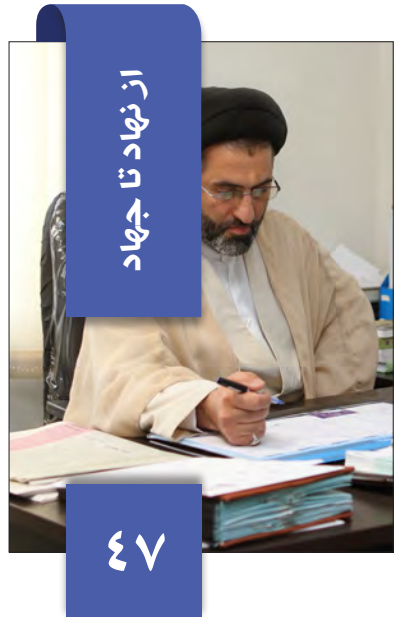
۴۶



۵۷



۵۹



۴۷



## سخن نخست

بسم رب الشهداء والصدیقین

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَحْبَهُ...»

آری، این گونه است که مومنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کرده و بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند...

امروزه که عصر انفجار اطلاعات و تلاطم خیر است و در دوره‌ای که مرز جغرافیایی مفهوم خود را از دست می‌دهد و اقتدار هر کشور در بعد فرهنگی آن جلوه می‌کند، پاسداری از ارزش‌های فرهنگی، رویکردی واقع‌بینانه و استراتژیک خواهد بود؛ لذا هر کس صدای آزادی و ندای رهایی سر دهد، ارباب زر و زور و تزویر با چنان حمله‌ای به او می‌تازد تا دم نماند...

در این برهه، وظیفه منادیان عدالت که به آرمان‌های الهی ایمان دارند، استواری و ایستادگی در مقابل این هجوم است تا بتوان با مقاومت همه‌جانبه از این فرهنگ، صیانت و پاسداری کرد و در این میان خورشید آسمان فرهنگ رهایی، عنوان پر مسمای شهادت است؛ فرهنگی جاری و ساری که چون خون در رگ متعهدان به عهد الهی جریان دارد.

تفاوت نمی‌کند در جبهه هست سال دفاع مقدس باشی یا در خط مقدم موصل، در سوریه مدافع حرم باشی یا در یمن مدافع حق، در مرزهای سراوان باشی یا در مجلس شورای اسلامی؛ همه و همه به جوی فرهنگ شهادت پیوند می‌خورند و در بای آزادی و رهایی از یوغ ددمنشان را احیای می‌کنند.

واقعه‌ای که در هفدهم خردادماه مصادف با دوازدهم رمضان المبارک در مجلس شورای اسلامی رخ داد لاله‌هایی را از میان دشت لاله‌های کشور چید که با رفتن خود روح آزادی را در کشور دمیدند و رایحه فرهنگ شهادت دگر بار و زین گرفت.

یکی از لاله‌های این چین از برداشت؛ رزمنده و جانباز سال‌های دور خط مقدم، غواص و تخریبچی لشکر خمینی (ره) در آن زمان و سرباز آتش به اختیار سید علی (مدظله العالی) در این عصر بود؛ حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی

که به حق در لیست پرکشیدگان «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» قرار گرفت.

او رفت تا به ددمنشان تکفیر و اربابان پشت پرده ایشان این پیام را مخابره کند که جوهر همان جوهر است؛ رزمنده دهه ۵۰ و ۶۰ همانان که در جبهه نظامی سینه سپر کردند و از میهن خویش دفاع کردند در دهه ۹۰ نیز در قلب پایتخت ایران این بار در مقابل جبهه منفور ترور سر تسلیم فرود نخواهند آورد.

شهید تقوی سال‌ها در جبهه فرهنگی کشور و در عرصه‌های مختلف از جمله حوزه علمیه، جهاد دانشگاهی، مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران و هیئات مذهبی مشغول به فعالیت بود و آخرین حضور فعال در این عرصه به زمان ریاست ایشان بر سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور و مدیرعاملی خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) بازمی‌گردد.

همراهی قریب به یک دهه همکاران و مدیران سازمان فعالیت‌های قرآنی و خبرگزاری ایکنا با این شهید و الامقام ایشان را بر آن داشت تا به پاس جبران نیمی از زحمات ایشان این شماره از نشریه رایحه را به معرفی شخصیت ایشان اختصاص دهند؛ لذا در پنج پرونده با عناوین از پنجره خانواده، هم‌سنگر، خادم القرآن، از نهاد تا جهاد و عروج به واکاوی ابعاد شخصیت ایشان پرداخته شده است.

در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است

امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

تالظه‌ای پیش، دلم گور سرد بود

اینک به یمن یاد شما جان گرفته است

وای شهید! چه مقامی بالاتر از اینکه:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است شادمانند و به آن‌ها که در پی شان هستند و هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند بشارت می‌دهند که بیمی بر آن‌ها نیست و اندوهگین نشوند.»

ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

# از پنجره خانواده





# زندگینامه شهید سید مهدی تقوی

شهید حجت الاسلام سید مهدی تقوی در ۲۹ شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در روستای جورد از توابع شهرستان رودهن در خانواده‌ای از سادات مذهبی دیده به جهان گشود؛ جد ایشان به امامزاده موسی میرقح واقع در محله چهل اخترن قم می‌رسد که فرزند بلافضل امام جواد(ع) است؛ آن گونه که اطرافیان نقل می‌کنند برخی سخنان و رفتارش در کودکی حاکی از بلند نظری و روحیه والایش بود؛ از همین رو از کودکی به عنوان برادر بزرگ‌تر دغدغه آینده خواهران و برادرانش را داشت و نسبت به فضای تربیتی آن‌هایی تفاوت نبود.

با شروع جنگ، چندین بار اتفاق افتاده بود که تعطیلات نوروزی خود را در جبهه‌ها به سر می‌برد و وقتی سن او کفاف حضور در جبهه را نمی‌داد با دست کاری در شناسنامه‌اش پادر میدان رزم علیه رژیم بعث عراق گذاشت؛ بعد از مدتی تحت آموزش‌های تیپ تخریب سیدالشهدا(ع) قرار گرفت و در این زمینه رزمنده‌ای ورزیده شد؛ روحیه رزمندگی و جهادگری او در تمام مراحل مختلف آموزشی و عملیات جنگی ظهور یافت؛ در عملیات‌های مختلف شرکت کرد تا

اینکه در عملیات کربلای ۵ از ناحیه دست چپ مجروح و به درجه جانبازی نائل شد.

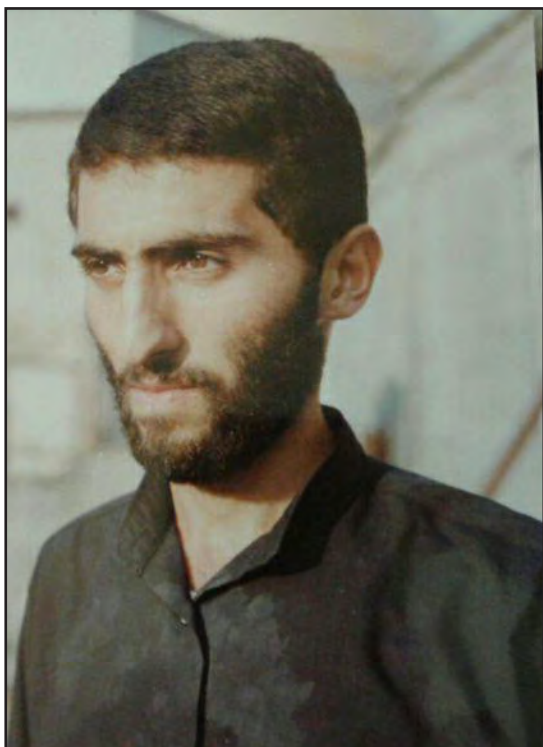
وقتی خانواده جویای احوالش شده بودند مجروح و حیتش را به آن‌ها گفت و گفته بود برای زیارت به مشهد مقدس رفته است و همین‌طور هم بود؛ بعد از مجروحیت برای مداوا به بیمارستان امام خمینی (ره) مشهد برده شد؛ او پس از مدتی دوباره عازم میدان جنگ شد؛ بعد از اتمام جنگ هر چند به ظاهر جنگ پایان گرفته بود، اما برای او همچنان میدان جنگ در عرصه‌ای دیگر آغاز شد؛

در سال ۶۷-۶۸ به قم آمد و مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم شد؛ تقریباً یک سال بعد از دواج کرد و در کنار درس و زندگی جدید به فعالیت‌های تبلیغی هم می‌پرداخت؛ در بعد علمی بسیار کوشا بود و سعی در فهم عمیق علوم دینی داشت، به طوری که از همان اوایل تحصیل با شوق و علاقه فراوان به مطالعه احادیث و روایات ائمه اطهار(ع) از کتب معتبری چون اصول کافی، بحار الانوار و نهج البلاغه پرداخت و این مطالعات به صورت

روزانه با کمک اساتیدی چون احمد فاضلی؛ سید مهدی میرباقری و دیگر دوستان طلبه‌اش برگزار می‌شد.

در کنار این مسئله سیری که همواره در زندگی این شهید بزرگوار جاری بود، عشق و محبت ویژه به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بود که به صورت تشکیل مجالس روضه و جشن در خانه‌اش برقرار بود؛ در بعد مسائل مادی نیز با توکل بالایی که داشت طبق اذعان خانواده هیچ وقت دیده نشد که در مورد مخارج زندگی و تغذیه خانواده در مانده شود؛ چرا که توکل را جزء لاینفک زندگی خود قرار داده بود.

این روش توکل و توسل، الگویی برای تربیت فرزندانش شد که هم‌اکنون ادامه‌دهنده راه و مرامش هستند؛ در کنار این دو روش، شاخصه دیگر که تفکر بود را چاشنی زندگی و فعالیت‌های اجتماعی خود کرد و با ورود به نهاد رهبری در امور دانشگاه‌ها در دانشگاه امام حسین(ع) و هنر مشغول به کار شد و بعد از مدتی مدیر عامل خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) و مدیر عامل سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور شد.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی





او از ظرفیت، روحیه جهادی و انقلابی والایی برخوردار بود توانست در مجموعه‌هایی که کار می‌کرد تحولی اساسی و چشمگیر و ارتباطی مفید بین دانشگاه و حوزه ایجاد کند؛ او از آنجایی که به دنبال انجام وظیفه شرعی و دینی بود، در قبال انقلاب و نظام به درخواست نماینده مجلس، علیرضا زاکانی در سمت معاونت فرهنگی ایشان مشغول به کار شد و بعد از یک دوره، به درخواست حاجی دلپگانی، نماینده مجلس فعالیت خود را در مجلس ادامه داد؛ شهید تقوی در حین انجام وظیفه در جلسه‌ای که مسائل فرهنگی از جمله زنان و سند ۲۰۳۰ را بررسی می‌کرد به فیض عظیم شهادت نائل شد.



مطلب قابل تأمل و توجه در مورد این شهید دغدغه‌مندی و ظرفیت بالای او در پذیرش مسئولیت‌های مختلفی بود که در آن نوعی جهادگری و انقلابی‌گری دیده می‌شد؛ گویی همه‌جا و همه مقاطع برایش میدان جنگ و مبارزه بود و فقط نوع عملیاتش فرق داشت؛ در تمام این مسئولیت‌ها که بر عهده داشت، در راستای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس منویات مقام معظم رهبری که توجه اصلی ایشان به خواص جامعه بود، تمام عزم خود را جزم کرد تا بتواند با تفکر انقلابی و ایمانی که داشت یک برنامه قوی و کاربردی در این زمینه ارائه دهد؛ تشکیل جلسات تربیتی نیروهای طلبه در باره گفتمان انقلاب اسلامی، خود گواه بر این روحیه والا و مجاهدت شبانه‌روزی این شهید است.

روحش شاد، راهش پر رهرو

# آرزوهایم محقق شد

مادر شهید حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی معتقد است شرم و حیای ذاتی از کودکی سید مهدی را با سایرین متمایز کرده بود و همین امر باعث می شد تا همگان بر آتیه درخشان او معترف باشند؛ برای آگاهی بیشتر با ویژگی های تربیتی و شخصیتی این شهید قرآنی با مادر او به گفت و گو نشستیم که شرح آن در ادامه از نظر می گذرد.

● لطفا درباره دوران کودکی شهید تقوی و اینکه ایشان چه خصوصاتی داشت برای ما توضیح دهید.

سید مهدی فرزند اولم بود؛ من سه پسر و دو دختر داشتم و سید مهدی از کودکی به دلیل شرم و حیایی که داشت نزد من بسیار عزیز بود و همیشه به اقوام می گفتم این فرزندم از همه بهتر و والاتر خواهد بود؛ از ویژگی های بارز او مهربانی خیلی زیادش بود و همیشه

به آرامی صحبت می کرد، محال بود کسی مشکلی داشته باشد و با او مطرح کند و سید مهدی برایش کاری انجام ندهد و تا زمانی که کار او را به سرانجام نمی رساند موضوع رازمانی کرد. اخلاقش با سایر فرزندانم متفاوت بود و همواره آرام بود و هرگز ندیدم با کسی تندی کند و وقتی با اعضای خانواده گفت و گو می کردیم پیوسته سفارش می کرد که مراقب باشیم تا غیبت نکنیم.



## ویژه نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

● درباره دورانی که شهید به جبهه رفتند و هنگامی که به لباس روحانیت درآمدند توضیح دهید.

هنگامی که تصمیم گرفت وارد حوزه علمیه شود، به من گفت که می خواهد طلبه شود؛ من به او گفتم که اگر می خواهی طلبه شوی، باید آن قدر ادامه دهی تا در این عرصه برای خودت کسی شوی، نه از این نظر که به پست و مقام برسد، بلکه منظورم از نظر معنوی بود؛ به او گفتم دوست دارم کارهای بزرگ انجام دهی؛ او هم به من می گفت که همیشه امر شما را اطاعت می کنم.

زمانی که سید مهدی عزم خود را جزم کرد تا به جبهه برود، به او گفتم؛ من شهادت را دوست دارم اما دلم نمی خواهد که تو زود شهید شوی و می خواهم کارهای بزرگی انجام دهی و اگر تقدیرت شهادت بود پس از به ثمر رساندن فعالیت های شهید شوی و همین هم شد؛ خوشحال هستم از اینکه توانست کارهای بسیاری را انجام دهد و از نظر معنوی هم جایگاه والایی را کسب کند؛ عمرش را بابرکت گذراند و سپس به شهادت رسید.

● فکر می کنید چگونه می توان فرزند ایده آلی که مبنای اعتقادی محکمی داشته باشد پرورش داد.

من معتقدم که تمامی مادران از دوره بارداری باید اصولی را سرلوحه رفتار خود قرار دهند و مهم ترین چیزی که در هنگام تولد و تربیت فرزندانم انجام دادم پرهیز از حرام خواری بود؛ من حتی وقتی می خواستم وارد زمین پدری ام شوم اجازه می گرفتم و حتی وقتی میوه ای خارج از باغ هم بود با آنکه حلال بود به آن لب نمی زدم مگر اینکه واقعا می دانستم صاحب باغ رضایت دارد.

رفتار من در این باره باعث تعجب دیگران بود؛ این در حالی بود که سن و سالی هم نداشتم؛ در آن زمان ذکری را نمی دانستم که بخوانم، تنها به خواندن قرآن و نماز اول وقت می پرداختم؛ با این همه بر روی حرام بودن و حلال بودن لقمه ای که می خوردم حساس بودم.

نکته دیگر اینکه از قدیم الایام در مجالس عروسی شرکت نمی کردم؛ تنها مراسمی که در آنجا حضور داشتم، مراسم خانواده شهیدان سجادیان بود که ۵ شهید تقدیم انقلاب کردند؛ در باقی مراسم به دلیل استفاده از موسیقی حضور نمی یافتم؛ یک بار که در چنین مراسمی شرکت کردم، وقتی اوضاع را دیدم ناخودآگاه حالم نامساعد شد؛ این بود که توبه کردم و دیگر در چنین شرایطی شرکت نکردم؛ گاهی همین موضوع باعث ناراحتی دیگران هم می شد اما چون





جزء اصول اعتقادی من بود آن را رعایت می کردم. درباره کلماتی که دو معنی از آن‌ها قابل بهره‌برداری بود نیز حساسیت داشتم و آن‌ها را به کار نمی‌بردم؛ پرهیز از دروغ‌گویی و غیبت از دیگر موضوعاتی بود که سعی بر رعایت آن داشتم و فکر می‌کنم هر مادری وظیفه دارد بر این موضوعات حساسیت داشته باشد.

### ● آیا این خصایص در فرزندان نیز ظهور و بروز پیدا کرد؟

بله؛ سید مهدی نیز همین روحیه را داشت؛ درباره موضوعاتی که پیرامون آن‌ها صحبت می‌شد خیلی مراقبت می‌کرد و همیشه می‌گفت مبادا گناه کنیم؛ گاهی که اشتباهی از او سر می‌زد، رو به قبله می‌ایستاد و خدا را صدا می‌زد؛ در پایان هم از من می‌پرسید که آیا خدا او را بخشیده است؟ و برای اشتباهات کوچکش هم خودش را سرزنش می‌کرد. یک روز که سید مهدی کودک بود، همه اعضای خانواده ما به خانه مادر بزرگ او رفتند؛ من به علت کسالت همراه آن‌ها نرفتم و وقتی دیگران به او اصرار کردند که با آن‌ها برود؛ می‌گفت مادر من بیمار است، او را رها نمی‌کنم؛ از ابتدا به من رسیدگی می‌کرد و تا به پایان نیز همین‌طور بود؛ اکنون تعجب می‌کنم که چطور بدون او زنده هستم؛ تصور می‌کنم به خاطر حفاظت از فرزندان کوچک او زنده مانده‌ام؛ سید مهدی احترام بسیاری به من می‌گذاشت؛ در قبال پدر و سایر اعضای خانواده نیز این‌گونه بود.

هنگامی که یکی از اقوام ما بیمار بود، سید مهدی یک روز به قم آمد و گفت که مادر نظر شما چیست که ایشان را به منزلم ببرم؟ تشویقش کردم؛ پسر من گفت که ایشان خیلی دلش شکسته است؛ فرزندان او را اذیت کرده‌اند؛ او را به نزد خود برد و به محض اینکه به منزل پسر رسیدند، شخصی از راه رسید و ۱۰ هزار تومان که آن زمان پول زیادی بود به او داد؛ پسر من رو به خویشاوندان کرد و گفت دیدید ناراحت بودید و نمی‌خواستید بیاید؛ روزی شما جلوتر آمد.

### ● از دیگر ویژگی‌های اخلاقی شهید تقوی برای ما بگویید.

سید مهدی خیلی با محبت بود؛ در دورانی که در جهاد دانشگاهی کار می‌کرد از همکاری‌اش درباره پسر من سوال کردم که آن‌ها نیز تایید می‌کردند؛ پسر من در دوران کودکی، خواهر و برادرهایش را نیز مدیریت می‌کرد؛ به آن‌ها می‌گفت که مادر زحمت کشیده و غذا درست کرده است، ما هم باید کمک کنیم؛ یک نفر سفره را جمع کند و یک نفر هم ظرف‌ها را بشوید؛ این وظایف را نیز بین همه فرزندانم تقسیم می‌کرد.

بعدا همین رفتار را در قبال همسر و فرزندان داشت و از کودکانش می‌خواست تا به مادرشان کمک کنند و به همه خیلی محبت می‌کرد؛ نمی‌گذاشت که همه بارها بر دوش یک نفر باشد و خودش هم کمک می‌کرد؛ وقتی دیر به منزل می‌آمد و می‌خواستم برایش غذا را گرم کنم، اجازه نمی‌داد و خودش غذایش را آماده می‌کرد.

نکته مهمی که در رفتارهای سید مهدی برایم جذاب بود، آن بود که هرگاه نزد ما می‌آمد، سعی می‌کردم یک غذای لذیذ برایش درست کنم؛ او اعتراض می‌کرد و می‌گفت که مادر تا این حد به فکر غذای ما نباش، به فکر ایمان ما باش؛ در میان اقوام و خویشاوندان حتی یک نفر وجود ندارد که از او بدی دیده باشد؛ وقتی سید مهدی شهید شد، همه اطرافیان و اقوام خیلی متأثر شدند.

### ● رفتار شهید در قبال اقوام و کسانی که رفتار مناسبی نداشتند چطور بود؟

سید مهدی با برخی از اقوام که ظاهر مناسبی نداشتند و یا بد رفتاری‌هایی داشتند، با روی خوش برخورد می‌کرد و با همین روند سعی می‌کرد آن‌ها را به راه بیاورد؛ سعی داشت برای هر کدام از اقوام که مشکلی داشتند کاری انجام دهد؛ نمی‌گذاشت ناراحتی بکشند و غصه بخورند؛ می‌گفت ناراحت نباشید؛ به من هم همیشه می‌گفت که مادر غصه نخور، درست می‌شود؛ هیچ موضوعی را سخت نمی‌گرفت؛ شهادت حق او بود؛ من هم راضی به رضای خدا هستم؛ ان شاء الله خداوند توفیق دهد که راه او را ادامه دهیم.



# شکل‌گیری شخصیت در جبهه

بین اقوام، دوست و صلح‌رجم برقرار باشد و خود نیز به این موضوع عامل بود.

او به حق رکن خانواده تقوی بود و همه اقوام را دور هم جمع و بین آن‌ها تعامل برقرار می‌کرد؛ اخلاص در کار، یکی از خصوصیات او بود؛ شاید برخی از افراد را که در قشر روحانیت وارد شده‌اند منتظر هستند، دیگران به آن‌ها احترام بگذارند یا پیش پای آن‌ها از جا برخیزند، ولی برادر من اهل این مسائل حاشیه‌ای نبود.

## تأثیر پذیری از فضای جبهه

شهید تقوی سعی در انجام وظایف خود داشت و می‌گفت که کارم را انجام می‌دهم و آن را به پیش می‌برم؛ او نیت خدایی داشت و برای همین بسیاری از مسائل برایش حل شده بود؛ این در حالی بود که توقعاتی که برخی از هم لباس‌های ایشان داشتند اصلاً در وجود سید مهدی راه نداشت؛ این موضوع هم به آن دلیل بود که فضای جبهه و جنگ روی او تأثیر گذاشته بود.

سادگی و اخلاص یکی از ویژگی‌های شهید تقوی در کار و فعالیت روزانه‌اش بود؛ سید مهدی به دنبال منافع شخصی نبود؛ در هر زمینه‌ای که وارد می‌شد این روحیه را حفظ می‌کرد؛ حتی در برخورد با کسبه نیز به همین نحو برخورد می‌کرد و برخلاف بسیاری که چانه می‌زنند که پول کمتری پرداخت کنند، او حتی پول بیشتری می‌داد که فرد مورد نظر ضرر نکند و راضی باشد و دچار ناراحتی نشود و به اصطلاح هوای طرف مقابل را داشت تا به او سود برساند؛ سید مهدی این روحیات را به برادران و

روحیات حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی در امدادسانی به دیگران، فعالیت پنهانی، اخلاص و... نتیجه شکل‌گیری شخصیت او در خانواده و در ادامه دانشگاه دفاع مقدس است؛ از همین رو با سید هادی تقوی، برادر شهید درباره خصلت‌های برادرش به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

خودش نیز این موضوع را رعایت می‌کرد؛ در مراسم مهمانی که در منزل برگزار می‌شد، همیشه یادآوری می‌کرد که سفره بانوان و آقایان جدا از هم انداخته شود.

شهید تقوی خیلی بر درس خواندن تأکید داشت؛ ایشان برادر کوچکم را به قم برد تا طلبه شود؛ به من هم توصیه می‌کرد ولی من به این عرصه وارد نشدم؛ در اواخر عمر نیز مراقب بود که در میان اقوام و خویشاوندان اختلافی بروز نکند و اگر پیش می‌آمد، در آشتی دادن طرفین و حل اختلاف کمک می‌کرد؛ تلاش سید مهدی این بود که

سید مهدی از همان دوران نوجوانی مراقب رفتار و کردار من بود و مراقب بود که با چه کسانی ارتباط دارم و به چه مکان‌هایی می‌روم؛ از همان دوران نوجوانی وقتی در جمع اعضای منزل و اقوام حضور پیدا می‌کرد، از غیبت پیشگیری می‌کرد؛ همچنین برادرم در سن نوجوانی، همسن و سالان خود را جمع و درباره احترام و محبت به والدین، توصیه‌هایی را برای آنان بیان می‌کرد.

دورانی را که من به بیمارستان می‌رفتم، مراقب بود که در حضور زنان بدحجاب، سرم پایین باشد و به آن‌ها نگاه نکنم و

## سید محسن تقوی:

### مسرت سفر به سوریه به دلش ماند

دغدغه همیشگی شهید تقوی مسئله دین و این رویکرد را از عرصه جهاد دفاع مقدس تا تحصیل در حوزه علمیه و دیگر سنگرها از جمله فعالیت‌های قرآنی حفظ کرده بود ولی در اواخر عمر پیشرفت روحی بسیاری داشت و از دنیا دال کنده بود؛ سید محسن تقوی که فرزند چهارم خانواده تقوی و برادر کوچک‌تر این شهید است از ویژگی‌های اخلاقی و دغدغه‌های شهید تقوی سخن می‌گوید.

#### ● شما به پیشنهاد سید مهدی تقوی به عرصه طلبگی ورود پیدا کردید؟

بله؛ ایشان باعث شد که من به عرصه طلبگی ورود پیدا کنم؛ سید مهدی برای من در جایگاه پدرم بود، چرا که پدرم در تهران بود و برادرم به ما رسیدگی می‌کرد؛ بعد از ازدواج من، او به تهران رفت و رابطه ما کاهش پیدا کرد و کمتر پیش می‌آمد که یکدیگر را ببینیم.

#### ● شهید تقوی چه فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌داد؟

ایشان بیشتر بر مواضع انقلاب تأکید داشت و به پیروی از مقام معظم رهبری و توجه به سخنان ایشان اشاره و توصیه می‌کرد؛ در این حوزه فعالیت بسیاری داشت ولی به صورت پنهانی نیز کار می‌کرد و درباره فعالیتش موضوعی را بروز نمی‌داد و این گونه نبود که اعلام کند تا همه بدانند؛ من که برادرش بودم نمی‌دانستم که در چه سمتی و کدام سازمان مشغول به فعالیت است و فقط می‌دانستم در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی فعالیت داشته است.

به عنوان مثال در آخرین جلسه در مجلس روی سند ۲۰۳۰ کار می‌کردند یا دوره‌هایی در راستای گفتمان انقلاب اسلامی برپا می‌کردند که این موضوع را بعد از شهادت متوجه شدم. درباره رفتار ایشان در رسیدگی به خانواده و اقوام برای ما بگویید.

برادرم خیلی مهربان و دلسوز بود؛ همیشه دغدغه دین داشت و همین باعث شد که وارد حوزه طلبگی شود و به من هم توصیه کند که طلبه شوم؛ علاقه بسیاری به اقوام، دوستان، همسایگان و اطرافیان داشت و نسبت به آن‌ها بی تفاوت نبود و برایش اهمیت بسیاری داشت که تاجایی که امکان دارد در راستای رفع مشکلات آن‌ها کار کند.

اکنون که برادرم شهید شده افراد بسیاری مراجعه می‌کنند و می‌گویند که شهید تقوی دست ما را در آن زمان گرفت و از مشکلات نجات داد یا ما را راهنمایی کرد؛ گاه این سخنان را از سوی کسانی می‌شنویم که اصلاً تصور آن‌ها هم نمی‌کردیم برادر ما با آن‌ها ارتباط داشته

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



از این دست دارند، البته برخی نیز درگیر دنیا شده و از این فضا دور شده‌اند؛ رفتار سید مهدی تقوی ناشی از برکات و اثرات جبهه و جنگ بود؛ او از بازمانده‌هایی بود که در این فضا باقی ماند؛

وقتی انسان خود را اصلاح می‌کند و قصد دارد تا در این فضا باقی بماند، اهل بیت (ع) نیز به او کمک می‌کنند و کار را پیش می‌برند؛ شهید تقوی بسیار شجاع بود؛ عملیات تخریب نیاز به شجاعت بسیاری دارد؛ او با کمترین میزان هزینه و تلفات در این حوزه کار می‌کرد؛ در حوزه علمیه نیز از نظر نمرات و مباحثات جایگاه بسیار خوبی داشت.

می‌دانستم که در سازمان فعالیت‌های قرآنی فعالیت می‌کند، ولی نمی‌دانستم چه کاری انجام می‌دهد؛ در اکثر فعالیت‌هایی که انجام می‌داد خیلی اهل جار زدن نبود و مطلبی را از خود بروز نمی‌داد و این موضوع را از اخلاصی که داشت می‌دانم؛ موفقیتی که در این حوزه به دست آورد نیز حاصل توکل به خدا بود؛ شهید تقوی به مسیری که می‌رفت اعتقاد داشت و قطعاً خدا نیز در این راه او را کمک و کاستی‌ها را جبران می‌کرد.

ایران با وجود کمبود تجهیزات نظامی در بسیاری از عملیات‌ها موفق بود؛ شهید تقوی عنوان می‌کرد که رزمندگان در کربلای ۴ با توجه به ادوات جنگی مناسبی که در اختیار داشتند از خدا غافل شده و مغرور شدند و شکست سختی از دشمن خوردند که در کربلای ۵ این شکست را جبران کردند؛ این روایات بر روی این شهید اثر بسیاری گذاشت و امیدوارم ما نیز توفیق آن را داشته باشیم که راه او را ادامه دهیم.

فرزندان خود نیز منتقل کرده بود و به نحوی ما میراث‌دار او هستیم.

روش تربیتی که سید مهدی تقوی برای فرزندان به کار می‌برد یکی دیگر از ویژگی‌های ارزنده اوست؛ سید مهدی در این حوزه نیز در اوج قرار داشت و هیچ کدام از ما به پای او نمی‌رسیم؛ ایشان در این حوزه نمونه بود و فرزندان بسیاری

خوبی تربیت کرد که زبانه‌داران اقوام هستند. چرایی موفقیت سید مهدی در همه عرصه‌ها را می‌توان در یک جمله امام خمینی (ره) خلاصه کرد که جبهه دانشگاه انسان‌سازی است؛ همچنین در جای دیگر فرموده‌اند که جنگ نعمت عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است اکثر افرادی که به جبهه و جنگ رفته و باقی مانده‌اند، روایاتی

حوزه مباحث قرآنی به صورت مفصل کار می‌کرد؛ بر روی این مباحث تأکید بسیاری داشت؛ همچنین در جلسات درس خارج مقام معظم رهبری نیز شرکت می‌کرد. متأسفانه بنده متوجه تغییرات ایشان نبودم ولی فرزندانش متوجه شده بوده و می‌گفتند که پدر از دنیا دل‌کنده است؛ در سال اخیر، ارتباطش با دوستان دوران هشت سال دفاع مقدس افزایش پیدا کرده و رفتارشان تغییر کرده بود.

- برای رسیدن به فیض شهادت تلاش بسیاری باید کرد؛ سید مهدی در این مسیر چه کارهایی انجام داد تا بتواند به این فیض دست پیدا کند؟ همان‌طور که گفتیم ایشان همواره دغدغه دین داشت؛ مانند زمانی که به جنگ رفت و تلاش بسیاری کرد تا جانباز شود؛ در این سال‌ها نیز سعی بسیاری داشت تا بتواند در این حوزه گام‌های علمی و عملی بردارد؛ دوستان ایشان در سپاه نیز می‌گفتند که طی چند ماه آخر از نظر روحی پیشرفت بسیاری کرده و نگاهش نسبت به دنیا تغییر کرده بود. به علیرضا زاکانی، از فعالان سیاسی و هم‌رزمان قدیمی‌اش هم گفته بود که دنیا برایم تنگ شده است، و هماهنگ کند که او بتواند به سوریه برود؛ این عشق و علاقه از قدیم در وجود سید مهدی زبانه می‌کشید، غبطه و حسرت دوستان شهیدش را می‌خورد، ولی اجازه نمی‌داد نمود بیرونی پیدا کند؛ مباحثی بود بین خودش و خدای خودش.

باشد؛ شمار اقوام ما که بسیاری از آن‌ها در شهرستان هستند، زیاد است ولی این مسئله موجب نمی‌شد که او نگران و پیگیر مشکلات آنان نباشد؛ شهید تقوی مشکل بسیاری از این افراد را در حوزه‌های مختلفی چون کار، مشکلات مالی و راهنمایی فکری برطرف کرده بود و به هیچ وجه نسبت به اطرافیان بی تفاوت نبود.

#### ● در خانواده در چه زمینه‌ای تأکید داشت؟

در موضوع حجاب خیلی حساس بود و تأکید بسیاری داشت و همواره به خواهرانم در این زمینه توصیه می‌کرد؛ همچنین پس از ازدواج نسبت به حجاب همسرشان دقت نظر داشتند؛ ما خانواده متدینی داشتیم و این موضوعات برای ما جا افتاده بود، ولی ایشان حساسیت خود را حفظ کرده بود؛ در راستای ازدواج خواهرانم نیز ایشان واسطه بود و دامادهای ما دونفر از طلاب هستند.

#### ● در راستای فعالیت‌های علمی شهید تقوی برای ما توضیح دهید.

از قدیم‌الایام این‌طور بود که او با دوستان خود مجالس مباحثه را در منزل ما برگزار می‌کردند، از آنجاکه من از نظر علمی با ایشان فاصله زیادی داشتیم، در این جلسات شرکت نمی‌کردم؛ سید مهدی باقری از جمله کسانی بود که برادرم با او ارتباط زیادی داشت؛ همچنین در

سیدعلی تقوی:

# در جستجوی تحول در عرصه‌های خاموش فرهنگی

شهید حجت‌الاسلام سیدمهدی تقوی بررسی می‌کرد تا ببیند در چه جایی با خلأ روبرو هستیم و سعی می‌کرد آن را پر کند؛ برای مثال اگر می‌خواست مجلس روضه برپا کند، در نظر می‌گرفت که کدام روضه بیش از دیگر روضه‌ها مورد غفلت واقع شده است. همچنین در کارهای علمی، سیاسی و فرهنگی نیز بررسی می‌کرد که به چه مسئله‌ای کمتر بها داده شده است. حجت‌الاسلام سیدعلی تقوی، فرزند شهید به دقت نظر و توجه ایشان به عرصه‌های خاموش فرهنگی؛ اشاره می‌کند. به منظور آشنایی بیشتر با رویه زندگی این شهید گفت‌وگویی با فرزند ارشد ایشان داشته‌ایم که از نظر تان می‌گذرد؛

می‌پرداخت تا ببیند در چه جایی با خلأ روبرو هستیم و سعی می‌کرد آن را پر کند؛ برای مثال اگر می‌خواست مجلس روضه برپا کند، در نظر می‌گرفت که کدام روضه بیش از دیگر روضه‌ها مورد غفلت واقع شده است، آن را برپا می‌کرد.

ایشان همچنین در کارهای علمی بررسی می‌کرد و می‌دید که به چه مسئله‌ای کمتر بها داده شده است تا به آن بپردازد. در مباحث سیاسی و فرهنگی نیز این گونه بود. در مباحث و موضوعاتی ورود پیدا می‌کرد که نیاز جامعه و مسئولان باشد و افراد باید نسبت به آنها اطلاعات و آگاهی پیدا کنند. پر کردن خلأها نیز از روحیه دغدغه‌مندی ایشان نشئت می‌گرفت.

در همین راستا، آخرین فعالیتی که داشت به بحث گفتمان انقلاب، امام(ره) و رهبر معظم انقلاب مربوط می‌شد که خلأ آن در میان جامعه و اقصی نقاط کشور احساس می‌شد. ایشان تلاش می‌کرد تا خلأ موجود را برطرف کند و بتوان بحث گفتمان میان حوزویان و خواص جامعه را جا بیندازد تا این عرصه جایگاه خود را بیابد. این موارد به دغدغه‌مندی ایشان باز می‌گشت.

در سازمان سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور نیز تلاش کرد تا دغدغه‌مندی خود را در آنجا نیز به منصه ظهور رساند. ایشان ابتدا کارشناس مذهبی بود ولی هنگامی که به ریاست آن سازمان انتخاب شد، تلاش داشت تا تحولی در فعالیت‌های آنجا ببرد و کارهای انجام نشده را اجرا کند.

و یا فرزندان داشتند. در انتخاب دوست، همنشین و هم‌صحبت دقت بسیاری می‌کرد و افرادی را برای این موضوع بر می‌گزید که بتواند از نظر معرفتی از او کسب علم کند.

وی این گونه نبود که وقت خود را در نشست‌ها و گردها به بیهودگی و شب‌نشینی تلف کند. اوقاتش را بیهوده هدر نمی‌داد. در راستای انتخاب همنشین دقت داشت کسی را برگزیند که بتواند با او تعامل و بحث علمی داشته باشد و بتواند مباحث معرفتی، حدیثی و بحث‌هایی مورد نظر خود را مطرح کند.

## ● بزرگترین دغدغه‌های شهید تقوی چه بود؟

وی انسان دلسوز و دغدغه‌مندی بود و در هر موضوعی با دغدغه وارد می‌شد. ایشان به بررسی

## ● لطفاً درباره ویژگی‌های اخلاقی پدرتان بگویید.

پدرم کم حرف و محجوب بود. در زمینه علمی بیشتر اهل تفکر و تحلیل مسائل بود و غور در احادیث و روایات را رویه کار خود قرار داد. روند علمی ایشان محققانه و متفکرانه بود. در میان علما بیشتر به کتب علمایی که آثار آنها تفکری و تحلیلی است، مانند آثار شهید مطهری و علامه جعفری بیشتر علاقه داشت.

ایشان در زمینه اعتقادی و مذهبی خیلی اهل توسل و روضه بود و از ابتدا، برپایی روضه یکی از بخش‌های مهم زندگی‌اش به شمار می‌آمد. اغلب اوقات محفل روضه و عزاداری در منزل ما برپا بود. همچنین منزل ما مأمونی برای کسانی بود که می‌خواستند روضه برپا کنند. شهید تقوی به توسل و روضه اهمیت بسیاری می‌داد. در عمل نیز این گونه بود که اهل توسل قلبی و روضه بود و فقط این گونه نبود که لقلقه زبانش باشد. یکی از موضوعاتی که در زندگی مورد نظر و توجه ایشان قرار داشت، مربوط به رفاقت‌هایی بود که ایشان

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی







یکی از رویکردهای ایشان وحدت حوزه و دانشگاه بود. همچنین ایشان تلاش کرد تا از کتاب‌های علمای شاخصی مثل آیات عظام مصباح و جوادی آملی یک بسته آماده برای دانشجویان فراهم کند و نسخه مناسبی برای آنان بپیچد. وی حتی از سطح ملی فراتر رفت و این فعالیت‌ها را به لبنان و عراق کشید. روحیه جهادی والا بی داشت. در عین مسئولیت‌پذیری که داشت، مشغولیت ذهنی داشت و وجدانش آرام نمی‌گرفت و سعی می‌کرد به تکالیفی که در این حوزه دارد عمل کند.

● **به عقیده شما چه موضوعی سبب شد تا ایشان به فیض شهادت دست یابد.**

رمز رسیدن به شهادت ایشان آن بود که ایشان تلاش کرد تا ایمان و تقوایی را که دارد در کنار عمل مجاهدانه قرار دهد. در تمامی عرصه‌ها مانند رزمندگانه بود که در جنگ با تمام وجود فعالیت می‌کند تا به فیض شهادت نائل شود.

● **در زندگی خود چه سیره و روشی را در پی گرفته بود؟**

رسیدگی به نیازمندان یکی از ابعاد زندگی ایشان بود. پدرم زندگی مرفهی نداشت و خط زندگی‌اش از همان دوران طلبگی بسیار ساده بود و تا پیش از شهادت و

پس از رسیدن به پست‌ها و عناوین مختلف، رسیدگی به نیازمندان را ترک نمی‌کرد. به این فکر بود که اگر در میان اقوام و همسایگان کسی به کمک نیاز دارد رسیدگی کند و همیشه نگران بود که مبادا دیگران دچار مشکل شوند. دغدغه‌های خاصی داشت و سعی داشت مشکلات اطرافیان را برطرف کند.

● **در حوزه تربیت فرزند چه سبک و روشی در پیش گرفته بود؟**

معمولاً افراد که دارای مشغله‌های بسیار هستند از این موضوع غفلت می‌کنند، ولی ایشان در عین داشتن مشغولیت کاری، این گونه نبود و تربیت فرزند در اولویت فعالیت‌های ایشان جای داشت. ایشان در دوران کودکی ما تلاش کرد که کمک به نیازمندان را به صورت عملی به ما آموزش دهد.

پدرم همچنین تلاش کرد تا برای موفقیت در تربیت فرزندان، شرایط مناسبی را ایجاد کند و فرزندان صالحی تربیت کند. وی تلاش می‌کرد تا فضای منزل و محیط‌های فرهنگی که فرزندان را به آنجا می‌برد سالم باشد، اگر چه ممکن بود این اقدامات هزینه‌های بالایی داشته باشد، ولی از کنار این موضوعات به‌سادگی نمی‌گذشت و هزینه صرف می‌کرد.

● **درباره شرایط منزل بیشتر توضیح دهید.**

در منزل ما همیشه مجلس روضه به مناسبات مختلف برپا بود و انسان‌های فرهنگی و طلاب در آن رفت و آمد داشتند و این موضوع در تربیت فرزندان موثر بود. این نکته صحیح است که پدر و مادر با هر کسی بیشتر فعالیت کنند، فرزندان نیز از آنان الگو و تاثیر می‌پذیرند و این اشخاص اگر فرهنگی باشند بیشتر بر روحیه فرزندان اثرگذار خواهند بود. از این رو ایجاد فضای سالم در تربیت اولاد اقدامی بود که ایشان انجام می‌داد. مکان زندگی نکته مهمی بود که ایشان روی آن دقت نظر داشت. همچنین رعایت اخلاقیات توسط والدین هر چه بیشتر صورت گیرد، اثرگذارتر است و فرزندان نیز همان گونه تربیت می‌شوند. ایشان مراقب بود که ما با چه کسانی رفت‌وآمد می‌کنیم و توصیه می‌کرد که با کدام یک از افراد ارتباط کمتر یا بیشتری داشته باشیم.

پدرم حتی در این سن و سال که ما زندگی مشترک خود را شروع کرده‌ایم نگرانی داشتند و علاوه بر اینکه در دوران کودکی مراقب رفتارهای ما بود، در این دوران نیز به مسائل اخلاقی، فرهنگی و معیشت زندگی توجه نشان می‌داد. ایشان همیشه مراقب و نگران بود و سعی می‌کرد در عین آرامشی که داشت، این روحیه را نیز به دیگران منتقل کند و شاید سخت‌ترین مسائلی که پیش می‌آمد را با آرامش رفع و با آنها آرام برخورد می‌کرد.

گفت‌وگویی با دومین فرزند شهید تقوی؛

# شیوه تربیتی عملیاتی آموزش صبر، توکل و انفاق

صبوری و حلم شهید تقوی، در کنار دستگیری از فقر و توکل و الایی که به یاری پروردگار داشت، از خصائصی بود که وی در طول دوران زندگی خود سعی کرد به فرزندانش بیاموزد. درباره شیوه تربیتی این شهید، گفت‌وگویی با دومین فرزند ایشان، حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین تقوی داشته‌ایم تا ابعاد شخصیتی و علمی این شهید را بررسی کنیم.

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



### ● لطفا درباره نحوه تربیت فرزند شهید تقوی برایمان بگویید.

پدرم با اینکه مشغله بسیاری داشت، از افرادی نبود که خانواده را به حال خود رها کند؛ او به نحوه تربیت فرزندان اهمیت بسیاری می‌داد؛ پدرم در دوران کودکی خیلی به ما توجه داشت و به صورت غیرمستقیم ما را مدیریت می‌کرد.

شهید تقوی بر نحوه ارتباط فرزندانش با دوستان آن‌ها دقت نظر داشت؛ اغلب اوقات مجالس روضه در منزل ما برپا بود که باندبیر ایشان انجام می‌شد و گاه نیز در مجالس اهل بیت (ع) شرکت می‌کردیم؛ گاهی نیز پدرم و برادرانم را همراه با دوستان طلبه خود به سفر می‌بردند؛ محیط زندگی ما را این‌گونه ساختند تا رشد خوب و سالمی در زندگی داشته باشیم.

### ● آیا ورود شما به حوزه علمیه نتیجه توصیه‌های پدرتان بود؟

ایشان هیچ اجباری به ما نکردند که وارد حوزه علمیه شویم، ولی فضا را به نحوی آماده کرده بودند که به این سمت وسو رغبت داشته باشیم؛ ایشان به اینکه ما نیز به جامعه طلاب ورود کنیم علاقه‌مند بود؛ البته من و برادرانم همگی اتفاق نظر داریم که اگر می‌خواستیم وارد بازار کار شده و یا دانشجو شویم، ایشان به ما کمک می‌کرد و در همه زمینه‌ها راهنمای ما بود.

### ● نحوه تربیت شهید چگونه بر فرزندانشان اثرگذار بود؟

پدرم از دوران کودکی بارها به ما می‌گفت که مال دنیا خیلی ارزش ندارد؛ فقرای زیادی درب منزل ما را می‌زدند و به اصطلاح پاتوق آن‌ها آنجا بود و مشتری دائمی ما بودند و می‌دانستند که دست‌خالی بر نمی‌گردند؛ او وضع مالی خوبی نداشت، ولی هیچ‌گاه این موضوع پیش نیامد که فقیر را از درب خانه بدون دادن پول، غذا یا لباس رد کنند.

در دوران کودکی، او برای من و برادرم یک آمبولانس و اتوبوس خریده بود؛ ما آن‌ها را خیلی دوست داشتیم؛ یک روز فقیری جلوی درب منزل آمد؛ شاید ایشان می‌خواست ما را بیازماید که تربیتش اثرگذار بوده یا خیر؛ نزد ما آمد و گفت که خانمی جلوی درب آمده است که فرزند کوچک دارد و او هم اسباب‌بازی می‌خواهد؛ شنیدن این سخن باعث شد که ما اسباب‌بازی‌هایی را که دوست داشتیم به فرزند آن خانم فقیر بدهیم؛ این عملکرد نتیجه آموزش غیرمستقیم ایشان به ما بود.

این رفتار و تربیت پدرم اثر قابل توجهی بر ما گذاشته بود؛ به‌عنوان مثال یک روز یکی از برادرانم دوشاخه تلفن را

به پریز برق زد و تلفن سوخت، پدرم ناراحت شد ولی برادرم سریع گفت شما همیشه نمی‌گویید که مال دنیا ارزش ندارد!

● درباره ویژگی‌های اخلاقی شهید بگوئید: کدام خصائص ایشان بارز تر بود؟

او خیلی صبور بود و این خصلت تنها خصیصه‌ای نبود که خانواده به آن اشاره کنند؛ با وجود اینکه ایشان مشکلات بسیاری داشتند، ولی از طمانینه برخوردار بود و زود برآشفته نمی‌شد و همین موضوع باعث شده بود که در این حوزه نمونه شود.

پدرم به برادر بزرگ‌ترم می‌گفت که هرگاه احساس کردی بایدازدواج کنی، به پول آن فکر نکن؛ خدا درست می‌کند؛ او در این باره توکل بسیار قوی داشت؛ پول این روزها موضوعی است که دغدغه همه افراد است و قطعاً برای مانیز مسئله قابل توجهی بود؛ ولی توصیه‌های پدرم باعث شد که هر دو برادر باهم برای ازدواج اقدام کردیم و با توجه به توکل قوی که پدر داشت و مال دنیا برایش بی‌اهمیت بود، هزینه مالی مراسم از دواج نیز فراهم شد.

● درباره نحوه برخورد و رفتار ایشان با اعضای خانواده بیشتر توضیح دهید.

شهید تقوی علاوه بر ارتباط خوبی که با اعضای خانواده داشت، برای درمان، تغذیه و... ما به خوبی هزینه می‌کرد و می‌گفت غذاهای خوب و طبیعی بخورید؛ پول این چیزها را خدا می‌رساند؛ ایشان در کمک به دیگران دستش تنگ نبود؛ اوقاتی که مهمان داشتیم از هیچ چیز کم نمی‌گذاشت و در حدی که اسراف نباشد، از مهمان پذیرایی می‌کرد همچنین وقتی به منزل کسی می‌رفت، دست‌خالی نمی‌رفت.

● آنچه که باعث شد شهید سیر رسیدن به فیض شهادت را طی کند چه بود؟

پدرم مصداق این حرف امام (ره) بود که ما مامور به وظیفه هستیم؛ ایشان توجه می‌کرد که در آن ثانیه، لحظه و دقیقه چه وظیفه‌ای دارد و همان را انجام می‌داد؛ نگاهش به وظایف کلی نبود؛ گاهی افراد به تحصیل علم، باز کردن گره از دیگران و... به‌عنوان یک وظیفه نگاه می‌کنند؛ شهید تقوی موشکافانه به بررسی اوضاع می‌پرداخت و وقتی در جایی احساس می‌کرد باید کاری انجام شود، خود را به آن مشغول می‌کرد؛ این اقدام او مصداق همان مثالی است که از تو حرکت، از خدا برکت؛ این گونه رفتارش از خدایی ترین نیت‌ها بود.

برای مثال پدر تشخیص داد که باید در حوزه گفتمان انقلاب روی خواص کار کند؛ تلاشش در این رابطه به تاکیدر رهبر معظم انقلاب بازمی‌گشت؛ بر این اساس تلاش



● تاثیر پذیری شهید تقوی از دوران هشت سال دفاع مقدس و حوزه علمیه تا به چه میزان بود؟  
مدرک تحصیلی ایشان از حوزه علمیه اواخر عمر پدرم به دستش رسید و سطح سه بود؛ پایان نامه‌اش نیز که بر روی موضوعی تخصصی بود و مدت سه سال روی آن کار کرده بود، با معدل ۱۸.۵ پذیرفته شد؛ آنچه درباره او نمود بسیار داشت، تسلطی بود که نسبت به احادیث داشت و به‌صورت شبانه‌روزی به بررسی احادیث می‌پرداخت؛ همچنین در مسائل روز نیز دقت نظر و توجه داشت؛ همت ایشان معطوف به احادیث و مباحث روز بود که قوت فعالیت ایشان را تشکیل می‌داد.

می‌کرد و دوره‌هایی را برای خواص و طلاب با موضوع گفتمان انقلاب، آشنایی با اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب و مبانی انقلاب از نظر فقهی به‌صورت جدی برگزار کرد؛ این کار را وظیفه می‌دانست؛ گاهی انسان علاقه‌مند است کاری انجام دهد، ولی اواز سر وظیفه این کار را می‌کند. شهید تقوی بسیار وظیفه‌شناس و دقیق بود و هر کاری را آغاز می‌کرد به پایان می‌رساند؛ میزان استراحت و خواب او در کنار انجام وظایفش بسیار اندک بود و حتی تا سه جلسه در روز را شرکت می‌کرد و به دلیل همتی که داشت، در چند سازمان مشغول به فعالیت بود که مجموعه‌های پژوهشی سپاه، جهاد دانشگاهی و مجلس شورای اسلامی از نمونه آن بود.



# در فعالیت‌های فرهنگی به اشباع نمی‌رسید

می‌کرد؛ به عقیده من حوزه می‌توانست بهترین راه برای رسیدن به بهشت باشد و بهترین درجه و جایگاه را دارا بود؛ پدرم همیشه توصیه می‌کرد که اول تهذیب نفس داشته باشید، بعد به حوزه تحصیل ورود کنید؛ تاکید بر خودسازی، نخستین تاکیدش بود.

او نیز بهترین راه را برای رسیدن به سعادت انتخاب کرد؛ او هیچ‌گاه از کار خسته نشد؛ همیشه فراوانی فکر و کار می‌کرد؛ در دوران جنگ، امیدی در دل رزمنده‌ای که در خط مقدم تنها می‌ماند به این معنی که می‌تواند اثر گذار باشد؛ او نیز همین گونه بود و چنین اعتقاداتی داشت.

پدرم با فعالیت‌های قرآنی و دینی که انجام داد، به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کرد؛ او اهل توکل بود؛ بیشترین موضوعی که سبب شد پدرم در این راه موفق شود، توسل و توکل بود؛ شهید تقوی روحیه‌ای انقلابی داشت و همیشه آماده آن بود که به فعالیت بپردازد.

سید علیرضا تقوی، سومین پسر شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی است که وی نیز مانند دو برادر بزرگتر خود راه پدر را ادامه داده و به کسوت طلبگی در آمده است. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره پدر این شهید و رابطه وی با فرزندان، گفت‌وگویی با سومین فرزند شهید داشته‌ایم که متن آن از نظر تان می‌گذرد؛

## ● شهید تقوی به ویژه در سال‌های پایانی عمر چه کارهایی انجام می‌دادند؟

او می‌خواست تا در کنار کارهایی که انجام می‌دهد، برای دفاع از حرم به سوره نیز برود؛ با وجود حجم فراوان کارهایی که انجام می‌داد، باز هم لازم می‌دید که کارهای بیشتری انجام دهد؛ دوست داشت کارهای بیشتری انجام دهد؛ به گونه‌ای باید گفت که فعالیت‌هایی که شهید تقوی در طول دوران زندگی خود انجام می‌داد، سبب شده بود که در این حوزه به حد اشباع نرسد و سیری ناپذیر باشد؛ در عین حالی که به فعالیت مشغول بود، نیاز می‌دید که کارهای دیگری نیز انجام دهد؛ در واقع خود را در این حوزه موظف می‌دانست.

او به این موضوع اعتقاد داشت که اگر ضعف ولایت‌مداری مردم برطرف شود، مشکلات بسیاری برطرف خواهد شد؛ به فرزندانش نیز توصیه می‌کرد که کارهایشان را برای معرفی ولایت فقیه انجام دهند و حتی روایات و احادیث را در راستای کلام ایشان بخوانند و همیشه گوش به فرمان باشند.

طلاب است که به تبلیغ برای ولایت و رهبری بپردازند؛ در طول سال‌ها این دغدغه را داشت؛ موضوعات اجتماعی را مطرح می‌کرد و برای رفع آن‌ها در حد توان شخصی، راهکار ارائه می‌داد.

رفتارش برای ما الگو بود؛ به اطرافیان توجه بسیاری داشت و مشکلات آن‌ها را پیگیری می‌کرد؛ مانیز با دیدن اعمال او، از پدر الگویی گرفتیم؛ در واقع ما را با اخلاقی که داشت تربیت کرده بود؛ پدر بیشتر اوقات را در منزل نبود و به بحث و کار اشتغال داشت؛ اوقاتی که پیش می‌آمد یکدیگر را ببینیم، در همین باره با هم صحبت و گفت‌وگو می‌کردیم؛ او آیات و روایات را مطرح می‌کرد و درباره آن‌ها توضیح می‌داد؛ انس عجیبی با این حوزه گرفته بود و نمی‌توانست از این حوزه خارج شود.

## ● چه رفتاری در پدر تان مشاهده کردید که سبب ورود شما به جامعه طلاب شد؟

پدرم خیلی مشوق من بود، ولی اجباری در کار نبود؛ افکارش پیوسته در حال ارتقا و رشد بود؛ محافلی که او در هیئت مذهبی برگزار می‌کرد بسیار تاثیرگذار بود؛ همچنین در موضوعات مختلف من را راهنمایی

## ● شهید تقوی چه ویژگی‌های اخلاقی داشت و مهم‌ترین دغدغه‌اش چه بود؟

پدرم همیشه نگران همه اقوام، دوستان و اطرافیان بود و مراقب بود کسی در اطرافش دچار مشکل نباشد همچنین بسیار خوش اخلاق و با محبت بود و کسی از اعضای خانواده از فعالیت‌هایی که انجام می‌داد، اطلاع نداشت و حتی پدرش هم نمی‌دانست که او چه کارهایی انجام می‌دهد.

او همیشه به انجام کارها امید داشت و اهل ارتباطات اجتماعی بود و معاشرت با دیگران در زندگی‌اش جایگاه مهمی داشت؛ خوش‌رویی از ویژگی‌های دیگر پدرم بود.

## ● شهید تقوی در منزل و محافل خانوادگی چه مباحثی را مطرح می‌کردند؟

پدرم جلسات حدیث برپا می‌کرد؛ در آن دوران من کم سن و سال بودم؛ ایشان بیشتر روی روایات معصومین (ع) تاکید داشت که در طول تاریخ مظلوم واقع شده‌اند؛ در جلسات خانوادگی نیز وقتی گرد هم می‌نشستیم و صحبت می‌شد، پدرم از ولایت فقیه، اسلام و افزایش بصیرت و تبلیغ برای مآخرف می‌زد و می‌گفت که وظیفه

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی

## قرآن منبع تربیت جامعه

به مراتب دشوارتر از کسی است که به قرآن کریم آشنا نیست؛ قرآن کریم یک نشاط معنوی در شخص ایجاد می‌کند که اگر در مسیر صحیح هدایت نشود، شخص گمان می‌کند که بیشتر از این وجود ندارد.

این آسیب می‌تواند در عزاداری‌های محرم نیز مشاهده شود و نوجوان از طریق یا جلسات عزاداری غیر صحیح آشنا شود و نشاط معنوی به دست آورد و با جریان صحیح آشنا نشود، در این سطح متوقف می‌ماند و بعد از سالیان سال از این جلسات فاصله می‌گیرد، زیرا گمان می‌کند به نهایت دستاورد این جلسات نائل شده است.

با این نگاه وظیفه موسسات قرآنی که اولین نقطه تلاقی فرد با آموزش‌های قرآنی است، بسیار مهم هستند و حتما باید برای آن‌ها برنامه جامع آموزشی تدوین شود و علاوه بر امکان مانورهای آموزشی، نظارت و سیاست‌گذاری جدی در این عرصه برای موسسات قرآنی توسط مرکزی

در قرآن بیان شده که به حضرت یحیی (ع) امر شده است که این کتاب آسمانی را با قدرت اخذ کند و یکی از مصادیق این اخذ، اطلاع‌رسانی و تبلیغ آن است؛ مبنای تربیت جامعه باید حقایق قرآن و عمل به آن باشد، همچنین در نامه ۲۱ نهج البلاغه که منشور تربیت اسلامی است، امام علی (ع) می‌فرماید که من قرآن کریم و دستورات و فرامین آن را پایه آموزش قرار می‌دهم و فقط در این کار متمرکز می‌شوم تا با استفاده از تائیل قرآن که بالاتر از تفسیر است، فرد با حلال و حرام خداوند آشنا شود.

در بحث قرآن فرد می‌تواند دچار آسیب شود و بدون توجه به پیام آیات و اجرای آن‌ها در زندگی، به حفظ قرآن بپردازد؛ در این حالت شخص خود را بی‌نیاز از قرآن کریم می‌بیند و اصلاح او



## از پنجره خانواده

این نکته ظریف است که همین چهار تار مو یک ظاهری دارد و یک باطنی و نمایان آن فرهنگ دیگری را بر جامعه تحمیل کرده است و باب نفوذ تفکر غربی و غیر الهی را در جامعه باز می‌کند که عوارض خود را سال‌های سال نشان خواهد داد. تا فاطمه (س) است، اصل اسلام باقی خواهد بود؛ همان طور که در روایات از او به عنوان شب قدر حقیقی یاد شده است و در حدیث شریف کساء نیز در فراز هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها حضرت زهرا (س) محور ولایت و امامت خوانده شده است. رهبر معظم انقلاب بارها فرموده‌اند که در جامعه اسلامی، خانواده اصل است و هر چه به جایگاه خانواده ضربه بزند با اسلام منافات دارد؛ اگر لازم است در مسیر توسعه جامعه اسلامی، بانوان وارد عرصه کار و اشتغال شوند، حتماً این ورود باید به نحوی باشد که جایگاه محوری زن در خانواده ضربه نخورد.

واحد انجام شود و این شاخصه‌های آموزشی به موسسات ابلاغ شود. این وظیفه از لحاظ قانونی بر عهده شورای توسعه فرهنگ قرآنی نهاده شده است که این شورا باید برای تحقق این هدف ساز و کار مناسب را انتخاب کند و به مرور نواقص کار خود را رفع کند. در جامعه ما پس از انقلاب اسلامی تغییرات عمیق و زیربنایی درباره نگاه به زن رخ داده است و موفقیت نظام اسلامی در احیای جایگاه زن و خانواده محصول تغییر نگرش به این مقوله است؛ با این حال، هنوز به نقطه باثباتی نرسیده‌ایم و این بی‌ثباتی به ویژه خود را در عرصه سیاسی، اجتماعی و در زمان انتخابات، بیشتر نشان می‌دهد؛ بنابراین نگاه جامعه به جایگاه زن، نیازمند تامل و اصلاح بیشتر است. ضربه زدن به جایگاه خانواده به عنوان بزرگ‌ترین هدف تهاجم دشمن است و زن محور و کانون خانواده است؛ اینکه می‌گویند مگر با بیرون گذاشتن چهار تار مو چه اتفاقی می‌افتد؟ غفلت از

حجت الاسلام امسن:

# آشنایی جوانان با عمق استراتژیک انقلاب

شهید تقوی گمشده خود را در گفتمان انقلاب اسلامی دید و همه توان خود را در تبیین آن عرضه داشت؛ در این زمینه دغدغه‌ها متعددی داشت و فعالیت‌های زیادی را در این زمینه پی گرفت؛ در همین منظور با حجت الاسلام والمسلمین روح‌الله احسن، همسر خواهر شهید سید مهدی تقوی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

شهید تقوی در رابطه با گفتمان انقلاب اسلامی کار می‌کرد و در محافل عمومی و خصوصی بحث‌ها را به این سمت پیش می‌برد و چون به این موضوع اعتقاد داشت، سعی می‌کرد جوانان را با عمق استراتژی انقلاب آشنا کند و از برخورد سطحی و ظاهری با انقلاب و گفتمان امام و رهبری بپرهیزد.

حجت الاسلام تقوی بر مطالعه قبل از منبر رفتن تاکید داشت؛ مطالبی را که می‌خواست روی منبر بگوید از قبل مطالعه می‌کرد و همواره توصیه می‌کرد بدون مطالعه برای مردم صحبت نکرده و وقت آن‌ها را تلف نکنیم و آنچه برای آن‌ها مورد نیاز است بیان کنیم. روحیه جهادی او در همه عرصه‌ها وجود داشت

و همواره باری روی دوش خود احساس می‌کرد و از همین رو شبانه‌روز تلاش می‌کرد و در این راستا دوره‌هایی را برای دانشجویان در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی برگزار می‌کرد و قریب به ۱۵۰ سخنرانی در این زمینه داشت که در استان‌های مختلف به این موضوع پرداخته بود؛ او هدف‌گذاری کرده بود که در مجامع عمومی یا محافل خانوادگی بحث گفتمان انقلاب را برای علاقه‌مندان پیش ببرد و تاکید می‌کرد که حوزویان و دانشگاهیان باید بامبانی نظری انقلاب آشنا شوند.

در عصر حاضر افرادی چون شهید تقوی هستند که درباره شبهات مطرح‌شده در رابطه با انقلاب اسلامی روشن‌گری می‌کنند و شهید تقوی بامبانی اعتقادی که داشت، بیانات ائمه اطهار (ع) را با قرآن و احادیث تطبیق می‌کرد و برای نسل جوان بیان می‌کرد و گاهی این بحث با جوانان ساعت‌ها طول می‌کشید و با تسلط خاصی که داشت با صبر و حوصله بسیار به سوالات آن‌ها پاسخ می‌داد و برایش فرقی نمی‌کرد که چه کسی سوال پرسیده است.

از ویژگی‌های بارز شهید تقوی می‌توان به انصاف، صبر و حوصله او اشاره کرد که هر شخصی در کنار او می‌نشست و گفت‌وگو می‌کرد با آرامش از کنارش برمی‌خاست و همواره طمانینه و آرامش داشت و هیچ‌گاه کسی ندید که از تعادل خارج شود.

او در مباحث خانواده، صلح‌رسم و ارتباط با همسایگان زبازند عام و خاص بود و هیچ‌گاه مسائل شخصی، او را از مسائل اجتماعی غافل نکرد و گاهی با کودکان نیز مشورت می‌کرد و به آن‌ها شخصیت می‌داد و در تربیت فرزند بسیار موفق بود، در احترام به پدر و مادر ویژه بود و پدر و مادرش که پیر و سالخورده بودند

شهید حجت الاسلام تقوی:

## اگر شما به انقلاب دل بدهید و تلاش کنید، انقلاب شما را متحول می‌کند

در راه حق از کمی تعداد نترسید؛ عده‌ای باید دل به آتش بزنند و بسوزند تا عده‌ای را روشن کنند تا این مسیر را ادامه دهند؛ هر کس بیشتر تلاش بکند، بیشتر به فیض می‌رسد. حجت الاسلام تقوی چندی پیش در جمع مربیان حلقه‌های صالحین بسیج سخنانی بیان کردند که به مناسبت شهادت ایشان، بخش‌هایی از این سخنان در ذیل آمده است. اگر شما به انقلاب دل بدهید و تلاش کنید، انقلاب شما را متحول می‌کند. اگر کسی با انقلاب فاصله بگیرد تاریکی‌های او یکی پس از دیگری اضافه می‌شود. وقتی



ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی





تفکر جهادی داشت، اهل مطالعه و صاحب نظر بود؛ مجالس زیادی در ماه‌های محرم و رمضان پای منبر او بودم و هم در مسائل زندگی و هم مذهبی و اجتماعی از حضور او بهره می‌بردم؛ برای مردم روستا و شهر زادگاهش دلسوز بود و پیگیر حل مشکلاتشان؛ تقریباً کمتر کسی است که نداند او عاشق خدمت به نظام و انقلاب اسلامی بود؛ این کلام او که می‌گفت: مرگ زیبا به دنبال زندگی زیبا می‌آید را فراموش نمی‌کنم.

به خانواده نشد؛ اولویت او در زندگی کسب رضایت پدر و مادر بود، با وجود اینکه سید در بسیاری از امور خانواده تصمیم گیرنده بود، اما در نهایت تصمیم را به پدر منتقل می‌کرد تا همه اعضای فامیل نتیجه راز زبان پدر بشنوند؛ صله رحم از دیگر خصوصیات شهید تقوی بود؛ اعتقاد داشت شان بزرگ‌تر و موسفیده‌ها باید حفظ شود؛ برای ازدواج من با خواهرشان بسیار همراهی‌ام کرد.

دست آن‌ها را می‌بوسید و فرزندان نیز به تبعیت از او این کار را انجام می‌دادند. عاشق پرواز که باشی در نهایت پرواز می‌کنی؛ زمان و مکانش خیلی مهم نیست؛ چه در جبهه‌های خوزستان، چه در سوریه و در دفاع از حرم عمه سادات و در دانه ابا عبدالله (ع)، حضرت رقیه (س) یا در قلب تهران و در خانه ملت؛ علم و جایگاه اجتماعی حجت‌الاسلام تقوی هرگز مانع ارتباط و احترامش

رهبری و نائب امام زمان (عج) توجه نمی‌شود؟ بخشی به این بر می‌گردد که خیلی‌ها هنوز بحث ولایت فقیه برای آنها جان‌نیفتاده است؛ آن‌ها باور ندارند که این نیابت امام زمان است و امرشان حجت و لازم‌الاتباع است. ما اینجا در خواص مشکل داریم. با این حجم گسترده مطالب و ضرورت‌ها، نیاز داشتیم به اینکه مهندسی جامع و کلان و دقیقی باشد تا وقتی حضرت آقا صحبتی داشتند، بفهمیم کجای داستان است. باید با دل و جان این بحث را (فرآیند) دنبال کرد. تلاش کنید تا این مکتب را بیاموزید. اگر کسی را می‌خواهید وارد عرصه انقلاب بکنید، باید با عملتان وارد کنید. اگر انسان با دل و جان عمل بکند، عده‌ای را با خودش همراه می‌کند؛ این یک قاعده است. در راه حق از کمی تعداد نترسید؛ عده‌ای باید دل به آتش بزنند و بسوزند تا عده‌ای را روشن کنند تا این مسیر را ادامه دهند. هر کس بیشتر تلاش بکند، بیشتر به فیض می‌رسد.

وارد ولایت الله شدید، به سمت نور مدیریت می‌شوید. اگر دل به انقلاب دادید و به صحنه آمدید، انقلاب دست شما را می‌گیرد. ما اگر از انقلاب پیاده شویم؛ انقلاب به راه خودش ادامه می‌دهد و کسی دیگر سوار آن می‌شود و ماجامی مانیم. اگر ما انقلاب را ترک کنیم، غرق خواهیم شد؛ چون انقلاب کشتی نجات است. ما هر چه داریم از انقلاب است و ما همیشه بدهکار انقلاب هستیم. انقلاب است که دارد ما را ننگه می‌دارد و انقلاب است که دارد ما را حفظ می‌کند. ما باید از خودمان شروع کنیم. تحول معنوی و معرفتی را از خودمان شروع کنیم؛ این کلام حضرت آقا است. تا خواص اهل حق از اینی که هستند به یک درجه بالاتر رشد نکنند، مشکلات حل نمی‌شود. مردم به خاطر اسلامی نبودن مسئولین وسط کار گرفتار شده‌اند. همه جا توضیح کار ساز نیست، کار فقط با گفتمان حل نمی‌شود. چرا به فرمایشات

# سیر و سلوک معرفتی و حدیثی

شهید حجت الاسلام تقوی اگر می دید که در اطرافیان کسی به پول نیاز دارد، دریغ نمی کرد. این کار را در هر شرایطی انجام می داد، گاهی فرش منزل یا طلای همسرش را می فروخت تا گره از کار دیگران باز کند؛ حجت الاسلام والمسلمین سیدامد دارستانی از دوستان واقوام شهید تقوی درباره سیر و سلوک معنوی و معرفتی شهید تقوی بر ایمان می گوید.



## ویژه نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

داشت. ایشان علاقه زیادی به احادیث داشت و اگر بخواهم از سیر و سلوک ایشان بگویم، باید به سیر و سلوک معرفتی و حدیثی ایشان اشاره کنم. شهید تقوی علاقه زیادی به احادیث داشت و همیشه کتاب حدیث به همراه داشت. گاهی نیز رو به من می کرد و می گفت حدیثی بخوانم؟ با این کار، فضا را تغییر می داد. فهم و درک بسیار عالی در این حوزه داشت.

در طول هفت سال که هم درس بودیم، شخصی را مانند ایشان ندیدم. شهید تقوی تنها کسی بود که می توانستم به او اعتماد کنم. این ویژگی شهید فقط شامل حال من که از اقوام او بودم نمی شد، بلکه درباره همه افراد صدق می کرد. گاهی می او می گفتم اگر من را به بدترین خطا و معصیت به دادگاه ببرند، حتی یکی از دوستان هم برای اینکه بدانند من را به چه جرمی گرفته اند به سراغم نمی آید و پیگیر کارهایم نمی شود، ولی تو تنها کسی هستی که این کار را می کنی.

حقیقتاً رسیدن به فیض شهادت، حق شهید تقوی بود. وی اگر می دید که در اطرافیان و دوستان کسی هست که به پول نیاز دارد، دریغ نمی کرد. این کار را در شرایطی انجام می داد که روزهای نخستین ازدواجش بود و معمولاً در چنین اوقاتی، همه به مال خود نیاز دارند. گاهی فرش منزل یا طلای همسرش را می فروخت تا گره از کار دیگران باز می کرد.

شهید تقوی اصول دوستی را همواره رعایت می کرد. پیش از شهادت به هم قول داده بودیم که هر یک از ما از دنیا رفت، اگر دوستان وی بر سر مزارش نیامدند، نفر دوم بر سر مزار او حاضر شود و شب تا به صبح عاشورا و ادعیه بخواند. همیشه به هم می گفتیم که دوستی و رفاقت باید برای آخرت انسان به کار بیاید و نه فقط در دوران دنیا. ایشان بعد از آن که درس حوزه را گذراند، به دانشکده هنر رفت و در آنجا مشغول به کار شد و سپس به حوزه علوم قرآنی ورود پیدا کرد و به سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان کشور رفت و بعد از آن به حوزه اجرایی و فعالیت های قرآنی ورود پیدا کرد. به ظاهر این گونه بود که از قم دور شده است، ولی در تهران مشغول به فعالیت های ارزشمندی در عرصه کار و مدیریت شد.

ایشان در دوستی نمونه بود و هر کسی می توانست در سختی ها روی او حساب باز کند. وقتی خبر شهادت او را شنیدم تعجب نکردم، چون فکر می کردم که لایق شهادت باشد. ایشان با لب تشنه در ماه مبارک رمضان به شهادت رسید و این نوع شهادت مایه غبطه و حسرت است. پیش از این و در گذشته به این موضوع دقت نمی کردم که خون شهید می تواند بر جامعه اثر گذار باشد. این موضوع درباره شهید تقوی صدق کرد و خون او و شهدای دیگری که در این حادثه به شهادت رسیدند، سبب شد که ۲۰۰-۳۰۰ نفر از نیروهای داعش در شهرهای مختلف از جمله چابهار، کرمانشاه و... به هلاکت برسند و قلع و قمع شوند.

حساسیت هایی که در مهمانی ها برپاست از بین برود». آن قدر این موضوع برای من جافتاد و جدی شد که گاهی تکه های خربزه را نیز در آب دوغ می زدم و می خوردم. این رفتار شهید تقوی سبب شد که هفته ای دو تا چهار روز مهمان منزل هم باشیم و رابطه ای صمیمانه تر و بهتر بین خانواده های ما برقرار شود. گاهی ایشان صبح تماس می گرفت و می گفت که کله پاچه بار گذاشته اند و به منزل آنها برویم. یا مرغی را ظهر به منزل ما می آورد و می گفت که ما نهار اینجا هستیم. این موضوعات باعث شد که رفت و آمد ما حالت عادی به خود بگیرد. شهید تقوی در فهم حدیث و روایت استعداد فراوانی

به واسطه ازدواج شهید تقوی با خواهر همسر، با ایشان خویشاوند شدم. البته پیش از این، در حوزه علمیه و مدرسه معصومیه قم با هم تحصیل می کردیم و زمینه آشنایی ما فراهم شده بود. من در آن دوران نامزد کرده بودم و ایشان زودتر از من ازدواج کرد و ما را به منزلش دعوت کرد. وقتی وارد منزل شدم متوجه شدم بوی غذا به مشام نمی رسد. هنگامی هم که سفره را گسترند، باز هم دیدم بویی نمی آید. به یکباره دیدم که ظرفی آب و دوغ را همراه با چند کاسه وسط سفره گذاشت و به ما تعارف کرد که میل کنیم! شهید تقوی گفت: «مدت دو تا سه روز با همسرم کلنجار رفتم تا این گونه از شما پذیرایی کنم. با این کار خواستم



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی



همسنگر



# پروانه‌ای گردش مع انقلاب

سرهنگ محمدرضا جعفری، هم‌رزم شهید حجت‌الاسلام‌المسلمین سید مهدی تقوی که در طول سالهای جنگ همراه با ایشان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به دفاع از دین و کشور مشغول بوده است، از دلسوزی و روحیه خستگی‌ناپذیر این شهید در طول دوران فعالیتش یاد کرد؛ در راستای شناخت بهتر فعالیتها و شخصیت این شهید در سالهای نه‌چندان دور، گفت‌وگویی با سرهنگ جعفری داشته‌ایم که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

## ● از دورانی که شهید تقوی وارد جبهه جنگ شد بر ایمن بگوئید.

شهید تقوی را از زمانی که وارد گردان تخریب لشکر سیدالشهدا (ع) شد می‌شناسم؛ او از نظر مهارت‌های آموزشی به سرعت رشد کرد؛ دو، سه ویزگی داشت که تا پایان راه نیز با او همراه بود؛ پیگیری و سماجت در کار یکی از این ویزگی‌ها بود که در فعالیت‌هایش مشهود بود؛ افراد بسیاری در جبهه بودند که وقتی کاری به آن‌ها گفته می‌شد انجام نمی‌دادند، ولی او از این دست افراد نبود و خود را برای انجام کارها به در دسر می‌انداخت و به دنبال آن بود که خود را رشد دهد.

تخریب یک تخصص بود که هر کسی نمی‌توانست آن را بیاموزد و نیاز به صرف وقت بسیار داشت تا بتوان نیرویی را در این حوزه تربیت کرد و آموزش داد؛ یکی از افرادی که قرار بود به عنوان تخریبچی، تحت آموزش غواصی نیز قرار بگیرد، سید مهدی تقوی بود؛ در عملیات کربلای ۵، تقوی شیمیایی شد و گاه می‌دیدم که در هنگام نفس کشیدن نفسش می‌گرفت. دلسوزی و ویزگی دیگر شهید تقوی بود؛ یکی از دلایلی که ایشان به دنبال طلبگی رفت همین موضوع بود؛ او احساس کرد که از چند جنبه باید کار کند؛ به این معنی که آموزش نظامی و غواصی تنها راه برای کمک به

دیگران نبود؛ بعد از ادواج، به سه پسرش می‌گوید که علاوه بر اینکه طلبه شوند، مداحی را هم بیاموزند؛ سید مهدی به این موضوعات خیلی اهمیت می‌داد؛ وقتی دلیل این کار را از ایشان سوال کردم، گفت که دوست دارم فرزندانم مداح باشند، مداحی که عالم هم باشد؛ او در این راستا آسیب‌شناسی کرده و متوجه شده بود که مسئله کجاست؛ مداح نباید حاشیه‌ساز باشد و اهانت کند؛ نباید هزینه‌سازی کند و هر حرفی را بزند و نباید به هر موضوعی ورود پیدا کند. او پس از اینکه سال‌ها در حوزه تحصیل کرد، ارتباطش را با دوستانی که در گردان تخریب بودند قطع نکرد و

## خاطرات

### روایت دل‌تنگی شهید تقوی در سفر راهیان

نوروز ۹۱ مثل هر سال به مهران رفته بودیم؛ من هر سال به منطقه تپه ایثار و قلاویزان که بیش از ۶۰۰ شهید داده برای زیارت می‌رفتم و هر سال به همسرم می‌گفتم مرا به بقیه مناطق جنگی ببر ولی همیشه بهانه‌ای می‌آورد؛ دلم خیلی شکست که شهدا مرا نمی‌طلبند؛ از پشت شیشه ماشین به بیابان‌ها، چکمه‌ها، تانک‌ها و فشنگ‌هایی که از دوران دفاع مقدس مانده بود نگاه می‌کردم و به پهنای صورت اشک می‌ریختم. هنوز یک ماه از سفرم نگذشته بود که خواهرم برای حلالیت زنگ زد و گفت: قرار است من به اتفاق سید مهدی و همکارانش به اردوی راهیان نور برویم؛ به سرعت خودم را به خانه

رساندم، من نیز در کمتر از دو ساعت وسایلم را جمع کردم و در حالی که از خوشحالی سر از پا نمی‌شناختم ماشین گرفتیم و به سمت راه آهن حرکت کردم؛ خوب یادم هست ترافیک سنگین بود؛ سید زنگ زد و گفت اعظم خانم متأسفم همه سوار قطار شدند و قطار یکی دو دقیقه دیگر حرکت می‌کند؛ اولین بار بود این قدر ته دلم قرص بود و گفتم اگر مرا بطلبند حتما می‌روم؛ وقتی از مسیر میانبری به سمت قطار رفتم، از دور سید را با عبا و عمامه مشکی دیدم و به سرعت به طرفش دویدم؛ سید فهمید و با دست اشاره کرد که بدو؛ او هم می‌دوید و من که خنده و خوشحالی سرعتم را کم کرده بود می‌دویدم؛ صحنه خنده‌داری بود، یک روحانی معمم و یک خانم چادری مثل دونده‌ها! از آخرین درب قطار که بازمانده بود رفتیم بالا؛ در حالی که از تجسم صحنه دویدن می‌خندیدم گفتم دقیقاً مثل کارتون‌ها شد که یک نفر آخرین لحظه به قطار آویزان

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



می کرد که باید از چند جنبه به این حوزه ورود پیدا کند. بعد از سفر گروهی از همکاران سازمان فعالیت‌های قرآنی به راهیان نور، به تقوی پیشنهاد راه‌اندازی سرویس دفاع مقدس بارویکرد قرآنی را دادم؛ این اقدام از طرف مسئولان بالادست به ایشان ابلاغ نشده بود، بلکه به صورت خودجوش روی داد؛ تقوی ایده‌سازی و ایده‌پردازی می کرد و از ایده‌هایی نیز که به ایشان داده می شد استفاده می کرد؛ این در حالی بود که افراد بسیاری که مشی سیاسی مخالفی با او داشتند در این سازمان کار می کردند، ولی او از این زاویه به آن‌ها و فعالیت‌هایشان نگاه نمی کرد.

یکی از دلایلی که راهیان نور را راه‌انداخت به این دلیل بود که می خواست آن حس را در کارمندان ایجاد کند تا جوشش درونی داشته باشند؛ او می خواست به آن‌ها بگوید که اگر در دوران جنگ حضور نداشتید، مهم نیست، اگر بتوانید این حس را منتقل کنید، کار دفاع مقدس انجام داده‌اید و در این باره تلاش بسیاری کرد.

حجت‌الاسلام تقوی، پرچم‌دار قرآن بود؛ ایشان از قم به تهران آمد و زندگی خود را در آنجا رها کرد و به این سازمان آمد تا حس، روش، منش و طریقه قرآنی را جاری و ساری کند؛ کاری که ایشان انجام می داد بسیار مهم بود و به عقیده من خدا هم به کار او برکت می داد؛ وقتی به او گفتم که ۹۰ درصد مسئله سوریه،

رسانه است و شما باید جبهه قرآنی راه بیندازی، وارد عمل شد و جلسات و میزگردهای مختلفی را در این سازمان به راه انداخت؛ همان روحیه‌ای که در دوران جنگ داشت، در این سازمان نیز داشت؛ وقتی دولت رویکرد فعالیت تغییر کرد و ایشان از مجموعه جدا شد، کار را رها نکرد.

ایشان هم‌زمان به مسجد و حسینیه و هیئت می رفت، سخنرانی هم می کرد؛ در کنار این کارها، فعالیت پژوهشی هم داشت؛ نویسندگی نیز از دیگر فعالیت‌های او بود؛ ولی آیا کسی او را به انجام همه این کارها مجبور

می کردم و گاهی تا پنج ساعت با هم صحبت می کردیم؛ تقوی به دنبال این بود که از من که در حوزه نظامی فعالیت می کنم ایده بگیرد و در سازمان فعالیت‌های قرآنی پیاده کند؛ در این راستا از هر شخصیتی استفاده می کرد؛ از هر فردی برای کمک به فعالیت‌های سازمان کمک می گرفت.

ایشان چند میزگرد را برای بحث درباره حزب‌الله و سوریه در خبرگزاری قرآن با حضور کارشناسان مختلف برگزار کرد؛ فعالیت در این حوزه موضوعی بود که به صورت خودجوش در وجودش هویدا بود؛ حس

در خط ولایت باقی ماند؛ او مانند پروانه که به دور شمع می چرخد، با فعالیت‌هایش به دور شمع انقلاب چرخید.

### ● از جمله این فعالیت‌هایی که مثال زدید، شهید در حوزه قرآن چه کارهایی انجام داد و این دلسوزی در این حوزه چه نمودی داشت؟

آن زمان که ایشان مسئول سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور بود، گاهی ایشان با من تماس می گرفت و می گفت بیا با هم صحبت کنیم؛ من هم با وجود اینکه کارهای بسیاری داشتم، دعوتش را اجابت

خواندند؛ مثل ما زن، فرزند، مادر و پدر داشتند؛ جوان بودند، کسب و کار داشتند و البته عشق به زندگی... اما ارزش مردانگی و اعتقادات برایشان بیشتر از زن و فرزند بود؛ روزی برای اینکه ناموس و وطن به دشمن ندهند زندگی خود را رها کردند و جان خود را کف دست گرفتند و مردانه به میدان آمدند؛ این سفرهای راهیان نور و دوری چندروزه از خانه و کاشانه و استشمام خون شهیدان روح را صیقل می دهد و انسان را بزرگ می کند تا کمی آن طرف‌تر از محدوده زندگی خویش را ببیند.

آفتاب‌گزنده‌ای روی سرمان بود و زیاد صحبت کردن سید مهدی در آن فضا باعث بی‌حوصله شدن هم‌سفران می شد؛ سید با لبخندی گفت گرمای هوا در این سفر کمی اذیتتان خواهد کرد؛ معمولاً زمان سفر کاروان‌های راهیان نور اسفند و فروردین ماه است؛ ولی بنده تعمداً اواخر اردیبهشت را برای این سفر انتخاب کردم که کمی هم گرمای تجربه

می شود؛ گفتم دیدید مرا هم طلبیدند؛ من امسال عید باهاشون حرف زد. وقتی از قطار پیاده شدیم با اتوبوس ما را به خرمشهر بردند؛ قبل از آن جایی برای استراحت و نماز توفقی داشتیم؛ سید ما را در جایی جمع کرد و چند دقیقه‌ای صحبت کرد؛ مثل همیشه صدایش آن قدر آرام بود که باید گوش‌هایت را تیز می کردی تا بشنوی؛ من از بقیه مشتاق‌تر بودم در اولین ردیف مقابلش ایستادم؛ شروع کرد به معرفی مکان‌هایی که قرار است از آن بازدید کنیم و گفت دهلاویه؛ طلاویه، شلمچه، اروند و بقیه جاهایی که خواهیم رفت نامش کربلای ایران است اگر سال‌ها از کربلا حرف زدیم و روایت شنیدیم شاید بر ما خورده بگیرند که آن‌ها معصوم بودند و ما را به آن‌ها چه کار... اما اینجا کربلای ایران است؛ از خاک وطن ما و از خون بچه‌های همین میهن و بعضاً هم محله ما کربلا شده؛ این‌ها مثل من و شما در این آب و خاک بزرگ شدند؛ درس

کرده بود؟ می توانست مانند خیلی از افراد به مسجد برود و سر ماه هزینه ای را هم در یافت کند و چرخ زندگی خود را بچرخاند، ولی این کار را نمی کرد.

#### ● از دیگر ویژگی های شهید برای ما بگویید.

گاهی در جلساتی که برگزار می شد، ایشان بابت صحبت هایی که کرده بودند، از سوی کسانی که موافق برخی رویه ها نبودند مورد شتمات قرار می گرفتند؛ ولی او در کمال آرامش و با صلابت در برابر آن ها می ایستاد؛ او تلاش می کرد عصبانی نشود و همیشه هم موفق بود. سید مهدی دلسوز کسانی بود که در سازمان فعالیت های قرآنی کار می کردند و بر این کار نیز تاکید

داشت؛ او دوست داشت این دلسوزی برای قرآن در وجود کارمندان نیز ریشه بدواند و معتقد بود که کسانی که در این سازمان فعالیت می کنند جزء بهترین نیروها هستند و آن ها باید این سازمان را اداره کنند.

#### ● با توجه به اینکه شما با شهید تقوی رفت و آمد خانوادگی داشتید، آیا این گونه فعالیت ها به منزل هم کشیده می شد؟

بله؛ یک بار با من تماس گرفت و من را به منزلش دعوت کرد؛ آن شب من را برای شام نگه داشت و گفت که همسرم درباره سوریه، جنگ و مسائل امنیتی ایران سوالاتی دارد که من نتوانسته ام به آن ها پاسخ دهم؛ از

شما خواستم بیا بید که آن ها را جواب دهید. شخصیت ایشان نشان می داد که پاسخ گویی به سوالات همسر و فرزندانش اهمیت بسیاری دارد؛ بنابراین سازمانی نیز که در آن کار قرآنی می کرد اهمیت مضاعفی داشت؛ ایشان حاضر نبود حتی یک نکته مبهم در منزلش وجود داشته باشد؛ مسائل فکری، نظامی و امنیتی از این جمله بود که باید از آن ها ابهام را برطرف می کرد.

#### ● آیا از فعالیت های ایشان پس از سازمان فعالیت های قرآنی اطلاع دارید؟

ایشان بعد از این سازمان با علیرضا زاکانی از نمایندگان



#### خاطرات



کنید و تصور کنید در تیرماه با گرمای بالای ۵۰ درجه و بدون آب آشامیدنی، با اسلحه، لباس، پوتین و ابزار جنگی با پای پیاده بدون سایبان و با وجود انواع مار، عقرب، پشه مالاریا، شیش و ستون پنجم قدم زدن در این منطقه چقدر سخت است؛ فقط قدم زدن حالا جنگ، دفاع، زخم و خونریزی بماند؛ نمی خواست بیشتر از این ما اذیت شویم و صحبتش را تمام کرد و بعد برای باز دیدن از راه و اقامتگاه رزمندگان حرکت کردیم. اولین بار بود به اردوی راهیان نور می رفتم و روز اول کمی به نظرم خسته کننده می رسید؛ هر چه نگاه می کردم بیابان بود و بیابان و گرما... ولی مدت زیادی از سفر نگذشته بود که آقای جعفری را به عنوان راوی گروه به ما معرفی کرد تا خاطرات هشت سال دفاع مقدس را بر ایمان نقل کند؛ آقای جعفری مردی بسیار خوش خلق و با کمالات بود که انصافاً بسیار زیبا و با جزئیات دقیق روایت جنگ را نقل می کرد؛ ایشان خودش جانباز بود ولی هرگز در طول

سفر از خودش و جراحتش نگفت؛ ظاهر اتمام هشت سال رادر خط مقدم خدمت کرده بود و این حضور فعال در همه عملیات ها موجب شده بود بتواند فضای معنوی جبهه و رزمندگان و صدا بته حقیقت تلخ جنگ را برای زائران شهدا قابل لمس و درک کند؛ آقای جعفری با چنان تبحر و دقتی از روزهای عملیات تعریف می کردند که واقعا انسان خودش را در آن فضای دید؛ قدرت حافظه فوق العاده ایشان قابل تحسین بود؛ حتی گفت و گوها، روز، تاریخ، ساعت و عکس العمل های هم رزمانش و همه جزئیات رادر خاطر داشت. بر عکس ایشان سید مهدی در افکار خود غرق بود و سراسر سکوت و مثل همه ما فقط گوش می داد ولی عمیق تر از بقیه می شنید و بر عمق جان می نشاند؛ گاهی که از اتوبوس پیاده می شدیم از جمع فاصله می گرفت و فقط به افق خیره می شد؛ شاید در خلوت از دل تنگی دوستان شهیدش اشک می ریخت و شاید هم التماس شهادت داشت.

#### ویژه نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی





فقط او و یک نفر دیگر از همکارانش به شهادت رسیدند و نکته جالب اینکه هنوز آب وضویی که ایشان گرفته بود خشک نشده بود.

داعش کسی را به شهادت رساند که عمرش را برای قرآن صرف کرده بود؛ آنان کسی را به شهادت رساندند که جزء مانوس ترین افراد با قرآن کریم، خدا، اهل بیت (ع) بود؛ او اهل رها کردن موضوع و مایوس شدن نبود؛ او درخت تناوری بود که در راه قرآن موی خود را سپید کرده و یادلسوزی در این راه کار کرده بود؛ این درخت با تبر داعش قطع شد و امیدوارم از کنار این درخت، صدها جوانه رشد کند و ادامه این راه بر عهده کارمندان سازمان فعالیت‌های قرآنی است که پرچم شهید تقوی را در دست بگیرند و این مسیر را ادامه دهند.

شود، ولی داعش به سراغ او آمد؛ او کار خود را در ایران انجام می‌داد، بدون اینکه بداند نیروهای داعش به مجلس حمله کرده‌اند؛ شهادت او به دست نیروهای داعشی نیز یک حمله کورکورانه بود، ولی این اتفاق در پیشگاه الهی به صورت آگاهانه روی داد؛ خداوند از بندگانش می‌خواهد که کارشان را در راه رضای الهی به درستی انجام دهند و خود او نیز راهنما و راهگشای آن‌هاست.

او در راه قرآن فعالیت کرد؛ بعد از اینکه از سازمان منفک شد، باز هم در همین مسیر گام برداشت و خدا راه را برایش باز کرد و در نهایت داعش را به همان جایی کشاند که ایشان در آنجا فعالیت می‌کرد؛ نکته جالب آن بود که تنها فیلم شهید تقوی روی شبکه‌های اجتماعی قرار داده شد؛ در میان افرادی که در اتاق مورد نظر بودند،

مجلس شورای اسلامی فعالیتش را ادامه داد و به دنبال کادر سازی انقلاب اسلامی بود و در صدد برآمده بود تا جوانان مستعد و فعال را از نقاط مختلف کشور پیدا کرده و برای آینده نظام تربیت کند.

ایشان در کنار این اقدام، مشکلات ارباب رجوعان را نیز برطرف می‌کرد و به پیگیری کارها در دفاتر نمایندگان مجلس می‌پرداخت و این موضوع نیز نشان دهنده دلسوزی است که ایشان نسبت به مردم کشورش داشت؛ شخصیت تقوی سیاسی نبود، کاری هم به این موضوعات نداشت؛ ایشان دلسوز انقلاب بود و می‌خواست به پایداری و ماندگاری انقلاب کمک کند.

● چه زمانی از شهادت ایشان مطلع شدید؟  
ایشان به دنبال این بود که به سوره برود و مدافع حرم





حجت الاسلام والمسلمین پناهیان؛

# شهره آفاق شدن مزد جهاد در خفا

کرد؛ بخش مهمی از فعالیت‌های داعش شامل کارهای فرهنگی است که اکنون به بهره‌برداری رسیده است؛ نصرالله همچنین با اشاره به فیلم‌هایی که عزم جزم نیروهای تکفیری را نشان می‌داد اظهار کرده بود که چند نفر از افراد ما این طور مصمم به سوسی شهادت می‌روند و دشمن چطور توانسته است این گونه نیروهایش را تربیت کند.

علمای حوزه باید به این عرصه ورود کنند؛ اینکه شهادت ناب را از شهادت دروغین بتوانیم تشخیص دهیم، موضوعی است که تا زمان ظهور امام زمان (عج) نیز باقی می‌ماند؛ کسانی که در دین تحریف ایجاد می‌کنند، خشوع نمازشان نیز بیشتر می‌شود که حسن بصری را نیز در کنار رفتارشان داشته باشند؛ این گروه‌ها به سادگی دین را تحریف می‌کنند و علما، هنرمندان، مدیران فرهنگی و دانشجویان موظفند همگی در این عرصه ورود پیدا کنند.

قدرت مردم مسلمان منطقه و مقام معظم رهبری در این حوزه کارساز خواهد بود؛ اخلاق بدلی مقابل امام زمان (عج) نیز خواهد ایستاد و حضرت را به اینکه فرزند پیامبر نیست متهم خواهد کرد، امام صادق (ع) فرمودند که کار امام زمان (عج) در زمان ظهور سخت‌تر از کار پیامبر (ص) در هنگام بعثت بود؛ چرا که امام (عج)

دشمنان ما بعد از ضربه‌ای که در دفاع مقدس بر آن‌ها وارد شد، ۲۰ سال تلاش کردند تا بدانند چطور باید بدل هر پدیده‌ای را ایجاد کنند؛ این اتفاق قرن‌هاست که در حال وقوع است و در زمان حضرت امیر (ع) دشمنان آن حضرت با معرفی ابوموسی اشعری سعی در ساخت بدل تقوا و پرهیزگاری حضرت امیر (ع) را داشتند و در مقابل بعد عرفانی امیرالمؤمنین (ع) حسن بصری سامری را به مردم معرفی کردند؛ این موضوع بیانگر آن است که دشمن همواره در حال مقابله است.

به ذهن کسی خطور نمی‌کند که دشمن بدل شهادت‌طلبی را بسازد، در یادداشت این جوان تکفیری طی چندین نوبت آمده بود که او برای رفتن به جبهه التماس می‌کرد و خواهش می‌کرد که دوره‌های عقیدتی را نگذرانند.

وزیر خارجه اسبق آمریکا گفته بود داعش را ما تولید کرده‌ایم؛ انگلستان و آمریکا در اینکه کدام یک داعش را ایجاد کرده‌اند باهم نزاع داشتند؛ آنان درباره دفاع مقدس به مطالعه پرداختند که چطور می‌توان جوانان را به این سمت وسو هدایت کرد؛ پس از مطالعه متوجه حضور رزمندگان اسلام در هیئت، کتاب‌خوانی و... آن‌ها شدند و نیروهای خود را به این سمت هدایت کردند.

سید حسن نصرالله نیز تاکید می‌کرد که باید مطالعه

شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی در خط مقدم جبهه فرهنگ بدون سروصدا کار می‌کرد و با شهادتش شهره آفاق شد؛ حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در مراسم بزرگداشت شهید تقوی در خصوص کسب فیض شهادت گفت: تقوی در کویر فقدان شهادت این سعادت را از آن خود کرد.

این واقعه انسان را به یاد ایام دفاع مقدس می‌اندازد و در آن زمان توفیق شهادت ممکن بود نصیب هر رزمنده‌ای شود اما در حال حاضر که امکان شهادت به ندرت برای کسی اتفاق می‌افتد شهید تقوی توانست این سعادت را از آن خود کند.

او در خلوت خود با حضرت حق ارتباط داشت و موقعیت ویژه‌ای را نصیب خود کرد؛ در ایام دفاع مقدس پس از شهادت هم‌رزمان افراد جامانده غبطه می‌خوردند و شهادت مایه مباهات هر رزمنده بود.

متاسفانه بعد از دفاع مقدس نتوانستیم مفهوم شهادت را به خوبی تبیین کنیم؛ همچنین نتوانستیم بیش از ۲۰۰ هزار شهید را به مردم معرفی کنیم؛ اگر این کارها را انجام داده بودیم، تفاوت شهادت و شهید در فرهنگ جهادی به خوبی روشن می‌شد و جهادی‌های دروغین و افراط‌گرانی نمی‌توانستند مفهوم کاذبی از شهید یا همان انتحاری‌های افراطی را در اذهان مردم جهان وارد کنند.

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی



## غدیر مآذنه نیست، یک مکتب است

غدیر در کنار همه عظمت‌ها و شادی‌هایی که با خود برای ما می‌آورد، بار بسیار سنگینی را به دوش ما گذاشته است؛ متأسفانه غدیر که گمشده بشریت و تنها راه نجات آن و عامل وحدت است، امروزه به خاطر ضعف شناخت ما محصور به انواع و اقسام شبهات و ابهامات است و خیلی وقت‌ها با سوءدرک و سوءبرداشت و بدسلیقگی عامل اختلاف می‌شود.

### بزرگ‌ترین خادمان بشریت

غدیر برای ما یک حادثه نیست، بلکه یک تفکر و یک مکتب است؛ غدیر مکتبی است که می‌تواند همه بشریت را در دل خود نگه دارد؛ در غدیر صحبت از یک جریان حاکمیتی و سروری بر عالم نیست و اگر چه اولیا دین سروران عالم هستند، اما آن‌ها حقیقتاً بزرگ‌ترین خادمان بشریت و کسانی هستند که بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را برای بشریت انجام داده‌اند؛ تا جایی که گرسنگی یک فرد و گرفتاری یک یتیم را نمی‌توانند تحمل کنند و به خاطر همین خصلتشان است که از ناحیه حضرت حق به‌عنوان ولی و سرپرست قرار داده شده‌اند.

### همه به غدیر پناه بیاورید

وقتی امیرالمومنین (ع) به خلافت رسیدند، به دسته‌ای از مردم که بیعت نکردند، گفتند ایرادی ندارد، پیش ما بمانید، ما از شما حمایت می‌کنیم، پیش دشمن ما نروید و وارد جبهه مخالف نشوید؛ به خاطر خودتان و به خاطر اینکه عاقبت به‌شر نشوید. باید پرسید که این نگاه را چه کسی باید برای بشر امروز تبیین کند که همه، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، به غدیر پناه بیاورند. ما این ظرفیت غدیر را کی و چگونه می‌خواهیم به دنیا معرفی کنیم تا زمینه‌های تجلی و ولایت کامل حضرت حق فراهم شود؟



زمان بنی‌اسرائیل نیز این قوم در آرزوی پیامبری بودند که از سوی خداوند برای آن‌ها نازل شود و وقتی حضرت موسی (ع) ظهور کرد و با معجزاتی که نشان داد تصور می‌شد که این قوم هرگز به خطا نمی‌روند و از سوئی غذا برای آن‌ها از آسمان نازل می‌شود و خداوند ۱۲ چشمه برای آن‌ها جاری می‌کند ولی شخصی به اسم سامری به ناگهان همه این اعتقادات و ایمان قوم را از میان می‌برد.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند که قوم من هم سامری دارد؛ سامری قوم من کسانی هستند که «لاقتال» می‌گویند؛ یعنی جنگ نباشد؛ ابوموسی اشعری و حسن بصری سامری معرفی شدند؛ به صورت برجسته شعاری لاقتال سومی دادند؛ قرآن کریم می‌فرماید: «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ تنها راه مقابله با بدلهای سامری‌ها و اخلاق و عرفان بدلی و شهادت‌طلبی بدلی، آن است که فرهنگ جهاد و شهادت را به درستی تبیین کنیم.

رهبر معظم انقلاب در طول این سال‌ها پیوسته بر خاطرات شهدا و فرهنگ جبهه و دفاع مقدس تأکید داشتند و بر خاطرات شهدا تقریظ می‌نوشتند؛ این اقدام برای دورانی بود که مادلایل آن رانمی‌دانستیم و باید خط ایشان را پیگیری کنیم؛ مقام معظم رهبری این خط را از روضه اباعبدالله (ع) و کربلا گرفتند و ما باید دنباله‌رو ایشان باشیم.

با کسانی مواجه است که به قرآن استناد می‌کنند. آشنایی بنده با شهید تقوی به ۲۵ سال پیش برمی‌گردد و در آن زمان ما همکار بودیم و از همان زمان می‌دیدم که او عاشق انقلاب و علاقه‌مند به رشد معنوی برای انقلاب اسلامی بود؛ این موضوع به قدیم‌الایام مربوط می‌شود و تازگی ندارد که او بخواهد اخیراً به این حوزه ورود پیدا کرده باشد. ما با هم گفت‌وگو و مجالست داشتیم و انسان به گلوله‌ای که به ایشان اصابت کرده است غیظه می‌خورد؛ او از گذشته در زمینه‌های مذهبی و قرآنی فعالیت می‌کرد و اتفاقاً اگر دشمن می‌خواست در شهادت افراد، نفرت خود را انتخاب کند، باید ایشان را انتخاب می‌کرد؛ شهید تقوی در خط مقدم جبهه فرهنگ بدون سروصدا کار می‌کرد و با شهادتش شهره آفاق شد.

اکنون جهانیان صدای او را می‌شنوند؛ داعش آخرین تیر ترکش آمریکا بود که می‌توانست در برابر مسلمانان و اسلام ناب علم کند و اتفاقاً موثر هم بوده است؛ البته به ظهور این گروه در آخرالزمان اشاره شده و مؤذنه نیز داده شده است که این گروه نابود می‌شوند؛ علمای اهل تسنن نیز درباره این افراد از زبان پیامبر (ص) سخنانی رانقل کرده‌اند.

بالاترین خطر برای اسلام ناب، بدل اسلام ناب و ایجاد مفاهیمی نظیر شهادت‌طلبی‌های دروغین است؛ در



جعفر طهماسبی:

# نوجوان رزمنده الگوی تخریبچی‌ها

شد یگان‌های رزم نیروهای خود را از منطقه خارج کنند؛ در این عملیات لشکر سیدالشهدا (ع) وارد عمل شد و ماموریت خود را به انجام رسانید ولی به علت هماهنگ نشدن سایر یگان‌ها و عدم تثبیت مواضع مجبور به عقب‌نشینی شد و به جهت شرایط خاص منطقه مقرر شد تعدادی از بچه‌های تخریب در منطقه عملیاتی حضور داشته باشند و مسیرهای دسترسی دشمن را مین‌گذاری کنند.

سید مهدی و جمعی از بچه‌های تخریب با حضور در منطقه عملیاتی کربلای ۲ ماموریت مین‌گذاری مقابل دشمن را انجام دادند؛ در این ماموریت فرماندهان گردان به توانمندی عملیاتی سید مهدی پی بردند و بعد از عملیات و جذب نیروهای جدید برای آموزش‌های تخریب از سید مهدی استفاده شد و سید به عنوان مسئول دسته آموزشی کمک کار مسئولین آموزش تخریب بود؛ زمستان سال ۶۵ بود که آموزش‌های آبی، خاکی و غواصی آغاز شد و این تغییرات در آموزش به معنی آن بود که ماموریت بعدی در آب گرفتگی خواهد بود؛ فرماندهان

می‌کرد و مربیان کار بلد را در آموزش‌ها از بین رزمنده‌های تازه وارد انتخاب می‌کرد سید مهدی زود به چشم آمد و به او به عنوان یک رزمنده آینده‌دار توجه شد.

در شهریورماه سال ۱۳۶۵ حمله به دشمن در منطقه پیرانشهر و حاج عمران به لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) واگذار شد و بچه‌های تخریب برای انجام این ماموریت به منطقه عملیاتی نقل مکان کردند و در تیم‌های معبر برای ماموریت به گردان‌های عملیاتی جهت عبور از میادین مین در منطقه کوهستانی حاج عمران عراق مامور شدند. این عملیات اولین ماموریت سید مهدی در گردان تخریب بود و بر اساس تقسیم‌بندی‌هایی که شد سید مهدی در دسته‌هایی قرار گرفت که می‌بایستی مقابل دشمن را با مین‌گذاری مسدود کنند به جهت اینکه فرماندهان پیش‌بینی می‌کردند که با پاتک‌های سنگین نیروهای ویژه دشمن در حین عملیات مواجه شوند و لذا تصمیم بر این شد که تعدادی از نیروهای زنده تخریب برای مین‌گذاری مقابل دشمن آماده باشند.

عملیات کربلای ۲ در ادامه با مشکلاتی مواجه شد و قرار

تابستان سال ۶۵ و بعد از عملیات فتح شهر مهران بود که گردان تخریب نیروی جدید گرفت و سید مهدی وارد گردان تخریب شد؛ ورود سید مهدی به گردان ما مصادف شد با تبدیل تیپ سیدالشهدا (ع) به لشکر؛ با ورود نیروهای جدید بعد از عملیات و نیاز عملیات آینده به تخریبچی‌های زنده آموزش‌ها شروع شد. جنس آموزش‌های تخریب با آموزش سایر گردان‌ها تفاوت داشت و طبیعی بود که تعدادی از رزمنده‌هایی که تاب و تحمل سختی آموزش‌ها را نداشتند از گردان تخریب جدا شوند و به سایر گردان‌های رزمی بروند اما سید مهدی با وجود سن و سال کم و جثه نحیف و لاغر از آموزش‌های سخت و طاقت‌فرسا سر بلند بیرون آمد و در انتهای آموزش توجه مسئولین آموزش را به سوی خودش جلب کرد و در ارزیابی مسئولان آموزش در زمره نیروهایی قرار گرفت که می‌توان از او در ماموریت‌های سخت استفاده کرد.

از آنجا که گردان تخریب برای ماموریت‌هایش در طول دفاع مقدس نیروهای مورد نیازش را خودش تربیت

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی



داخل آب و موج انفجار ناشی از آن خیلی از غواصان که مجروح هم شده بودند را دچار تشنج کرده بود و سید مهدی هم علاوه بر شکستگی بازو با گلوله دشمن دچار موج گرفتگی شده بود و به تشخیص فرماندهان برای درمان به پشت جبهه اعزام شد.

سید مهدی به جهت صدماتی که در عملیات کربلای ۵ دید مجبور شد چند ماهی در تهران به مداوا بپردازد؛ هنوز خوب نشده بود که دوباره به جبهه برگشت؛ شهید سید محمد زینال حسینی فرمانده تخریب لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) علاقه عجیبی به سید مهدی داشت، او سید مهدی را به عنوان الگوی یک نوجوان رزمنده موفق برای سایر نیروهای تخریبی معرفی می کرد.

سید مهدی تاروهای پایانی جنگ در گردان تخریب ماند و عنوان مربی تخریب، کمک کار مسئولین آموزش گردان بود؛ سید با نیروهایی که تربیت کرد در عملیات های نصر ۴ و بیت المقدس ۲ بر فراز قله های برف گرفته کردستان عراق خوش درخشید و تا جنگ و جبهه بود پاپس نکشید و سنگر را خالی نکرد.

شب ۱۹ دی ماه زمان این ماموریت بود؛ ماموریتی که همه به آن امید بسته بودند و از طرفی هم همه فرماندهان نگران بودند که دژ شلمچه شکسته نشود و این ماموریت هم مثل کربلای ۴ با مشکل مواجه شود؛ در این ماموریت شهادت صد درصد بود و کسانی که برای این ماموریت اعزام می شدند به این موضوع ایمان داشتند. مسیر قریب ۳ کیلومتری تا دژ شلمچه باید توسط غواصان طی می شد تا به خشکی و مواضع دشمن برسند و شب عملیات نزدیک نیمه شب، غواصان تخریبی جلوتر از همه وارد آب سرد و استخوان سوز شدند و به سمت مواضع دشمن حرکت کردند.

سید مهدی در این ماموریت نوجوانی ۱۶ ساله بود که لباس غواصی به تن با سایر هم سنگران تخریبی می رفت که در مواضع دشمن مسیر امنی برای حمله رزمندگان به دژ شلمچه باز کند که داخل آب با رگبار دشمن مواجه شد و از ناحیه دست چپ مجروح شد.

آتش بار سنگین دشمن روی ستون غواصان در مقابل دژ شلمچه و انفجار پی در پی گلوله های خمپاره و کاتپوشا

تخریب تعدادی از بچه ها را برای آموزش غواصی انتخاب کردند که سید مهدی هم به جهت توانمندی هایی که داشت انتخاب شد؛ آموزش ها نزدیک به یک ماه به طول انجامید و غواصان از هر جهت برای عملیات آماده شدند.

دی ماه سال ۶۵ بود که به لشکر سیدالشهدا (ع) ماموریت عملیات در جزیره ام الرصاص به سمت شهر ابوالخصب عراق داده شد که به علت اختلال در عملیات به نام کربلای ۴ معروف شد؛ این ماموریت انجام نشد و بچه های تخریب برای ماموریت بعدی آماده شدند.

شکستن دژ شلمچه ماموریت لشکر سیدالشهدا (ع) بود و باز کردن مواضع انبوه دشمن در مقابل دژ شلمچه و عبور از میادین مین گسترده که در زیر آب قرار گرفته بود وظیفه سختی بود که به تخریب واگذار شد؛ فرماندهان تخریب به جهت سختی ماموریت مجبور بودند از بهترین نیروهای خود استفاده کنند؛ بچه هایی که هم به جهت عملیات و هم به جهت مسائل معنوی از توان بالایی برخوردار باشند، انتخاب شدند و سید مهدی هم از غواصان انتخاب شده این عملیات بود.



امیر فنده‌جام:

# منطق را قربانی هیجان نمی‌کرد

شهید تقوی همواره در رفتارش نوعی آرامش قلبی داشت و در حین انجام کار مجاهدت و پشتکار فراوانی داشت؛ او هیچ‌گاه منطق و واقعیت را قربانی احساس و رفتارهای هیجانی نمی‌کرد؛ امیر فنده‌جام، هم‌رزم شهید تقوی در دوران دفاع مقدس در این گفت‌وگواز ویژگی‌های خلقی و رفتاری شهید تقوی می‌گوید.

## ● در مورد سابقه آشناییتان با شهید تقوی برای ما توضیح دهید.

سابقه آشنایی من با این شهید بزرگوار به سال ۶۴ بازمی‌گردد و تا آنجایی که یادم هست به شکل هم‌زمان من و این شهید بزرگوار در گردان تخریب لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) جذب شدیم و ما باهم دوران آموزشی این گردان را مرحله‌به‌مرحله طی کردیم و باوجود آنکه در سنین نوجوانی بودیم اما تصور من این بود که شهید تقوی مرام و سلوکی داشت که او را از سنی که در آن قرار داشت بسیار بزرگ‌تر نشان می‌داد.

از همان بدو آشنایی نسبت به خلیقیت و رفتار او علاقه‌مند بودم و این شهید بزرگوار را انسانی بامعرفت

که حق دوستی را تمام و کمال ادا می‌کند یافتیم؛ شهید تقوی ملیح و اصطلاحاً تودل‌پرو بود؛ بذله‌گویی از جمله خصوصیات بارز او بود و همواره در کنار این گشاده‌رویی، وقار و سنگینی خود را حفظ می‌کرد.

در مراحل مختلف از جمله عملیات و پاکسازی‌ها در کنار هم بودیم؛ زهد و تقوای این شهید بزرگوار مثال‌زدنی بود و بی‌دلیل نبود که پس از جنگ، مسیر طلبگی و ملبس شدن به لباس روحانیت را برای خود اختیار کرد؛ ما تا پایان جنگ با یکدیگر بودیم و البته پس از اتمام جنگ ارتباط ما با یکدیگر قطع نشد و به‌واسطه ایجاد هیئتی موسوم به وارثین که گروهی از رزمندگان گردان تخریب لشکر آن‌ها را برپا کرده بودند، ارتباطات ما به شکل

هفتگی و گاه ماهیانه ادامه داشت که این هیئت به شکل دورهای در خانه شهدا و جانبازان برگزار می‌شد. شهید تقوی برای تحصیل در حوزه عازم قم شد اما در مقطعی برای حضور در هیئت وارثین به تهران می‌آمد و از جایی که معمّم شد، به‌عنوان یکی از سخنرانان اصلی هیئت به تهران می‌آمد و بر روی منبر همواره سخنرانی پرجذبه‌ای داشت.

## ● آخرین باری که شهید تقوی را ملاقات کردید چه زمانی بود؟

جمعه پیش از شهادت که در هیئت برنامه سخنرانی داشت که اتفاقاً بسیار هم خوب و تاثیرگذار سخنرانی

## خاطرات

### ملاابی‌مساب شدیم



یکی از سخت‌ترین روزهای عمر ۵۰ ساله‌ام روز جمعه ۱۹ خرداد بود که پیکر مطهر رفیق باصفایی که بیش از ۳۰ سال باهم حشرونشر داشتیم در بغل گرفتیم و در خانه قبر خواباندم؛

رفیقی که چند روز قبل کنار یک سفره باهم روزنه‌مان را افطار کردیم و بعد از افطار فرصتی دست‌داد از شهید و شهادت باهم گفتیم. به‌سیدمهدی گفتیم؛ آقا سید، خدایی من دیگه تاب و تحمل فراق دوستانم را ندارم؛ وقتی داشتیم از هم برای آخرین بار جدایی شدیم رو به من کرد و گفت: بگذار رویت را ببوسم و بعد همدیگر را بغل کردیم و گذشت. روز جمعه تشییع سید بعد از نماز جمعه قم بود و با دوستان هماهنگ کردیم که بعد از اذان ظهر از تهران حرکت کنیم تا روزه‌بچه‌ها به مشکل نخورد؛ یک ربع از ظهر گذشته بود که از تهران بیرون رفتیم؛ در مسیر مدام تماس می‌گرفتیم و وضعیت را سوال می‌کردیم.

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی



انسان‌های خاص بود که از هر فرصتی برای راز و نیاز، قرائت قرآن و ادعیه استفاده می‌کرد و روح و روان خود را با آن صیقل و صفای داد.

از جمله عادات حسنه این شهید بزرگوار که تصور می‌کنم تا همین اواخر هم ادامه داشت این است که او دقایقی پیش از اذان در محیط مسجد حاضر می‌شد و تا زمان اقامه اذان، مشغول تلاوت قرآن شده و این‌گونه نبود که به محض اقامه اذان شتاب‌زده خود را به مسجد برساند؛ این عادت همیشه موجب شده بود تا او آرامش قلبی خاصی داشته باشد و در حین انجام کار مجاهدت و پشتکار فراوان داشت؛ او هیچ‌گاه منطقی و واقعیت را قربانی احساس و رفتارهای هیجانی نمی‌کرد.

#### ● در جریان فعالیت فرهنگی شهید تقوی بودید؟

چون تحصیلات و تخصص من روابط عمومی است و هم‌اکنون نیز در یکی از شرکت‌های وزارت نیرو همین مسئولیت را دارم، هر بار که باهم دیدار داشتیم از من برای رونق و موفقیت در کارهای فرهنگی که مسئولیت آن را داشت راهنمایی می‌خواست و مشاوره می‌گرفت؛ همیشه از سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان و خبرگزاری‌ها این‌گونه یاد می‌کرد و اینکه نگران بود مبادا نتواند پاسخگوی مطالبات به حق همکارانش باشد. ویژگی بارز این شهید بزرگوار این بود که هیچ‌گاه خود را نبود و نسبت به گفتار و رفتار خود که تا چه اندازه برای اطرافیانش مفید است، حساسیت به خرج می‌داد، پس از آنکه هر نوبت در هیئت به منبر می‌رفت روز بعد با من تماس می‌گرفت و از بازخوردها و میزان فایده صحبت‌هایش برای مستمعان جوایمی می‌گرفت و نوبت بعد سعی در رفع نواقص خود داشت تا آنچه می‌گوید تاثیر بیشتری بر روی حاضران در هیئت داشته باشد.

#### ● زمانی که خبر شهادت او را شنیدید، حس و حال شما چگونه بود؟

او به آرزوی دیرینه خود رسید؛ باید بگویم که شهادت حق مسلم این مرد شریف بود.



#### ● صحبت از انس آن‌ها با قرآن و اهل بیت (ع) است این روحیه را در شهید تقوی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصولاً بچه‌های تخریب در کنار فراگیری کارهای تخصصی و فنی، به معنویات اهتمام ویژه‌ای داشتند و هر بار در انجام ماموریت‌ها بیش از توجه به آمادگی بدنی و جسمی، بر روی معنویات و اصطلاحاً آمادگی درونی و باطنی تمرکز می‌کردند.

مادر گردان تخریب برنامه خاصی در این زمینه داشتیم؛ صبح‌های زود برنامه مرتبی برای قرائت زیارت عاشورا داشتیم، بالین حال هر یک از بچه‌ها مشخص برنامه‌ای برای موانست با قرآن و ادعیه داشت؛ شهید تقوی از جمله آن

کرد؛ آن روز هم یکی از دوستان آقای زهره‌وند برای آوردن این شهید به هیئت اقدام کرد که البته این امر معمول بود؛ چرا که این شهید بزرگوار هر زمان که از قم به تهران می‌آمد تماس می‌گرفت که من با اتوبوس آمده‌ام.

#### ● خاطره‌ای از جانبازی ایشان دارید؟

من در عملیاتی که در آن جانباز شد حاضر نبودم اما شنیدم که از ناحیه کتف مورد اصابت گلوله قرار گرفته است و در جریان شهادت او نیز این‌طور شنیدم که گویا یکی از تیرهایی که گروه تروریستی داعش به او شلیک کرده است به دست دیگر او که مجروح نبود خورده است.

#### ● در مورد رزمندگان گردان تخریب همواره

آوردم که به هم نریزم؛ از همه دوستان شهیدیم یکجا مدد خواستیم؛ آن‌ها هم روی من را زمین نگذاشتند و خدایی مدد کردند تا سید صورتش روی خاک قرار گرفت. تلقین را خواندند و من هم حرف‌هایی که باید با سید می‌زدم، زدم و قول و قرارها بمان را گذاشتیم؛ حالا وقت جدایی شده بود و باید از سید جدا می‌شدم؛ یاد جمعه هفته قبل افتادم که قبل از جدایی، سید لب‌هایش را روی صورت‌م گذاشت و گفت: جعفر بگذار بیوسمت و من هم لب‌هایم را روی گونه‌چپ سید که با تربت کربلا آغشته شده بود گذاشتم و گفتم سید مهدی حالا حساب‌بی حساب شدیم.

با سید محمد حسین، آقا زاده سید تماس گرفتم که کجایی؛ گفتم: رسیدیم مقابل گلزار شهدای علی ابن جعفر (ع)؛ شما زود خودتان را برسانید؛ ما هم چند دقیقه بعد رسیدیم و من به محض پیاده شدن با عجله رفتم به سمت مکانی که برای دفن سید مشخص شده بود؛ آن را با دابرست محصور کرده بودند.

وارد شدم و پاهار و برهنه کرده و آستین‌ها را بالا زدم و وارد حفره قبر شدم و چند لحظه بعد هم یکی از سخت‌ترین لحظه‌ها اتفاق افتاد؛ پیکر مطهر کسی که هفته‌های پی‌درپی بعد از منبرش روضه خواندی؛ به دست می‌سپارند تا در خانه قبر بخوابانی. خیلی به خودم فشار

کاوه ذاکری؛

# روایت سلحشوری در دژ شلمچه

در جریان عملیات کربلای ۵ در گردان تخریب در منطقه‌ای به نام دژ شلمچه که دشمن مانع از پیشروی ما شد لحظات پر مخاطره اما خاطره‌ساز سپری شد و حجت‌الاسلام سیدمهدی تقوی نیز به درجه جانبازی نائل شد؛ کاوه ذاکری، هم‌رزم شهید تقوی در گفت‌وگویی به روایت جزئیات این عملیات می‌پردازد که شرح این گفت‌وگو از نظر می‌گذرد.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی

### ● گویا در همان جریان بود که شهید تقوی

#### مجروح و به مقام جانبازی نائل آمد؟

بله، غواصان در آب شناور بودند و فقط ناحیه سر و گردنشان از آب بیرون بود، جایی که آب مقداری کم عمق شد، شهید تقوی مورد اصابت تیر از ناحیه کتف سمت چپش قرار گرفت، در آن اوضاع به هم ریخته گردان، شرایط خیلی وخیمی حکم فرما بود، ضعف ناشی از خونریزی موجب بی‌حالی شهید تقوی شده بود به شکلی که مرتب از حال می‌رفت و همین امر منجر به این مسئله می‌شد که گاهی سرش به زیر آب برود؛ من خود را به زیرشانه راست این شهید قرار دادم تا او با اتکالی به من کمتر دچار آب‌گرفتگی شود که به خاطر شرایط بد تنفسی هر بار مقادیر زیادی آب را می‌بلعید.

قسمتی از منطقه‌ای که غواصان در آن از معبری در راستای عملیات در حال پیشروی بودند به‌مانند تپه‌ای از آب بیرون آمده بود و ما تعدادی از زخمی‌ها را به آن منتقل می‌کردیم تا روی آن قرار بگیرند که شهید تقوی هم یکی از آن‌ها بود که البته با برآمدگی که آنجا نیز قرار داشت، این تپه به حالت جان‌پناه درآمده بود تا زخمی‌های عملیات از تبررس مستقیم دشمن به دور باشند.

در جریان این اتفاق تعدادی بی‌شماری از غواصان به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و ما بر روی آب با پیکر مطهر بسیاری از آن‌ها مواجه بودیم اما در آن زمان برنامه‌ای برای جمع‌آوری اجساد شهدا وجود نداشت و بیشترین تلاش ما برای نجات غواصان و خروج زخمی‌ها از مهلکه‌ای بود که به وجود آمده بود.

کمک‌های اولیه به مجروحان تا دم‌دمای صبح به انجام رسید، شهید تقوی آسیب جدی دیده بود و خون زیادی از دست داده بود باین‌حال برای تقویت روحیه مجروحان که شده هم دست‌از شوخی و مزاح برداشتیم تا نزدیک صبح که قایق‌های نجات ریسک بزرگی کردند و برای انتقال مجروحان وارد صحنه شدند.

کنار هم بود؛ گردان ما در جریان عملیات کربلای چهار که در شلمچه برگزار شد و با توفیق همراه نبود شرکت نکرد اما در جریان عملیات کربلای پنج باهم جزیی از غواصان گروه تخریب بودیم؛ در جریان این عملیات ما در گردان تخریب حضرت علی‌اکبر(ع) بودیم که در منطقه‌ای به نام دژ شلمچه که دشمن مانع از پیشروی ما شد لحظات پر مخاطره اما خاطره‌ساز را سپری کردیم.

### ● ارتباط شما پس از عملیات با شهید تقوی

#### همچنان ادامه پیدا کرد؟

بله، پس از این عملیات و تغییر شرایط و بهبودی که شهید تقوی پیدا کرد، رفت‌وآمدهای او به گردان تخریب همچنان تا پایان جنگ ادامه پیدا کرد و او از هیچ کوشش و خدمتی فروگذار نکرد تا اینکه جنگ به پایان رسید و او برای تحصیل و سپری کردن دوران طلبگی عازم حوزه علمیه قم شد.

### ● حضورتان در قالب گردان تخریب در

#### عملیات کربلای پنج را تشریح کنید؟

۲۶۰ نفر غواص از گردان ما در این عملیات حضور داشتند و البته برای شکسته شدن خط لشکر ۱۷ فجر وارد عمل شد و ما در خط کناری به پیشروی ادامه دادیم که در اوج درگیری این مسئله به سمت ما کشیده شد؛ در جریان این اتفاق بسیاری از دوستان و هم‌رزمان در جریان آتش دشمن از ناحیه سر و سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفتند.

### ● در چه تاریخی با شهید تقوی آشنا شدید؟

تقریباً اردیبهشت سال ۶۵ بود که نخستین بار این شهید بزرگوار را در گردان تخریب لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) ملاقات کردم؛ یکی دو سالی از او بزرگ‌تر بودم، دوره آموزشی را باهم سپری کردیم، در جریان ماموریت‌ها و عملیات‌ها چادرهای ما در



● **سوالی که معمولاً از هم‌زمان شهید تقوی در گردان تخریب پرسیده می‌شود در مورد تقویت روحیه آن‌ها صرف‌نظر از فراگیری موارد تخصصی برای مواجهه با مخاطرات و موقعیت‌های جنگی است، شهید تقوی چگونه این روحیه را در جریان عملیات‌های گردان تخریب در خود حفظ و تقویت می‌کرد؟**

گردان تخریب رزمندگان مامور در آن به نسبت سایر رزمندگان از روحیه بالا و بنیه جسمی متفاوت‌تری برخوردار بودند، معمولاً هم در انتخاب آن‌ها حساسیت بالایی وجود داشت و هر نوبت از میان ۲ هزار نفر متقاضی نهایت ۴۰ یا ۵۰ نفر موفق به حضور در چنین گردان‌هایی می‌شدند، این نشان از این دارد که شهید تقوی ذاتاً از بنیه روحی و جسمی قابل‌قبول برخوردار بود که توانسته بود جواز حضور در گردان را به دست آورد، با این وجود علاوه بر آموزش موارد تخصصی، هر یک از دوستان هم‌رزم در این گردان به تقویت روحیه سلحشوری، رشادت، از خودگذشتگی خود از رهگذر موانست با قرآن و ادعیه و توسلاتی که به ائمه اطهار (ع) و چهارده معصوم داشتند جهد و کوششی وصف شدنی به خرج می‌دادند.

شهید تقوی از همان دوران و حتی پیش از آنکه به تحصیل علوم حوزوی مشغول شود، دارای ویژگی‌های روحانی و تدینی زاید‌الوصفی بود و نسبت به طی کردن مراتب عرفانی و معنوی به شکل شخصی اهتمام و توجه خاصی داشت و برای آن وقت صرف می‌کرد، تقویت چنین روحیه‌ای موجب شد تا در اوج متانت و آرامش قلبی که داشت، دلیرانه در مواجهه با عملیات‌های پر مخاطره داوطلب شود و از آن ترس و واهمه‌ای در خود راه ندهد.

● **از فعالیت‌های شهید تقوی در جهاد دانشگاهی مطلع بودید؟**

ما جلسات دورهای در قالب برپایی هیئتی داشتیم که در آن اغلب دوستان دوران جنگ گرد هم می‌آمدند و همان‌جا دورادور در جریان فعالیت ایشان که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور و خبرگزاری ایکننا مسئولیت داشتند قرار می‌گرفتم.

دلسوزانه پیگیر مسائلی بود که مسئولیت آن را در امور فرهنگی و قرآنی به عهده داشت و همواره در این موارد منشا خیر بوده و ثمربخش واقع می‌شد؛ با توجه به سوابق جهادی و حضور در امور معنوی و فرهنگی اعتقاد دارم که دورانی که او مسئولیت تصدی امور قرآنی را در جهاد دانشگاهی را به عهده داشت یکی از دوره‌های شکوفای فرهنگی در فعالیت‌های دانشجویی بوده است.

● **چگونه خبر شهادت او به شما واصل شد؟**

ما یک کانال در شبکه اجتماعی ویژه هیئت وارثین داشتیم؛ همان‌جا بود که یکی از دوستان پستی را قرارداد که خبر شهادت شهید تقوی بود؛ یکی از ویژگی‌های بچه‌های تخریب، داشتن روحیه مزاح و شوخی بود ابتدا فکر کردم که این خبر هم یکی از آن شوخی‌هاست و یکی از دوستان قصد دارد با ما مزاح کند اما گویا این خبر واقعیت داشت و همیشه واقعیت تلخ است.

مادر گردان تخریب اعتقاد به یک چیز داشتیم و آن اینکه حتی با تمام شدن جنگ و دوران دفاع مقدس باب شهادت هیچ‌گاه بر روی ما بسته نخواهد شد و بالاخره روزی خواهد رسید که فارغ از روزمرگی و خدای ناکرده آلوده شدن به مطامع دنیوی، به این فیض عظیم نائل خواهیم شد؛ لذا بیشتر از اینکه در فقدان این شهید بزرگوار اشک بریزم، اشک شوق از چشمان من سرازیر شد و خوشحال از این بودم که شهادت او حقایق ادعای ما که باب شهادت همچنان مفتوح است را به اثبات رساند.





اربابیان:

## گفتمان انقلاب اسلامی؛ مهم‌ترین دغدغه شهید

مباحثه‌گی با یکی دیگر از هم‌زمان تخریبچی بنام حجه‌الاسلام نوری پایه‌های فکری خود را مستحکم نمود و پس از سالها درس و بحث با حضور در جهاد دانشگاهی و پذیرش مسئولیت معاونت فرهنگی این نهاد فعالیت‌های قرآنی و فرهنگی خود را ادامه داد، مقطعی هم به عنوان مدیرعامل ایکنابود و از سال ۹۲ نیز به عنوان مشاور نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی فعالیت داشت از سال ۹۳ با شکل‌گیری فعالیت‌های گفتمانی مسئولیت آموزش را برعهده گرفت و با ارتباط خود با حوزه توانست یکی از بی‌نظیرترین دوره‌های گفتمانی انقلاب اسلامی در کشور را بنا نهاد و در این راه سختی‌های زیادی به جان خرید و هرگز نامایمات او را خسته نکرد چهره بشاش او در روزهای پرتلاشش گواه سخت‌کوشی او بود بی‌شک محققى پرتوان بود و از کنار مسایل پیرامونی به سادگی نمی‌گذشت. وی در طی سالهای حضور در تهران از درس خارج فقه مقام معظم رهبری بهره می‌جست. سرانجام وی در حادثه تروریستی مجلس شورای اسلامی و با زبان روزه توسط تروریستهای غربی به شهادت رسید.

عمده فعالیت‌های وی در رابطه با گفتمان انقلاب اسلامی بود دغدغه ارزش‌های اسلامی و انقلابی را داشت و سعی می‌کرد نظرات ولایت را پیاده کند.

یکی از ویژگی‌های این شهید مسئولیت‌شناسی و دقت وی بود که این ویژگی هم در زمان جنگ و هم پس از آن وجود داشت و محقق برجسته‌ای بود و وقتی به موضوعی ورود می‌کرد آن را با دقت موشکافی می‌کرد و فوق‌العاده منطقی بود و این ویژگی‌ها در کلام وی نیز بارز بود.

هر هفته در جلساتی همدیگر را ملاقات می‌کردیم و آقا سید به عنوان سخنران اصلی در این جلسات صحبت می‌کرد.

به نظر می‌رسد کسانی که دست به این اقدام تروریستی زدند، هدفی جز قرار گرفتن در کانون توجه‌ها نداشتند و بیشتر جنبه خبری این موضوع برای آنها اهمیت داشت. والا خود واقفند که اقتدار کشور ایران به سادگی قابل از دست رفتنی نیست.

عمده فعالیت‌های شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی تقوی در رابطه با گفتمان انقلاب اسلامی بود دغدغه ارزش‌های اسلامی و انقلابی را داشت و سعی می‌کرد نظرات ولایت را پیاده کند. یکی از هم‌زمان شهید سیدمهدی تقوی گفت: عمده فعالیت این شهید در بحث گفتمان انقلاب اسلامی بود دغدغه ارزش‌های اسلامی را داشت.

آقا سید از اواسط سال ۶۵ بعد از عملیات کربلای یک در مهران، وارد گردان تخریب لشکر ۱۰ حضرت سیدالشهدا(ع) شد و تا پایان جنگ تمیلی در جبهه حق علیه باطل حضور داشت، از جمله عملیات‌هایی که حضور داشت کربلای ۲ در حاج عمران و پس از آن در عملیات کربلای ۵ در شلمچه وی که به عنوان مسئول دسته تخریب در منطقه حضور داشت با اخلاق نیکوی خود هم‌رزم شهیدانی چون مهدی ضیایی بود. در عملیات کربلای ۵ از ناحیه دست چپ مورد اصابت گلوله و از ناحیه پهلو دچار آسیب دیدگی شد. و به درجه جانبازی مفتخر گردید. پس از جنگ با عزمی به قم و هم



### ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی

ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

خادم القرآن

# خادم بی ادعای قرآن

قائم مقام شورای عالی قرآن کشور در خصوص ویژگی های شخصیتی شهید تقوی می گوید: او یک خادم واقعی و بی ادعای قرآن بود، در مدت مسئولیت خود، بدون هیچ تکبر و ریایی پیگیر کارهای قرآنی بود و برای به ثمر نشستن برنامه هایش هیچ محدودیتی نداشت.

سید علی سرابی اظهار کرد: اگر چه شهادت برای خدمتگزاران به آستان قرآن نهایت سعادت است، اما خلأ وجود ایشان در میان جامعه قرآنی به خوبی احساس می شود؛ بنده به نوبه خود و همکارانم در شورای عالی قرآن و مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران و همچنین اتحادیه تشکل های قرآن و عترت، این ضایعه اسفبار را به همه ملت شریف ایران و جامعه قرآنی تسلیت عرض می کنم.

او در ادامه افزود: تنها چیزی که انسان می تواند بگوید این است که شهید تقوی به قدری شخصیت پاک، دوست داشتنی، متدین و متعهدی داشت که وقتی فکر می کنم می بینم جز شهادت فی سبیل الله چیزی در خور او نبود و واقعا شخصیت خدومی بود و بهترین هدیه برای او ممت در راه خداوند است.

قائم مقام شورای عالی قرآن گفت: قطعا فقدان چنین شخصیتی برای دوستان و همکاران بسیار سخت است، مخصوصا برای عزیزانمان در خبرگزاری ایکننا این مصیبت بسیار سخت است و من واقعا تالم؛ حزن و اندوه آن ها را درک می کنم و صمیمانه به آن ها تسلیت عرض می کنم. او ضمن ابراز همدردی با جامعه قرآنی عنوان کرد: ایشان

به صورت بسیجی وار کار می کرد و خیلی در بند مسائل رایج مدیریتی نبود و مرتب در رفت و آمد بود؛ همچنین ایشان برای پیشبرد اهدافش تحرک زیادی داشت و همواره سعی می کرد تا تمامی مدیران دستگاه ها را برای همکاری در طرح ها با خود همراه کند.

سرابی اظهار کرد: بارها برای برنامه های مختلف به شورای عالی قرآن می آمد و بدون تکبر کارها را پیگیری می کرد و در اکثر مجامع و جلسات کاری حضور فعالی داشت، ان شاء الله که خداوند او را با صاحب قرآن محشور کند.

او با محکوم کردن این گونه حملات تروریستی تصریح کرد: این قبیل حرکات و حوادث برای هر گروه و قومی با هر نگرش و اعتقادی محکوم است؛ ما حتی وقوع این حوادث را برای بیگانگان هم نمی پسندیم.

یک خادم واقعی و بی ادعا برای قرآن بود، در مدتی که مسئولیت سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان و همچنین خبرگزاری بین المللی قرآن را بر عهده داشت، بدون هیچ تکبر و ریایی پیگیر کارهای قرآنی بود و برای به ثمر نشستن برنامه هایش هیچ محدودیتی نداشت؛ در آن مدت بسیار دلسوزانه و با عشق وافر به ساحت قرآن فعالیت می کرد و همه کسانی که با ایشان مرتبط بودند، می دیدند که چطور شبانه روز تلاش می کند که ارزش ها و فرهنگ و معارف قرآن را در فضای دانشگاه ها و در بین دانشجویان تبلیغ و ترویج کند و فکر می کنیم، اجر زحماتش را به نحو احسن از صاحب قرآن دریافت کرد.

او در ادامه با اشاره به ویژگی های مدیریتی شهید تقوی تصریح کرد: در کشورمان مدیران قرآنی و انقلابی کم نداریم و شهید تقوی هم در واقع وجه بارز مدیریتش در انقلابی بودن و بسیجی بودن خلاصه می شود، آن طور که در چند سالی که با او ارتباط داشتم می دیدم که



رئیس فراکسیون قرآن، عترت و نماز مجلس:

## پرچمدار فعالیت جهادی در عرصه قرآن و عترت

رییس سابق سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان کشور سال ها پرچمدار فعالیت جهادی در عرصه قرآن و عترت بود که منجر به نتایج مبارکی برای جامعه قرآنی شد؛ متن این پیام به شرح زیر است:



وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

ماه قرآن و میهمانی خداوند با طعم شیرین شهادت همراه شد؛ اقدامات ضد اسلامی و ضد انسانی عمال استکبار در حرم مطهر بنیان گذار نظام مقدس جمهوری

اسلامی و مجلس شورای اسلامی، جان روزمدارانی بی گناه را گرفت و صفحه های دیگر بر تاریخ مظلومیت مردم شریف ایران افزوده؛ با وجود اینکه تروریست ها با اقدام شوم خود خدشه ای بر مسیر تعالی ملت ایران وارد نکردند اما نام خود را در بی رحمی و شقاوت بار دیگر در تارک تاریخ قساوت ثبت کردند.

هر چند خبر شهادت حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی، رزمنده دفاع مقدس و جهادگر قرآنی در خانه ملت، در خلال اقدامات کوردلان از حقیقت بی خبر، جان خانواده، جامعه قرآنی و جهادگران ایران را آزرده، اما فیض شهادت را نصیب فردی کرد که سال ها آن را در میادین جهاد جسته بود.

او به عنوان رییس سابق سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان کشور و مدیر عامل سابق خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، سال ها پرچمدار فعالیت جهادی در عرصه قرآن و عترت بود که منجر به نتایج مبارکی برای جامعه قرآنی شد.

بدین وسیله شهادت این عضو جهاد دانشگاهی و فعال قرآنی را به خانواده محترم، اعضای جهاد دانشگاهی و جامعه دینی کشور تبریک و تسلیت عرض کرده و از خداوند منان علو درجات را برای ایشان و دیگر شهدای این دو حادثه تروریستی مستنل دارم.

نصرالله پژمان فر

### ویژه نامه

بزرگداشت شهید حجت الاسلام تقوی



عباس سلیمی:

## خادم مخلص قرآن کریم

خادم القرآن عباس سلیمی، معاون فرهنگی و امور زائران آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) با انتشار پیام تسلیتی، شهید تقوی را سیدی با اخلاق و خادم با اخلاص قرآن کریم نامید:

خوشا آنان که با عزت ز گیتی  
ساط خویش برچیدند و رفتند  
خوشا آنان که در راه عدالت  
به خون خویش غلتیدند و رفتند

شهادت مظلومانه سید با اخلاق و خادم با اخلاص قرآن کریم، فرزند گرامی پیامبر اکرم (ص)، زنده یاد حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید مهدی تقوی (ره)، مدیرعامل سابق سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور و خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) که با زبان روزه به دست ناپاک حرامیان داعش (فرزندان نامشروع استکبار و آل سعود)، به خون خود غلتید، غم و اندوه سنگینی بر دل قرآنیان ایران اسلامی و خانواده پرافتخار و مقاوم آن سید و الامقام نشانید که ان شاء الله در

رییس سازمان تبلیغات اسلامی:

### اقتدا به سید شهیدان (ع)

در صحنه صف‌آرایی حق و باطل، چنین مقدر شد که نبرد میان عاشوراییان و یزیدیان در بهنه اعصار و قرون استمرار یابد؛ در عملیات مذبحخانه عده‌ای تروریست تکفیری در مجلس و حرم امام راحل که به شهادت و مجروحیت عده‌ای از مردم مسلمان و روزه‌دار انجامید، یکی از مردان غیور و شریف ایران اسلامی نیز به خیل شهدا پیوست. شهید بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی، مدیرعامل سابق ایکنا و از فعالان قرآنی کشور امروز، در خون پاک خویش غوطه‌ور شد تا مانند مولای خود امام حسین (ع) با پیکری خونین به ملاقات محبوب نائل آید؛ به راستی چقدر نادانند سفاکانی که گمان می‌کنند با به شهادت رساندن خادمان قرآن و میهمانان ضیافت‌الله در ایمان و اراده انقلابی و محکم ملت بزرگ ما خللی وارد

آینده‌ای نه‌چندان دور با انتقام فرزندان رشید و فداکار این ملت سلحشور از آن گروهک پلید و وابسته، التیام خواهد یافت.

تمام این عالم هستی به انسان پایان می‌پذیرد و حقیقت انسان نیز به خدا ختم می‌شود و شهید کسی است که به خوبی این استمرار را درک کرده و در کل هستی جاری است و این همین رو شیاطین، در مسلخ عشق جز نکو را نکشند! اگر چه شهید سعید، سید مهدی عزیز، مظلومانه و بی‌دفاع در خون خویش غلتید، اما علاوه بر اینکه نام او، جاودانه بر تارک تاریخ زرین انقلاب اسلامی می‌درخشد و یاد او نیز همواره در جامعه قرآنی کشور زنده و پاینده خواهد بود، تردیدی وجود ندارد که با نصرت الهی، موج خروشان و متلاطم خون شهیدان سرافراز ما، بنیان سست و پوسیده دشمنان امنیت ایران اسلامی را ویران و نابود خواهد ساخت، ان شاء الله.

با گرامیداشت یاد و خاطره یکایک شهیدان گران قدر واقعه تروریستی تهران و با عرض تسلیت فقدان آن قرآن باور ولایتمدار به حضور خانواده معزز آن عزیز سفر کرده و آحاد جامعه سرافراز قرآنی، علو مرتبت و رفعت درجات آن سید گلگون کفن را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌دارد.



خادم القرآن

خواهد شد؛ بی‌تردید و به کوری چشم تکفیری‌های سیاه‌دل، چنین جنایت‌هایی در بنیان مستحکم وحدت و انسجام امت مسلمان و مذاهب اسلامی نه‌تنها خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت بلکه باعث استحکام هرچه بیشتر آن خواهد شد، و چنان‌که در کلام حق نیز تاکید شده، خداوند در کمین ستم کاران است. اینجانب با عرض تسلیت شهادت جمعی از هموطنانمان به‌خصوص شهید سید و بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی، به محضر حضرت ولی‌عصر (عج)، مقام معظم رهبری، ملت بزرگوار ایران و خانواده‌های شهدا، برای شهدای عزیز این حوادث، و به‌خصوص شهید منظور، طلب اجر عظیم می‌نمایم. حجت‌الاسلام سید مهدی خاموشی



# مروج معارف و حیانی

دفتر مرجع تقلید شیعیان، آیت الله العظمی جواد آملی در خصوص شهادت ابن جهادگر قرآنی که سالها کسوت شاگردی ایشان را داشت، پیام صادر کرد که توسط حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جواد آملی قرائت شد.



روح قرآنی و جان سبحانی حجت الاسلام سید مهدی تقوی در ماه نزول قرآن صاعد شد و با اجابت دعای «اللهم و قتلنا فی سبیلک فوق لنا» از سوی پروردگارش آسمانی گشت. عالم فاضل و روحانی وارسته که انس با قرآن او را شیفته معارف توحیدی ساخته بود تلاش وافر داشت تا جلوه‌های قرآنی و احکام و حکم و حیانی آنرا در متن جامعه بگستراند و عطر دل انگیز آیات الهی را در بین احاد جامعه خصوصاً جوانان و به ویژه دانشجویان بیفشاند.

او نخستین تجربه‌های قرآنی خویش را در درس تفسیر حضرت آیه الله جواد آملی (دامت برکاته) در حوزه علمیه قم کسب نموده و جان تشنه و روح شعله ور شده خویش را از دست ساقی کوثر قرآنی سیراب ساخت. او ممتاز و متمایز از دیگران ضمن کسب معرفت به فزونی ارادت پرداخت و با شوق زائد و ذوق راند خویش آن معرفت قرآنی را در دل شکوفانمود، وی همچنین بر اساس عقلانیت و حیانی و به دور از افراط نظری و تفریط عملی بر درخت ایمان خویش شکوفه اخلاق و تقوا نشاند و در امتداد آن ثمرات علمی و آثار عملی را در فضاهای گوناگون اجتماعی منتشر می‌ساخت.

زمینه آشنائی و ارادت اینجانب به آن صدیق صفا و رفیق وفادار طرح ملی ملکوت پایه ریزی گشت، او که با اندیشه صائب قرآنی و اجرای روح انگیز آن در فضای گسترده جامعه شناخت کامل داشت با ابتکار عمل خویش زمام یک طرح قرآنی را بر اساس اندیشه‌های و حیانی استاد

خویش حضرت آیه الله جواد آملی (مدظله العالی) بنیان نهاد و با حضور علمی و پذیرش مسئولیت دبیری طرح مطالعات منظومه‌ای علوم اسلامی در تهران و مراکز استانی حضور می‌یافت و پیرامون ترویج اندیشه قرآنی اهتمام می‌ورزید.

پژوهشگران عرصه قرآنی و مروجان معارف و حیانی، چهره اخلاقی، متواضع و متصلب جناب حجت الاسلام سید مهدی تقوی (رحمه الله) را شناخته و وی را به عنوان اسوه تلاشگران عرصه ترویج فرهنگ قرآنی معرفی می‌نمایند. جامعه قرآنی کشور در داغ فراق چنین دل‌باخته قرآنی در حزن و اندوه است و هرگز خدمات خالصانه و سوابق ارزشمند او در عرصه قرآنی را فراموش نخواهد کرد.

بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اِسراء و طرح ملی ملکوت ضمن تسلیت به عموم همسنگران قرآنی، خصوصاً بازماندگان آن به پرواز در آمده در بوستان قرآنی، برای آن سالک مسلک قرآن و راهی منهج عترت (علیهم السلام) از درگاه الهی مطالبه اجر و پاداش داشته و بر خود فرض و لازم می‌دانند نام و چهره این روحانی فاضل و گرمی را برای همیشه در فهرست پژوهشگران و مروجان فرهنگ قرآنی خویش ثبت نموده و افتخار مصاحبت با این روحانی فاضل و شهید ماه قرآن را در تمامی برنامه‌های ترویجی قرآنی خود داشته باشد.

## محمد مسین محمدزاده:

# هم‌افزایی نهادهای قرآنی

ویژگی بارز مدیریتی شهید تقوی این بود که سعی در هم‌افزایی بین رسانه‌های قرآنی داشت و در یکی از ادوار نمایشگاه قرآن طرحی برای هم‌گرایی رسانه‌های دینی و قرآنی ارائه داد. محمد حسین محمدزاده، مدیر شبکه قرآن و معارف سیما در رابطه گفت و گویی با نشریه رایحه انجام داده است که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.



حجت الاسلام والمسلمین شهید تقوی بسیار شخصیت محبوب و متخلقی داشت و در تصاویری که از او باقی مانده نیز می‌توان از چهره این شهید تخلق به اخلاق قرآنی و حسنه راقه‌مید.

با او از خبرگزاری ایکننا آشنا شدم و بعد از آن نیز در درس خارج فقه مقام معظم رهبری که شرکت می‌کردم دوستی ما ادامه دار شد، همچنین ایشان یک سری کارهای پژوهشی هم در مورد دیدگاه و اندیشه راهبری مقام معظم رهبری داشتند و

نیز در قسمتی از آن‌ها با او همکاری داشتیم، به هر حال ضایعه در دنیاکی بود و امیدوارم این شهید با امام حسین (ع) محشور شود.

برای تاسیس رادیو قرآن در کشور عراق با ایشان هم‌سفر بودم و خاطرات خوبی در این سفر برای ما رقم خورد؛ چرا که

خبرگزاری ایکننا نیز پیگیری این مبحث بود و شهید تقوی هم خیلی منظم و مرتب کارها را انجام می‌دادند و سبب عطر آگین شدن صدای قرآن در فضای عراق شدند. ویژگی بارز مدیریتی شهید تقوی این بود که سعی در هم‌افزایی بین رسانه‌های قرآنی داشتند، در یکی از ادوار نمایشگاه قرآن که ایشان مدیرعامل خبرگزاری ایکننا بودند و بنده نیز مدیر رادیو قرآن بودم، طرحی دادند که رادیو قرآن و رادیو معارف و برخی رسانه‌هایی که فعالیت قرآنی می‌کنند، نشست‌های مشترکی داشته باشند و مبدا این جلسات نیز همان نمایشگاه قرآن بود و نشست‌هایی که بین مسئولان این رسانه‌ها صورت گرفت به واسطه پیگیری‌های ایشان بود، لذا اندیشه مدیریتی شهید تقوی در هم‌افزایی بین نهادهای هم‌گرا بسیار زیاد بود.

این حادثه کاملاً محکوم است، اما باید دانست که هزاران هزار، تقوی خادم قرآن و اهل بیت (ع) هستند که راه ایشان و امثال ایشان را ادامه می‌دهند و طبق آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب منتظر هستیم، برخی به عهدشان وفا کردند و بقیه هم منتظر هستند تا در زمان لازم، جانشان را در راه اسلام فدا کنند و با خدمت به اهل بیت (ع) ان شاء الله شهادت نصیبشان شود.

## ویژه‌نامه

بزرگانیت شهید  
حجت الاسلام تقوی

# نگاه تربیتی به دانشجویان



واقعا دنبال مظاهر دنیایی نبود؛ شهید تقوی در چند حوزه صاحب‌نظر بود، از جمله بحث مهدویت؛ او بحثی را راجع به تمدن مهدوی دنبال می‌کرد؛ برایش مهم بود که جایگاه هر کسی در تمدن مهدوی کجاست؛ یک بحث دقیقی داشت؛ بنده این بحث را از او گرفتم و ادامه دادم؛ یکی از موضوعات دیگری که او در آن نظراتی داشت، حوزه روابط اجتماعی بود که می‌تواند قابل‌تأمل و مورد نیاز باشد.

اصلا به‌ظاهر دانشجویان توجه نمی‌کرد؛ هر کسی در دانشگاه هنر توان ماندن نداشت؛ وقتی بنده می‌خواستم بروم دانشگاه هنر، حاج‌آقا پناهیان گفتند که طلبه‌ها به راحتی اینجا دوام نیاورد؛ چون کار کردن در دانشگاه هنر خیلی سخت است؛ در حالی که شهید تقوی حداقل ۴ سال در آنجا فعالیت داشت؛ خاطرات او از فضای دانشجویی زیاد است؛ از جمله از اردوی ضیافت‌اندیشه‌ای که باهم رفتیم و دروس معارف را در مشهد برگزار کردیم؛ نوع نگاه ایشان به یک اردو یا یک برنامه این‌طور بود که می‌گفت آیا ما بعد از این اردو تغییر فکری یا تغییر رفتاری در دانشجویان می‌بینیم یا خیر؟ واقعا به دنبال این بود.

## نگاه تربیتی به جای تشکیلاتی

فضای هیئتی خیلی برایش مهم بود و می‌گفت در دانشگاه باید یک فضای صمیمی و خودمانی ایجاد کرد؛ در محیط دانشگاه کسی می‌تواند موثر باشد که نگاهش به دانشجو و استاد، یک نگاه کاملا تربیتی باشد و نگاه تشکیلاتی نداشته باشد؛ اگر فرد نگاه تشکیلاتی داشته باشد خودش را بالا می‌بیند اما اگر نگاهش، نگاه تربیتی باشد می‌تواند از همان اول بر دانشجو تاثیر بگذارد؛ معتقد بود کسی که می‌خواهد بیاید در فضای دانشگاه، باید تشکیلاتی نباشد، باید آخوند باشد زیرا آخوند، زمان نمی‌شناسد، وقت نمی‌شناسد.

در برخورد با دانشجویان هرگز نمی‌گفت من معاونم و مثلا اول باید فلانی را ببینید و بعد پیش من بیایید؛ اگر کسی می‌آمد کاری داشت، خودش پیگیری می‌کرد؛ بدون این که بخواهد خودنمایی کند، یعنی روحیه عادی‌اش این‌طور بود؛ در مواردی دانشجویی دیروقت به شهید تقوی زنگ می‌زد و می‌گفت امکان دارد اکنون بیایم باهم صحبت کنیم؟ حاج‌آقا تقوی می‌گفت بیا؛ مثلا بنده می‌دیدم شهید تقوی تا ساعت ۲ نیمه‌شب دارند با دانشجو صحبت می‌کنند؛ می‌گفت این دانشجو امشب حالش خوب نبود باید امشب او را تحویل می‌گرفتم.

حالا اگر یک نگاه تشکیلاتی باشد می‌گوید برو در ساعت اداری بیا؛ در نگاه تشکیلاتی، ساعت اداری و روند اداری حاکم است؛ اما چون نگاه ایشان یک نگاه تربیتی بود، در همان ساعت که مریض به طبیب نیاز دارد، در همان زمان دانشجو را تحویل می‌گرفت.

صحبت کردن خیلی راحت از آیات استفاده می‌کرد؛ یعنی مسئله‌را حلاجی کرده بود و در ذهنش نگه‌داشته بود. دغدغه‌های او صرفا مربوط به معاش نبود و دغدغه‌هایش بیشتر مربوط به مبانی فکری نظام اسلامی و انقلاب اسلامی بود؛ فرصت‌هایی هم که به دانشگاه می‌آمد و با دانشجویان ارتباط داشت بیشتر سعی می‌کرد روی تفکر دانشجویان تاثیر بگذارد؛ هر کس پیش او می‌آمد یک چیزی دریافت می‌کرد؛ یعنی شهید تقوی فکر مخاطب‌را اصلاح می‌کرد؛ این باید خیلی برای طلبه‌ها مهم باشد؛ اگر طلبه‌ای بتواند روشنگری کند و روی فکر کسی تاثیر بگذارد این خودش بزرگ‌ترین کار است.

شهید تقوی دنبال رقابت با طلبه‌ها نبود و اگر می‌دید کسی استعدادی دارد خیلی از او تعریف می‌کرد؛ شهید تقوی از آن جایی که خودخواهی نداشت وقتی یک صفت خوب در کسی می‌دید خیلی از او تعریف می‌کرد؛ این خیلی ویژگی خوبی است؛ این ویژگی در شهید تقوی خیلی نمایان بود؛ هر وقت تذکری داشت، رودررو می‌گفت. او مبانی فکری خاصی داشت و در برخورد با دانشجویان و مردم از اصول خاصی پیروی می‌کرد؛ به همین خاطر خیلی صمیمی و خیلی گرم برخورد می‌کرد؛ گاهی بحث‌های او با دانشجویان سه یا چهار ساعت طول می‌کشید؛ گاهی از او می‌پرسیدم خسته نشدی؟ و پاسخ می‌داد نه، الان بحث به یک جایی رسید؛ حتی خود ما هم در بعضی شب‌ها تا اذان صبح باهم بحث می‌کردیم و پس از اذان صبح می‌خوابیدیم.

## تفکر تکلیف‌مدار و انقلابی

تفکر شهید تقوی یک تفکر تکلیف‌مدار و کاملا انقلابی بود؛

نگاه شهید تقوی به دانشجویان نگاه تربیتی بود و نه تشکیلاتی؛ ایشان معتقد بود کسی می‌تواند در فضای دانشگاه تاثیر گذار باشد که روحیه آخوندی داشته باشد و فعالیتش محدود به زمان خاصی نباشد؛ حجت‌الاسلام اصغر رگوفیان، نماینده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در استان تهران با اشاره به خاطرات خود از دوران همکاری با شهید تقوی در دانشگاه هنر، دیدگاه ارتباطی او را تشریح کرد.

بنده از سال ۸۰ تا ۸۴ به مدت چهار سال با او در دانشگاه هنر همکاری کردم؛ محل استقرارشان به گونه‌ای بود که حتی شب‌ها هم در کنار هم بودیم؛ چون ایشان از قم می‌آمدند، سه یا چهار شبانه‌روز را اینجا بودند و بعد بر می‌گشتند. خاطرات خیلی زیاد است؛ تقوی جزء طلبه‌های خودساخته بود؛ هم تکلیف برایش مهم بود و هم دنبال هوا و هوس مثل مقام و منصب و شغل خوب و ... نبود؛ با توجه به این که او معاون نهاد بود، خیلی اوقات کارها را به من واگذار می‌کرد و می‌گفت تو برو این کار را به اسم خودت انجام بده؛ یعنی برایش مهم بود که کار انجام بگیرد؛ اینکه چه کسی پشت کار است و کار می‌خواهد به اسم چه کسی تمام شود برایش اهمیت نداشت.

## پیگیری مباحث قرآنی

از همان اول هم دنبال مباحث قرآنی بود و به مباحث قرآنی به‌عنوان شغل نگاه نمی‌کرد؛ شب‌ها که ما پیش هم بودیم خیلی اوقات روی آیات قرآن و مباحث قرآنی بحث می‌کردیم؛ دائما در صحبت‌هایشان از آیات قرآن استفاده می‌کرد؛ به گونه‌ای بر آیات قرآن تسلط داشت که هنگام



مجت‌الاسلام معتمدی تشریح کرد:

# دغدغه‌های اجتماعی شهید مجاهد

شهید تقوی به این موضوع معتقد بود که اگر بخواهیم بنای تمدن اسلامی شکل بگیرد، می‌توان بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری این کاخ بلند تمدنی را ساخت. حجت‌الاسلام علی معتمدی، مدیر حوزه علوم اسلامی هنر و رسانه از دوستان و همکاران شهید تقوی به تشریح دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی این شهید بزرگوار در حوزه مشکلات جامعه می‌پردازد؛ مشروح این گفت‌وگو از نظر می‌گذرد.

● ابتدا بفرمائید نحوه آغاز آشنایی شما با شهید تقوی چگونه بوده است؟

از سال ۸۲، رفاقتم با شهید تقوی در دفتر نهاد رهبری در دانشگاه هنر آغاز شد. بنده رابط نهاد در دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر بودم. آن زمان مسئول نهاد رهبری در دانشگاه هنر، حاج آقای پناهیان بود و شهید تقوی، معاون نهاد بودند.

در اولین ملاقات ایشان با بنده خیلی گرم برخورد کردند. لذا آن گاردی که در ذهن ما بود فرو ریخت و توانستیم بحث را خیلی راحت آغاز کنیم. مخصوصاً این که ایشان اشرف خوبی بر اصول کافی داشتند. اکنون دقیقاً خاطر من نیست در همان جلسه چه بحثی مطرح شد که بنده به یک حدیث اشاره کردم. در ادامه شهید تقوی یک بابی از اصول کافی را باز کردند. این موضوع نشان می‌داد که ایشان چقدر روی اصول کافی وقت گذاشتند. لذا همان جا برای

ما مسجل شد که شهید تقوی مرجع خوب و قابل اعتمادی هستند برای اینکه حداقل در خصوص تراث فرهنگی ناب تفکر شیعه از ایشان استفاده بکنیم.

ما شاید منابع مطالعاتی زیادی داشته باشیم، اما این که به متون اصلی خودمان رجوع کنیم و آبشخور ذهنی ما از این سرچشمه‌ها باشد خیلی مهم است. در نهایت مجموع روحیات شهید تقوی به علاوه آن سرزندگی ظاهری که ایشان داشتند موجب شد از همان روز رفاقت خودمان را آغاز کنیم.

یکی از ویژگی‌های بارز ایشان که به دلیل بهره‌مندی از روح بسیار بزرگ در ایشان مشاهده می‌شد، صبوری بود. در مواجهه چهره به چهره با افراد مختلف، در سطوح مختلف و از گروه‌های سنی متعدد مثل دانشجویان و اساتید بسیار خوب ارتباط برقرار می‌کردند. همچنین به دلیل مطالعاتی که در

خصوص اصول کافی داشتند، بار علمی و اطلاعاتی خوبی داشتند. لذا هم می‌توانستند تحلیل خوبی داشته باشند و هم قادر به ارتباط‌گیری با طیف‌های مختلف بودند.

شهید تقوی در ارتباط‌گیری با طیف‌های مختلف دانشجویان حقیقتاً توانمند بود؛ این نکته خیلی مهم است. خصوصاً در برخورد یک روحانی با افراد گوناگون در سطوح و سنین مختلف اهمیت ویژه دارد. شما در جامعه با انسان‌های مختلفی مواجه می‌شوید، ولی باید بتوانید به تناسب هر کدام، ارتباط مناسبی برقرار کنید. ایشان این توانمندی را داشتند که با طیف‌های مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند. مضافاً این که یک سابقه جبهه و جهاد در پشت سر ایشان بود که به صبوری ایشان کمک می‌کرد. پس صبر که بنا بر روایات، مفتاح و کلید پیروزی و فرج است، در حقیقت در شخصیت شهید تقوی آشکار بود.

● دغدغه‌های فرهنگی شهید تقوی بیشتر بر چه موضوعاتی بود؟

من به خاطر دارم آخرین مطالعات ایشان در رابطه با منظومه‌های اندیشه‌های مقام معظم رهبری در راستای تمدن‌سازی بود. انصافاً کار، کار خیلی ایده‌آلی بود. نمایشگاهی هم در خیابان حجاب در کانون پرورشی برگزار شد. این کار نشان می‌داد که شهید تقوی به این موضوع معتقد بود که اگر بخواهیم بنای تمدن اسلامی شکل بگیرد، می‌توان بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری این کاخ بلند تمدنی را ساخت. تمام تقسیم‌بندی‌های این بنا را بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری می‌توان به دست آورد. این موضوع حکایت از بعد مطالعاتی و عمق و ژرفاندیشی ایشان دارد.

کار ایشان عمدتاً کار میدانی و در صحنه بود. یادم هست یکبار در خصوص تدریس گروه معارف دانشگاه هنر برخی اساتید گفتند شما سرفصل‌ها را رعایت نمی‌کنید. ایشان گفتند: «آنچه را که مورد نیاز مخاطب است بگوئید. حالا از این سرفصل‌های کلیشه‌ای بیایید بیرون، شرعاً اشکالی ندارد. مهم این است که دانشجویان اکنون چه دردی دارند، دردها را درمان کنیم.»

این که در وسط میدان به صورت میدانی و در داخل گود مشکلات را حل کنیم، خیلی ارزش دارد تا این که در لابلای کتاب‌ها به جستجو بپردازیم. مثلاً یک طیفی از دانشجویان دانشگاه هنر که با هیچ روحانی‌ای ارتباط ندارند با ایشان خیلی راحت بودند. این نشان می‌دهد که شهید تقوی توانسته بود مرزهایی که به صورت ذهنی در دانشجویان

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



شکل گرفته بود را بشکند. حتی برخی دانشجویان، بعضی اوقات اندیشه‌ها و حیاط خلوت‌های فکری خودشان را با شهید تقوی مطرح می‌کردند و راه‌حل پیدا می‌گرفتند. شهید تقوی از این حیث توان‌مندی‌های خوبی داشت.

ایشان تمام مسائل دینداری را در متن جامعه دنبال می‌کرد. می‌شود انسان به‌تنهایی دیندار باشد، به کنج مسجد برود و مدام نماز بخواند. اما شهید تقوی معتقد بود اگر یک نفر می‌خواهد دیندار واقعی باشد این وظیفه اجتماعی‌اش کجای قصه است؟ این وظایف اجتماعی بخش اعظم شاکله شخصیتی انسان را شکل می‌دهد. یعنی انجام دادن یا عدم انجام این وظیفه به تناسب، تکمیل‌کننده یا باعث نقصان شخصیت یک فرد است و هم به نوعی نماد و حکایتگر شخصیت آدمی است. اگر من در داخل خانه خودم به‌تنهایی دیندار باشم اما در جامعه ورود پیدا نکنم، معلوم نیست که من یک دیندار واقعی باشم. چرا که دیندار واقعی باید در معرض خطرات باشد تا بتواند دینداری خودش را محک بزند.

#### ● شهید تقوی در این زمینه چه راهکاری ارائه داد؟

شهید تقوی با این دیدگاه می‌توانستند یک مبنایی را طراحی کند؛ گاهی که با هم صحبت می‌کردیم ایشان دنبال یک مبنا و راهکار بودند، برای این که ما بتوانیم در ارتباط با دانشجویان که هر کدام مانیفست منحصر به فرد خود را دارند، ارتباط موفق برقرار کنیم. با این که به دلیل تفاوت‌های فکری و شخصیتی افراد، نمی‌توان یک الگوی کلی درست کرد، اما مانیفست کار و مشترکات در بین احاد جامعه یک چیزی است که می‌توان آن را استخراج کرد. شهید تقوی دنبال این موضوع بود. این که چگونه می‌توان روحیات و اخلاقیات احاد جامعه را احصاء کرد و در عین حال برای هر کس یک مطالعات انفرادی هم داشت.

اگر ایشان در شرایط فرهنگی جامعه ورود پیدا می‌کردند، این باز می‌گردد به همان دغدغه‌هایی که در درونشان بود. همین دغدغه‌هاست که هویت انسان را تشکیل می‌دهد. شهید چمران می‌گوید: درجه آدمیت انسان‌ها به میزان دردها و رنج‌هایی است که می‌کشند. اگر انسان اهل درد نباشد معلوم نیست که چه مقدار با تقوا است. شاید تاکنون در معرض خطر و گناه واقع نشده و تصور می‌کند خیلی آدم خوبی است. اما باید بیاید در وسط جامعه، تا ببیند چه می‌شود.

خیلی‌ها به تنهایی آدم خوبی هستند اما وقتی در معرض خطا قرار می‌گیرند، می‌بینیم چقدر

دامن‌شان آلوده به گناه می‌شود. شهید تقوی به این خیلی معتقد بودند. در گروه معارف عمده نظر ایشان این بود که بیاییم در متن کار و مستقیماً با دانشجویان مواجه شویم. نقش پدری را کنار بگذاریم و به تعبیری «داداش بزرگه بچه‌ها» باشیم. نقش استادی را کنار بگذاریم تا دانشجویان با ما راحت باشند و بتوانند با ما

تعامل برقرار کنند. این روحیه بگو بخندی هم که در شهید تقوی وجود داشت عمدتاً به همین انگیزه‌ای که در درونش بود برمی‌گشت.

#### ● درباره آخرین دیدارتان با شهید تقوی بگویید؟ رمز استمرار رفاقت در این مدت چه بوده است؟

آخرین باری که در جلسه درس خارج مقام معظم رهبری ایشان را ملاقات کردم، از ایشان برای مراسم حکمت مطهر که به مناسبت سالروز شهادت استاد مطهری در دانشگاه صدا و سیما برگزار می‌شد دعوت کردم. قرار شد ایشان آخرین مطالعات و محصولات کاری خود را در این مجموعه گزارش دهند. ایشان صبح همان روز بر گزار مراسم به دفتر بنده آمدند و تا ظهر در خدمت ایشان بودیم.

ما ۲ سال در دانشگاه هنر با هم همکار بودیم. بعد از آن ۲ سال در موارد مختلف، با هم ارتباط کاری داشتیم. مثلاً آن زمانی که ایشان مسئول ایکن بودند، در جهاد دانشگاهی بنا بر این شد که کتاب عرفان اسلامی آیت‌الله مصباح یزدی مورد مطالعه قرار بگیرد. آن زمان دوره اوج عرفان‌ها کاذب بود. شهید تقوی از من خواست این کتاب، که برای دانشجویان به نسبت کتاب سنگینی است

را خلاصه کنم. بنده این کار را انجام دادم. ایشان هم یک تقدیرنامه‌ای به بنده دادند. خدا را شکر که در صحیفه ما یک تقدیرنامه از این شهید وجود دارد. بعد از آن، یک کتاب دیگری هم از آیت‌الله جوادی آملی بود که خلاصه کردم. ارتباط کاری ما به این صورت بود.

با این که رابطه کاری ما به طور منقطع و موردی بود اما دیدارهایمان در درس خارج مقام معظم رهبری استمرار داشت. بنده همیشه ایشان را در جلسه درس خارج رهبری زیارت می‌کردم و گاهی اوقات، مطالبی که حضرت آقا سر درس بیان می‌فرمودند را مورد مطالعه و کاوش قرار می‌دادیم. خصوصاً احادیث اول درس را که تخصص آن شهید بود. لذا به طور مستمر ارتباط چهره به چهره داشتیم. علت استمرار رفاقت بنده با شهید تقوی این بود که ایشان حقیقتاً با آدم رفیق بود و گارد نمی‌گرفت. در عین حال که حریم خود را نیز حفظ می‌کرد. مثلاً بنده یک بار درباره زندگی شخصی ایشان سوال کردم ایشان توضیحاتی در همین حد که بنده اطلاعاتی داشته باشم بیان کرد و بحث را تغییر داد. شهید تقوی انسانی بشاش بود، به طوری که آدم با او احساس راحتی می‌کرد. ایشان هم بشاش بود و هم مورد اعتماد. یعنی خیال آدم در کنار شهید تقوی راحت بود و ایشان را خیر خواه خود می‌دید. امیرالمومنین (ع) فرمودند بالاترین ثواب‌ها ثواب انصاف است. آدم وقتی می‌بیند فردی با انصاف سخن می‌گوید و منصفانه تحلیل می‌کند خیالش راحت می‌شود که می‌توان با او راه را ادامه داد.

حجت الاسلام میرمعزی:

# پیشبرد اقتصاد اسلامی در بعد رسانه‌ای انقلاب

دغدغه‌های مرحوم تقوی همواره متمرکز بر مباحث علوم انسانی و اسلامی بود، راه‌اندازی سرویس اقتصاد ایکننا با رویکرد اسلامی و پس از آن کرسی‌های نظریه‌پردازی در این خبرگزاری، از جمله ابتکارات او بود؛ حجت الاسلام والمسلمین سید حسین میرمعزی، معاون پژوهش حوزه‌های علمیه و رییس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که در زمان مدیریت حجت الاسلام تقوی با او در زمینه قرآن و اقتصاد همکاری داشته است؛ مشروح گفت‌وگوی میرمعزی با نشریه رایحه را در زیر می‌خوانید.

بنده از حدود ۹ سال پیش شهید تقوی را می‌شناسم و مبدا آشنایی مان خبرگزاری ایکننا بود؛ یادم هست او خیلی مجدانه پیگیر بود که در باره مباحث جدید در قرآن کار شود و از بنده به این دلیل که اقتصاد خوانده بودم و بر روی مباحث نظام اقتصادی اسلام کار می‌کردم، خواست که در رابطه با نظام اقتصادی در قرآن جلساتی در ایکننا برگزار کنم؛ پس از آن

حدود یکسال و نیم به ایکننا رفت و آمد داشتم و بحث اقتصاد اسلامی را ارائه می‌کردم و همان‌جا خدمت این شهید بزرگوار ارادت پیدا کردم.

## تشکیل اتاق فکر فعالیت‌های قرآنی

پس از آن هم مرحوم تقوی به قم آمد و برای ایکننا یک اتاق فکر جهت فعالیت‌های قرآنی تشکیل داد

و با صاحب‌نظران این حوزه رایزنی می‌کرد و من هم در انجام این مسئله در کنارش بودم، تا اینکه پس از اتمام مسئولیتش در ایکننا در فعالیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور یافت، بعد از آن هم به تناسب فعالیت‌ها با هم ارتباط داشتیم.

راه‌اندازی سرویس خبری اقتصاد خبرگزاری ایکننا زمانی که مباحث اقتصاد اسلامی را در ایکننا به صورت کلی ارائه می‌کردم، روال کار این‌گونه بود که هر ۲ هفته یکبار کرسی برگزار می‌شد و خبرنگارها می‌آمدند و موضوعاتی که بنده ارائه می‌کردم، پیاده و تنظیم می‌کردند و آن مباحث به ۳ زبان منتشر شد؛ در جشنواره‌ای قرآنی هم که قاریان قرآن را از سراسر کشور دعوت می‌کردند و مرحوم تقوی مسئول برگزاری آن بود، مباحث اقتصاد اسلامی به همت او در قالب کتابی عرضه شد.

زمینه راه‌اندازی سرویس اقتصاد خبرگزاری ایکننا هم، پس از این کرسی‌ها، او با من مشورت کرد و خیلی علاقه‌مند بود که این سرویس راه بیفتد و تلاش‌های زیادی در این خصوص انجام داد تا اینکه نهایتاً این تلاش‌ها به راه‌اندازی این سرویس منجر شد.

مرحوم تقوی برای کارشناسان علوم انسانی اهمیت بسیاری قائل بود؛ او دغدغه‌های بسیاری در بحث علوم انسانی داشت، مخصوصاً زمانی که مقام معظم رهبری تأکید داشتند؛ علوم انسانی باید بر اساس مبانی قرآنی تولید شود، او هم بسیار دغدغه‌مند بود که مطالبات رهبری را دنبال کند و حرکت‌های قابل توجهی در راستای آن و در حد مقدرات خودش انجام دهد و لذا به این بحث بسیار اهتمام داشت و در رشته‌های

## دیدگاه

## فرق جهاد و حماسه

فرق جهاد و حماسه در این است که حماسه امری بالاتر و والاتر از جهاد تلقی می‌شود؛ به‌عنوان مثال اگر یک نفر دو برابر ظرفیت خود تلاش کند می‌توان حرکت او را جهاد گونه دانست، اما زمانی که ۱۰ برابر ظرفیت خود تلاش کند آن را فراتر از جهاد می‌دانیم و حماسه می‌نامیم.

سرویس جهاد و حماسه سعی کرده با شروع از جهاد، زمینه را برای حماسه فراهم کند، آنچه در سال حماسه سیاسی و اقتصادی است و عصر، عصر انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور است از این رو این امر، جز با حرکت‌های حماسی امکان‌پذیر نخواهد بود و رخ نخواهد داد؛ البته در بخش حماسه الزام ندارد که همه حماسی باشند، اگر اغلب

جهادی بوده و بر خلی حماسی باشند کار به سرانجام می‌رسد، امامی بایست به نقطه اوج توجه داشت که عصر و زمان ما به دنبال انسان‌های حماسه‌ساز است.

در بدو نظر جهاد و حماسه، تداعی گر دفاع مقدس است و ما هم همین تلقی را داریم چراکه بخشی از دفاع مقدس جهادی و بخشی دیگر حماسی بود و خیلی از این صحنه‌ها رویکرد حماسی داشت چه در عرصه میدانی، جنگی، محاصره‌ها و تک و پاتک‌ها و چه در حوزه جانبازی؛ در دیداری که از جانبازان آسایشگاه نارالله داشتیم روحیه آن‌ها و نوع نگاه آن‌ها فراتر از جهاد و حماسه بود و همه ما از عظمت روحی و فکری آن‌ها زمین‌گیر شدیم.

بنا داریم شاخ و برگ سرویس جهاد و حماسه بر سر همه سرویس‌های خبرگزاری ایکننا و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ما باشد؛ در واقع این سرویس از یک جهت

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی





می‌یافت، این یک حرکت نو و اثربخش بود. دغدغه‌های شهید تقوی متمرکز بر مباحث علوم انسانی، اسلامی و آموزه‌های قرآنی بود و آنچه در او برجسته بود، اخلاص و روحیه جهادی‌اش در کارها بود که این برای ما درس آموز است، هر ضرورتی را که تشخیص می‌دادند می‌تواند در راستای خدمت به اسلام و قرآن باشد، باروحیه جهادی و اخلاص تمام وارد عرصه می‌شدند و کار می‌کردند و این بارزترین ویژگی او بود و شهادتش هم مزد اخلاصش در فعالیت‌هایش بود.

و برای تحقق این مسئله سعی می‌کرد تا افرادی را که در رشته‌های مختلف در مباحث قرآن کار کرده بودند، شناسایی کرده و از آن‌ها برای یک کار ابتکاری در ایکننا و راه‌اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی بر اساس قرآن دعوت می‌کرد. کرسی هم به این صورت بود؛ یک استادی که نظریه‌ای داشت به همراه جمعی از صاحب‌نظران دانشگاهی و اصحاب رسانه دعوت می‌شدند، استاد مربوطه مباحث خود را ارائه می‌کرد و سپس جلسه با پرسش و پاسخ پیرامون نظریه آن استاد ادامه

مختلف و با افراد متخصص در هر حوزه صحبت می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست در رشته خودشان و بر اساس دیدگاه قرآن کاری را عرضه کنند و در همان راستا بود که از من خواست بحث نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن را ارائه دهم که به راه‌اندازی سرویس اقتصاد در خبرگزاری ایکننا منجر شد.

### برپایی کرسی‌های نظریه‌پردازی در راستای توسعه علوم انسانی مبتنی بر قرآن

تقوی عموماً در فضای ستادی و اجرایی کار می‌کرد

حماسه چیززی است که از اعماق قلب و جان و فکر انسان برمی‌خیزد و حماسه با آن خلق می‌شود؛ اگر هر چیزی ما را از توجه به ریشه‌های فکری و عقیدتی و فرهنگی منحرف کند و منتظر حوادثی باشیم که بخواهد از بیرون رقم بخورد، این باعث می‌شود که فرصت را از دست بدهیم و این امر کار را سخت‌تر خواهد کرد. سرویس جهاد و حماسه به دنبال این است که جلوی این غفلت‌ها را بگیرد و در این ایام که دوران حماسه اقتصادی کشور است، این سرویس به‌طور خاص مأموریت دارد که از دفاع مقدس و حماسه آن شروع کند و به این بعد از حیات اجتماعی توجه و نورا فکنی کند؛ این هدف، دغدغه‌سخت و هدف بلندی است. امیدواریم به برکت روح و عظمت شهدا و جانبازان، با بصیرت حرکت کنیم چرا که بصیرت در سایه روحیه جهادی و حماسی رخ خواهد داد.

به دلیل خدماتی که برای مخاطبان هست راه‌اندازی می‌شود و از سوی دیگر خودمان به راه‌اندازی چنین گروهی نیاز داشتیم؛ شخشا و قلبا احساس کردیم اگر بخواهیم در مسیر خود موفق باشیم نیاز به درجه‌ای داریم تا ما را به فضای عطر آگین جهاد و حماسه وصل کند؛ تا مسیر را گم نکنیم و در پیچ‌وخم‌های مسیر دچار انحراف نشویم. این ایام باید طوری می‌بود که فضای جامعه ما را حماسه اقتصادی در برمی‌گرفت اما احساس می‌شود که از این موضوع غفلت شده و گاهی وقت‌ها برخی، خواسته یا ناخواسته ذهنشان به دنبال سرابی است که شاید با بهبود رابطه با آمریکا اوضاع اقتصادی دگرگون شود و این می‌تواند یک انحراف باشد، از این منظر که حماسه همیشه ریشه در باورها و عقاید ما دارد.

# قدر مخفی

فحوا و بن‌مایه اصلی این کتاب از مجموع سخنرانی‌های چند سال حجت‌الاسلام تقوی در ایام فاطمیه تشکیل شده است؛ در این کتاب بیش از هر چیزی تلاش شده تا نوعی نگرش و زاویه تفکر برای مخاطب ایجاد شود، نه قرار دادن او در مقابل موجی از اطلاعات گوناگون؛ به باور نویسنده، مصداق بارز این تفکر حضرت زهرا(س) است؛ به همین دلیل این کتب بیشتر برای اهل تدبیر مناسب است و اصلی‌ترین جامعه آماری مخاطبان را در میان این گروه دارد. پیش از محتوا که به ساحت قدسی بانوی دو عالم

حضرت زهرا(س) پرداخته است، سبک نگاه خاص این کتاب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ ایام فاطمیه، عاشورا و دیگر مناسبت‌های دینی و مذهبی علی‌رغم اینکه فرصت بسیار مناسبی برای نشر معارف دین محسوب می‌شود، به دلیل برخی آسیب‌ها مثل مجالس و مباحث متداول و تکراری که مطرح می‌شود، نمی‌تواند مخاطب را از حد خاصی بالاتر ببرد. در اولین گام و به‌عنوان اولین هدف، در این کتاب تلاش شده نوع نگاه به اهل‌بیت(ع) تغییر کند و به همین جهت ۹۰ درصد کتاب به تدبیر و ۱۰ درصد

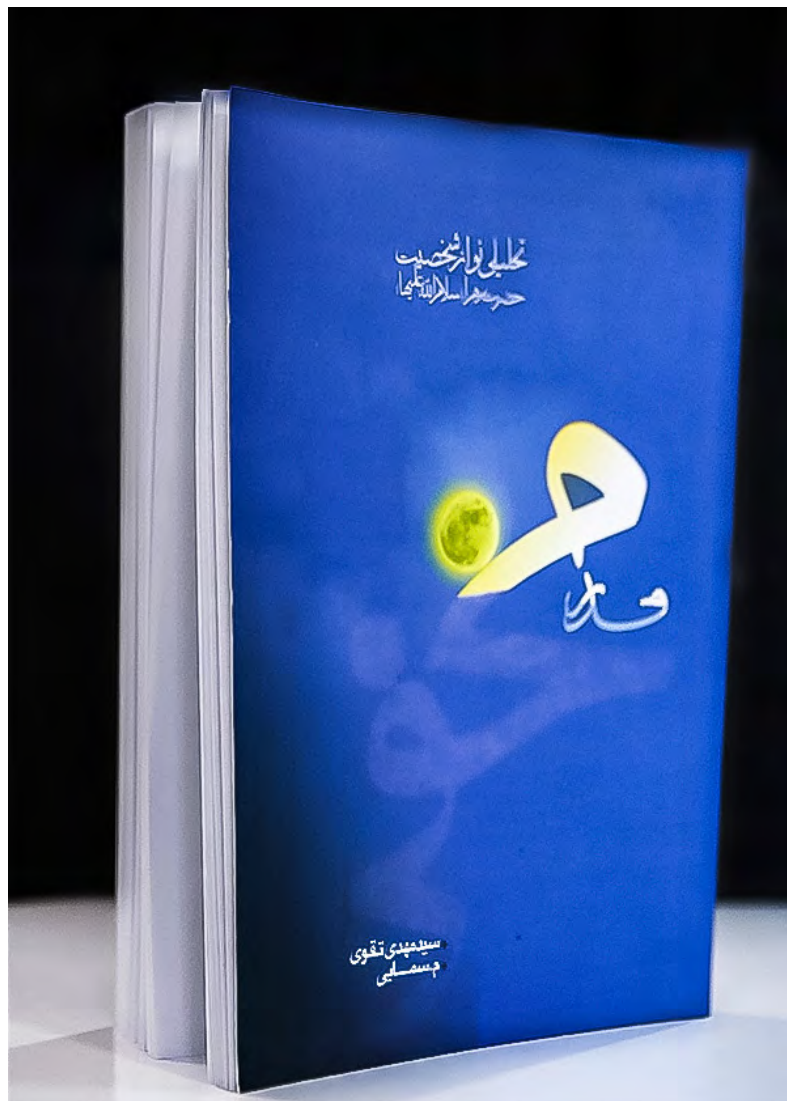
آن به تتبع اختصاص دارد؛ اگرچه شاید در این ۱۰ درصد تمام آثار مهم و مطرح این حوزه مدنظر قرار گرفته شده است.

حضرت زهرا(س) تاثیرگذارترین شخصیت در اصلاح فرد و جامعه در عالم خلقت است؛ در مجموع نگاه به اهل‌بیت(ع) باید تغییر کند و این نگاه تنگ‌نظرانه باید کنار گذاشته و اهل‌بیت(ع) در جایگاه واقعی آنکه انسان‌های جهانی و فرازمانی و مکانی هستند، قرار داده شود؛ به‌عنوان مثال در مورد قبر مخفی فاطمه زهرا(س)، دو نوع دیدگاه می‌توان مطرح و بررسی کرد؛ ابتدا نگاهی سنتی و کلیشه‌ای است که این اتفاق را محدود به ناراحتی از چند نفر می‌کند؛ نگاه دوم نیز اعتقاد دارد که این عمل برای نوعی روشنگری تاریخی انجام شده که شامل تمام دوره‌ها از جمله دوران غیبت می‌شود.

در نگاهی به سیره حضرت زهرا(س) متوجه می‌شویم که همه رفتارهای ایشان دارای آهنگ الهی است، حتی لحظه‌ای که برای تعجیل در وفات خود دعا می‌کنند؛ نکته قابل توجه در این میان آنکه رفتارهای حضرت صدیقه کبری(س) را نمی‌توان تنها از منظر سیاسی و در راستای تثبیت جایگاه حضرت علی(ع) بررسی کرد، چراکه شمول آن فرای این مبحث است.

در این اثر تلاش شده تا مقصود اصلی از رفتارهای حضرت زهرا(س) به‌عنوان شاکله و نخ تسبیح بحث معرفی و بیان شود؛ در نقاطی از بحث‌های مطرح شده برای اتصال به اصل موضوع به‌ناچار از مسیر بیان اتفاقات و قسمتی از تاریخ استفاده شده است؛ در واقع حوادث بعد از رحلت آینه‌ای است که ما می‌توانیم عظمت این شخصیت را بهتر درک کنیم. در این اثر تلاش شده تا با نوعی آسیب‌شناسی، ریشه مشکلات و مسائل جوانان و جامعه را بررسی کنیم؛ در پایان این جستارها به این نتیجه رسیده‌ایم که فقدان بهره‌مندی از جاذبه‌ای به نام حضرت زهرا(س) باعث تمام ناکامی‌های جوانان و جامعه است.

حضرت فاطمه(س) در طول حیات مدام در تلاش بوده‌اند تا خلق را به نبی مکرم اسلام(ص) و در ادامه به وصی برحق ایشان متصل کنند؛ اگر قرار باشد در کتابی به معرفی اسلام بپردازیم، طرح جلد آن باید حضرت فاطمه(س) باشد، اما متأسفانه معرفی اسلام جایگاه ایشان آن‌طور که باید معرفی نشده و در واقع قبر او مخفی است و قدرش را ما مخفی کرده‌ایم؛ برای فهم مطالب کتاب، حفظ نظم مطالعات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه در آن تلاش شده تا در ابتدا به طرح مسئله و مشکل و در ادامه به راه‌حل و شیوه حل آن اشاره شود.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



ویژگی‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی



از نهادتاجهاد



# جانبا ز انقلاب و خادم قرآن

ایشان فردی مومن و با اخلاق بود، اگر چه با ورودم به ساختمان مرکزی جهاد، ارتباط نزدیک کاری با ایشان نداشتم، اما به همان میزان که با وی در ارتباط بودم و در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد و با یکدیگر ملاقات داشتیم، وقتی در مورد مسائل کشور و جهاد صحبت می‌کردند، ایشان را فردی دلسوز و فداکار می‌دیدم، ایشان جانبا ز انقلاب و خادم قرآن بود.

در دوره‌ای که ایشان مسئولیت سازمان فعالیت‌های قرآن و خبرگزاری ایکنار را بر عهده داشتند و بنده مجدد به جهاد دانشگاهی علم و صنعت برگشتم، ارتباط دوستانه ما همچنان برقرار بود و پس از آن زمانی که مجدد مسئولیت جهاد برای بار دوم و سوم به من واگذار شد، این ارتباط عمیق‌تر از قبل شد.

مرحوم تقوی چندی پیش ابراز علاقه کردند که در مجلس شورای اسلامی مشغول فعالیت باشند و بنده نیز موافقت کردم. در این مدت هم ارتباط نزدیکی با جهاد دانشگاهی برقرار بود و درباره مسائل مختلف کشور با یکدیگر صحبت می‌کردیم.

## ● شهید تقوی چه ماموریتی در مجلس شورای اسلامی داشتند؟

مجلس شورای اسلامی طبق قوانین می‌تواند از برخی سازمان‌ها درخواست کند که افرادی را برای همکاری با مجلس مامور کنند، برخی نمایندگان تمایل داشتند با جهاد دانشگاهی در ارتباط باشند و پس از آن درخواست خود را با مادر میان گذاشتند. مرحوم تقوی نیز که خودشان تمایل داشتند به عنوان نماینده جهاد دانشگاهی در مجلس حضور یابند، به آنجا رفتند.

اگر چه ایشان به فیض شهادت رسیدند و جهاد دانشگاهی، همکاری خوب و انقلابی را از دست داد، اما آنچه که اهمیت دارد این است که این اعمال ننگین تروریستی باعث نمی‌شود مردم مادر کشور احساس ناامنی کنند و یاد اتحاد و اراده آن‌ها در مبارزه با استکبار، آمریکا و ایادی آن‌ها خالی وارد نشود. ان شاء الله هر چه زودتر شر آن‌ها و ایادی پلیدشان همچون تکفیری‌ها، از جهان اسلام کنده خواهد شد.

شهید تقوی فردی مومن و با اخلاق بود؛ وقتی در مورد مسائل کشور و جهاد دانشگاهی صحبت می‌کردند، ایشان را فردی دلسوز و فداکار می‌دیدم و حقیقتاً جانبا ز انقلاب و خادم قرآن بود؛ جهاد دانشگاهی، همکاری خوب و انقلابی را از دست داد. سید حمیدرضا طیبی، رئیس جهاد دانشگاهی در گفت‌وگویی به فعالیت‌ها و خدمات شهید تقوی در دوران مسئولیت خود در جهاد دانشگاهی اشاره می‌کند.

## ● آشنایی شما با شهید تقوی و فعالیت‌های ایشان چگونه بود؟

بنده از ابتدای مسئولیت در جهاد دانشگاهی و ارتباط با ایکنار، با شهید تقوی آشنا شدم، تا زمانی که در جهاد دانشگاهی علم و صنعت مسئولیت داشتم، ارتباطی با سازمان فعالیت‌های قرآنی و ایکنار نداشتم، اما از آن زمان که مسئولیت جهاد دانشگاهی را عهده‌دار و با ایکنار آشنا شدم، مرحوم تقوی را در این سازمان مشغول فعالیت دیدم.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

# شوق شهادت

مرحوم تقوی از سوی جهاد دانشگاهی در مجلس شورای اسلامی ماموریت داشت و در دفتر مبلغان مشغول خدمت بود، او خیلی علاقه‌مند بود که به جبهه‌های نبرد با داعش برود و کار در مجلس اقماعش نمی‌کرد، شوق شهادت در وجودش شعله می‌کشید؛ علیرضا زجاجی، مشاور رییس و مدیر کل حوزه ریاست جهاد دانشگاهی و معاون فرهنگی سابق این نهاد در این گفت‌وگو به روحیات جهادگری و شهادت‌طلبی این شهید اشاره می‌کند.

ابتدا لازم است، شهادت همکار عزیزمان، جهادگر جانباز، حجت‌الاسلام سید مهدی تقوی را تبریک و تسلیت عرض کنم؛ یادم هست سال ۸۹ و در آغاز روزهایی که به‌عنوان معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی انتخاب شده بودم، به یمن و برکت قرآن تصمیم گرفتم اولین ملاقات را با همکارانم داشته باشم و آن زمان یادم هست آقای دکتر علیزاده و دوستان دیگر به همراه آقای تقوی دفتر به معاونت فرهنگی جهاد تشریف آوردند؛ از آنجا با آقای تقوی آشنا شدم و پس از آن هم که در ایکنسا و سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور

مسئولیت گرفتند، به دلیل اینکه بنده پیش‌تر در ایکنسا و سازمان فعالیت‌های قرآنی و شورای مرکزی حضور داشتم، با یکدیگر مرادآتمان بیشتر شد. با توجه به روحیات او که از رزمندگان دفاع مقدس نیز بود، خاطر م هست سفری به جنوب لبنان داشتیم و از قسمت‌هایی مرزی لبنان و اسرائیل بازدید کردیم؛ همان‌جا شهید تقوی می‌گفت باید به حزب‌الله و شیعیان لبنان کمک کنیم؛ زمانی هم که مدافعان حرم به سوریه اعزام می‌شدند، شهید تقوی تازه به مجلس شورای اسلامی مامور شده و در دفتر مبلغان مشغول خدمت بود با این حال شوق عجیبی برای حضور در جبهه‌های نبرد با داعش داشت. تقریباً ماهی یک‌بار همدیگر را ملاقات می‌کردیم، شوق او به نبرد با داعش مثال‌زدنی بود و خیلی علاقه‌مند بود که به جبهه‌های نبرد با داعش برود و کار در مجلس اقماعش نمی‌کرد، شوق به شهادت در وجودش شعله می‌کشید؛ حال تقدیر این‌گونه بود که مرحوم تقوی در دوران هشت سال دفاع مقدس به نبرد حق علیه باطل در گردان تخریبی‌های لشکر ۲۷ عمار به درجه جانبازی نائل آید و سال‌ها بعد، پس از سال‌ها خدمت‌گزاری در مجلس شورای اسلامی به آرزویش برسد و شربت شهادت را بنوشد.



سعید پورعلی:

# پیوند میان حوزه و دانشگاه

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های جهاد دانشگاهی در عرصه فعالیت‌های قرآنی ارتباط مستمر و تنگاتنگ با حوزه‌های علمیه، مراجع تقلید و روحانیت معظم است. با همین رویکرد، برخی روحانیان در سازمان فعالیت‌های قرآنی به عنوان همکار و همراه در کنار ما هستند. مرحوم شهید تقوی، یکی از روش‌های مبارک این پیوند میان حوزه و دانشگاه بود. سعید پورعلی، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی مولفه‌های اصلی در پیشبرد اهداف فرهنگی و نقش شهید تقوی در این باره می‌گوید.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

از تعالیم منور و نورانی اسلام و قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) این موضوعات را برجسته کنیم، اینکه بتوانیم از پژوهش‌های علمی و فرهنگی برای برجسته‌سازی این مفاهیم و گفتمان‌سازی بهره‌بریم، بتوانیم از طریق فضای رسانه‌ای و مشارکت دادن دانشگاهیان در گفتمان‌سازی این مفاهیم را با ترجمه‌های رسانه‌ای و فعالیت‌های رسانه‌ای در عرصه عمومی عمق ببخشیم، بتوانیم با تولید داده‌های اجتماعی و داده‌های فرهنگی و داده‌های سیاسی و مشارکت دانشجویان در فرایند تولید این داده‌ها نقش خودمان را ایفا کنیم. مهم‌ترین سرمایه جهاد دانشگاهی برای برجسته‌سازی این عناصر، حضور جامعه دانشگاهی و دانشجویی کشور در درون جهاد دانشگاهی است. ما بر این اعتقادیم که سرمایه اجتماعی و فرهنگی نهاد علم و دانشگاه به‌ویژه حضور دانشجویان، اساتید و اعضای هیئت علمی می‌تواند برای برجسته‌سازی این مفاهیم کمک کند.

جهاد وظیفه خود می‌داند با حفظ احترام به تنوع دیدگاه‌ها و سلیقه و پذیرش اصل تفاوت‌های سازمانی و علمی تنوع را به خدمت برجسته‌سازی این گفتمان‌ها قرار دهد. یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین عرصه فعالیت‌های جهاد دانشگاهی، فعالیت‌های قرآنی این نهاد است، جهاد بر این اعتقاد است که قرآن، رمز وحدت جهان اسلام و سرمایه بی‌بدیلی است که در خدمت عزت‌بخشی و اعتلای مسلمین می‌تواند نقش موثری ایفا کند. انس و الفت با قرآن، تعمق و تدبر در قرآن و در یک کلام ارتقای فرهنگ دینی و قرآنی جوامع اسلامی، به‌ویژه جوامع شیعی، رمز استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و تکریم علم و عالم است.

با همین نگاه جهاد از بدو تاسیس تلاش کرد با رویدادسازی بر محور قرآن و اهل بیت (ع)، بتواند در ایجاد فضای انس و الفت با قرآن ایفای نقش کند. طراحی رویدادهایی مانند مسابقات قرآن دانشجویان، کانون‌های قرآنی در سطح دانشگاه‌ها، برگزاری جلسات تدبر و تفسیر در دانشگاه‌ها، انتشار کتب قرآنی، برگزاری کلاس‌های آموزشی قرآن، برگزاری مسابقات متنوع و متعدد در عرصه قرآنی، تاسیس خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، برگزاری مسابقات بین‌المللی دانشجویان جهان اسلام، بهره‌مندی از فناوری‌های نوین برای توسعه و ترویج فرهنگی قرآنی، دامن زدن به امر پژوهش‌های قرآنی، تاسیس مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان با تاسیس مرکز رشد و فناوری هنرهای قرآنی و ایجاد هم‌افزایی میان سازمان‌ها و نهادهای فعال در عرصه قرآن، بخش‌هایی از فعالیت‌های این نهاد است.

## ● مرحوم شهید تقوی در پیشبرد این اهداف چه نقشی داشتند؟

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های جهاد دانشگاهی در عرصه فعالیت‌های قرآنی ارتباط مستمر و تنگاتنگ با حوزه‌های

تمام ارکان و شئون جامع دانشگاهی و نیز فرایندهای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور است. بر همین اساس جهاد دانشگاهی سعی کرده در فعالیت‌های فرهنگی خود این مولفه‌ها را برجسته کند، بحث استقلال را، بحث آزادی به‌ویژه آزادی‌های آکادمیک، بحث مردم‌سالاری دینی و حاکمیت گفتمان علم و احترام نهاد علم در جامعه، برای اینکه بتواند در این مسیر گفتمان‌سازی کند، تلاش کرده از مولفه‌های آموزش، پژوهش و فرهنگ استفاده کند.

در حوزه‌های فرهنگ سعی کرده‌ایم بتوانیم با بهره‌مندی

## ● قبل از ورود به بحث، بفرمائید مولفه‌های اصلی در پیشبرد اهداف فرهنگی چیست؟

جهاد دانشگاهی به عنوان یک نهاد انقلاب اسلامی و برآمده از انقلاب فرهنگی، تلاش جدی و مستمری را برای حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های کشور به‌ویژه در میان جامعه جوان دانشجو دنبال کرد. گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب فرهنگی، چند ویژگی بارز و برجسته دارد؛ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این گفتمان بحث استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و همچنین حاکمیت گفتمان علم در



علمیه، مراجع تقلید و روحانیت معظم است. با همین رویکرد، برخی از روحانیون رادر سازمان فعالیت‌های قرآنی به عنوان همکار و همراه در کنار خودمان داریم، مرحوم شهید تقوی، یکی از رویش‌های مبارک این پیوند میان حوزه و دانشگاه بود. ایشان به دعوت استاد رحیم خاکی، رئیس وقت سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان پایه‌این نهاد و سازمان گذاشتند و در کنار سایر همکاران جهادگر، تلاش کردند که در مسیر توسعه، تعمیق و ترویج فرهنگ قرآن، از ایده‌تاریخ و رویداد حضور موثری داشته باشند.

### ● دستاوردهای حضور شهید تقوی در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور چه بود؟

من به عنوان یکی از همکاران شهید تقوی می‌توانم این شهادت را بدهم که ایشان از تمام سرمایه علمی، اجتماعی و فرهنگی خود برای ترویج فرهنگ قرآن و عترت با انگیزه و مسئولیت‌شناسی بسیار بالا به خوبی استفاده کرد. شهید تقوی در سازمان فعالیت‌های قرآنی هم به عنوان یک همکار و بعدتر به عنوان مسئول سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور، توانست در ارتقای سطح فعالیت‌های این نهاد نقش خوبی ایفا کند. بخشی از تاریخ سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور مدیون زحمات و خدمات شایسته و بی‌منت مرحوم تقوی است.

حسن و سلوک و دغدغه انقلابی و دینی مرحوم شهید تقوی از فرازهای ماندگار در خاطره سازمانی جهادگران است. من می‌توانم شهادت بدهم که شهید تقوی تلاش داشت همواره به دور از حاشیه‌سازی‌ها و جناح‌بندی‌های

سیاسی و یا حرفه‌ای همه کسانی را که انگیزه خدمت به قرآن و توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی داشتند را زیر چتر سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان جمع آورده و فضای مشارکت و ایده‌پردازی در این حوزه را با اتکا به همه ظرفیت‌های جامعه قرآنی فراهم آورد.

بی‌شک جایگاه امروز سازمان فعالیت‌های قرآنی مدیون زحمات و خدمات شهید تقوی است. ایشان به عنوان یک روحانی فاضل توانست اعتماد دانشجویان و اساتید دانشگاه را برای حضور و مشارکت در سازمان و رویدادهای قرآنی فراهم آورد. با دستگاه‌های مرتبط با امر قرآن در کشور، ارتباط خوبی برقرار کند، از فرصت‌های موجود در فضای قرآنی کشور برای ارتقای فعالیت‌های سازمان استفاده کند و با نهادهای تصمیم‌ساز و همچنین تصمیم‌گیر در هر سه قوه به ویژه مجلس شورای اسلامی، تعامل خوبی برقرار کند.

به باور من شهید تقوی همان‌گونه که در عرصه دفاع مقدس با روحیه جهادی و در کسوت رزمنده به دفاع از استقلال، آزادی و مردم‌سالاری دینی پرداخت، این بار در کسوت یک نیروی جهادی، عضو هیئت علمی و پژوهشگر قرآن و همچنین مدیر یک سازمان قرآنی بزرگ، دست از تلاش جهادی و دشمن‌شکن برنداشت. بی‌شک زندگی کسی که همواره با مسئولیت‌شناسی، جهاد و تلاش انقلابی رقم خورده است، پایانی جز شهادت نمی‌تواند داشته باشد. به باور من بخشی از پاداش تلاش و زحمات ایشان، جز اجر شهادت نبود. امیدوارم خداوند رحمان او را در کنف مغفرت و رحمت بی‌پایان خود و همجوار با اهل قرآن و ذکر، اولیا و شهدا محشور بدارد.

### ● اگر خاطره‌ای از ایشان دارید، بفرمایید.

زمانی که در سال ۱۳۸۵ به عنوان معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی منصوب شدم، برای بازدید به سازمان فعالیت‌های قرآنی آمدم و در آنجا شهید تقوی را که در آن مقطع به عنوان مشاور آقای خاکی ایفای نقش می‌کردند، در یک اتاق نه چندان بزرگ ملاحظه کردم و خاطره جالب و خوبی که از ایشان داشتم این بود که ایده‌های بسیاری خوبی برای توسعه فعالیت‌های قرآنی در جلسات رسمی که با مسئولین سازمان فعالیت‌های قرآنی داشتیم، مطرح می‌کردند. نگاه‌های بلند ایشان در عرصه فعالیت‌های قرآنی و همچنین تواضع شخصیتی ایشان برای من بسیار برجسته بود، همین الان هم تصویر ذهنی من از مرحوم شهید تقوی با همین نگاه بلند در حوزه فعالیت‌های قرآنی و تواضع شخصیتی گره خورده است.

به عنوان یک روحانی، خود را بسیار به دانشجویان نزدیک می‌کرد و دانشجویان هم با ایشان احساس نزدیکی می‌کردند، من فکر می‌کنم که این حس دوطرفه به تواضع شخصیتی ایشان برمی‌گشت. امیدوارم همکارانم در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور، نگاه‌های بلند مرحوم تقوی را جامه عمل بپوشانند و ایده‌ها و ایده آل‌هایی که ایشان برای توسعه فعالیت‌های قرآنی در کشور داشتند، به‌ویژه ارتقای کیفی فعالیت رسانه‌ای خبرگزاری و همچنین پژوهش‌های قرآنی را دنبال کنند.

## میراث ماندگار جهادگر شهید

حمید صابر فرزام، رئیس سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور با اشاره به سابقه مجاهدتهای شهید حجت‌الاسلام تقوی، از ثمرات پایدار خدمات ایشان در عرصه فرهنگی - قرآنی کشور تقدیر کرد.

شهادت همسنگر و همکار جهادی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی تقوی مایه غم و اندوه همه همکاران جهاد دانشگاهی و دوستان و یاران ایشان در سازمان فعالیت‌های قرآنی است. همسنگر عزیز، جانباز و مجاهد حجت‌الاسلام تقوی از فعالان عرصه فرهنگی - قرآنی بود که دل در گرو خدمت به انقلاب و نظام اسلامی داشت و چندین سال در کسوت ریاست سازمان فعالیت‌های قرآنی و مدیریت ایکنابه مجاهدت پرداخت و ثمرات فعالیت‌ها و همچنان بریاست.

عروج آسمانی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی تقوی، رئیس سابق سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور و مدیرعامل سابق خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) را در حادثه تروریستی که توسط تکفیرهای خبیث و ددمنش داعش در مجلس شورای اسلامی صورت پذیرفت به عموم مؤمنین و اصحاب رسانه تسلیت می‌گویم.

ایشان که از مجاهدت‌های علمی دریغ نداشت همیشه در سنگر ایمان و دیانت پیشرو بود و با فداکاری و مجاهدت در راه ترویج ارزش‌های اسلامی گام برمی‌داشت، راهش پر رهرو باد.



# وقف فعالیت‌های قرآنی

مرحوم تقوی فردی بود که خود را وقف فعالیت‌ها و اهداف قرآنی کرده بود و در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور، منشا اقدامات خوبی شد و یادگارهایی را به جا گذاشت و در دوران مسئولیتش در جهاد شاهد ابتکارات خوبی هستیم که از آن جمله ارتباط وثیق با بیوت مراجع عظام، حوزه‌های علمیه و نهادهای مرتبط فرهنگی و دانشگاهی است. با علیرضا کلانتر مهرجردی، عضو و مدیر گروه مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی که سابقه آشنایی ایشان به چند سال اخیر و عضویت شهید تقوی در جهاد دانشگاهی برمی گردد و البته این آشنایی زمینه ارتباط خانوادگی و بعضاً حضور در جلسات دینی و معرفتی را نیز فراهم آورده است. از این رو نشریه رایحه در خصوص ویژگی‌های شخصیتی شهید تقوی گفت و گویی داشته است که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

برای آشنایی با کم و کیف حضور باید با هم‌زمانش که به گفته خودش تعداد اندکی مانده‌اند گفت و گو کرد؛ در ادامه مسیر بعد از جنگ هم او با کسب سطوح اولیه آموزش‌های حوزوی، حضور در عرصه‌های گوناگونی از فعالیت‌های تجربه کرده که وجه اشتراک همه آن‌ها، دغدغه‌مندی فرهنگی است و در واقع به تشخیص او، این عرصه نیاز به حضور، اقدام و ارتقا بیش از پیش دارد؛ انتخاب او طی سال‌های اخیر حضور در نهاد مقدس جهاد دانشگاهی بود که موجب آشنایی جهادگران و از جمله بنده با او فراهم ساخت؛ شهید تقوی که فعالیت خود را با حوزه مطالعات و پژوهش‌های قرآنی در سازمان فعالیت‌های قرآنی جهاد آغاز کرده بود، پس از مدتی به‌عنوان مسئول این سازمان و مدیرعامل خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) منصوب شد. یکی از خصلت‌های ایشان داشتن نگاه بلند در کار بود و اینکه می‌توان به آن دست یافت، قطعاً این برگرفته از همان تجربه دفاع مقدس و حضور در حوزه علمیه و انس بیشتر با معارف قرآنی و تلمذ در محضر درس مقام معظم رهبری است؛ اندیشیدن به مصائب و مشکلات امت اسلامی و دغدغه‌مندی زیاد او در این حوزه و تلاش در حدوسع جهت به‌کارگیری همه فرصت‌ها و امکانات به‌منظور تحقق اقدام و آرمان، ناشی از همین نگاه بوده است.

## نگاهی به نقش شهید تقوی در پیشبرد اهداف اسلامی و قرآنی

مهم‌ترین هدف در عرصه فرهنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیشبرد اهداف اسلامی و قرآنی است؛ اسلام و قرآن مهم‌ترین ارکان انقلاب بودند و اساساً انقلاب ما

کرده است و نهایتاً حضور در عرصه کارزار و فعالیت فرهنگی است که این خود، رسماً با عضویت در نهاد مقدس جهاد دانشگاهی عین می‌شود، علی‌رغم فعالیت‌های فرهنگی دیگری که داشته‌اند.

لذا نتیجه می‌گیریم اندیشه و کار جهادی شهید تقوی حداقل از همان مرحله دوم یعنی دوران دفاع مقدس شکل گرفته، اگرچه این روحیه را اوامدار مرحله اولیه زندگی خود است؛ بنا به قول و گفته خود شهید، عمده حضورشان در عرصه جنگ و مبارزه با تجاوزگران بعثی، در گردان تخریب بوده است که قطعا رزم در آن دسته و رسته دل‌جرت و ایمان بالایی را می‌طلبد و البته این به آن معنا نیست که این خصیصه در سایر هم‌زمان ایشان نبوده است، بلکه امروز اگر قرار بر طیفی از حضور باشد، این انتخاب ایشان، انتخاب آخر طیف است که شهید تقوی برگزیده است؛ جادار داینجا دو بیت شعر از شاعر معاصر میلاد عرفان‌پور را روایت کنم که به حق در وصف برگزیدگانی چون ایشان است:

ما سینه زدیم بی صدا باریدند / از هر چه که دم زدیم آن‌ها دیدند / ما مدعیان صف اول بودیم / از آخر مجلس شهدا را چیدند

اخلاق و رفتار مرحوم حجت‌الاسلام تقوی در جایگاه یک طلبه مکتب امام صادق (ع) و فاعل فرهنگی، زبان‌دافردی است که به میزان زیادی با او معاشرت داشتند و می‌تواند به‌عنوان میزان و معیاری در ارزیابی یک بنده مومن، مسلمان و یک فرهنگی دلسوز قابل تامل باشد؛ با این مقدمه باید اذعان کرد دانستن میناها، در تحلیل رخدادها، مسائل و شخصیت‌ها به نظر بنده، یک امر ضروری و مفید برای حصول و شناخت واقعیت است.

اگر قصد داشته باشیم شخصیت شهید سید مهدی تقوی را کامل‌تر و جامع‌تر مورد تامل قرار دهیم، باید حداقل، سه یا چهار عرصه مبنایی در رشد و نمو شخصی ایشان بررسی شود، نخست؛ کانون خانواده و موطن اوست که در خانواده‌ای مذهبی و منطقه‌ای روستایی در شرق تهران زیسته است؛ این پایه او را فردی مقید و وابسته به خاک و فرهنگ، پرورش داده است؛ دوم؛ حضور در صحنه نبرد حق علیه باطل و دفاع مقدس است که به نظر، شخصیتی حق‌طلب، مقاوم، مبارز و آزاده را از او تداعی می‌کند و سوم؛ حضور و تلمذ در محضر درس اساتید حوزه علمیه است که شخصیتی دینی، قرآنی و آشنا به معارف را در او ایجاد

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی

به فرموده امام خمینی (ره) برای اسلام بود و همین خود، تعیین کننده شاخص برای انقلابی‌گری است که امروز موضوع محافل فرهنگی، سیاسی و نخبگانی است؛ این هدف کلان، مستلزم التزام به مولفه‌هایی است که از جمله اهم آن داشتن اخلاص و صداقت، توکل الهی، مسئول و غیرتمند بودن، صبر و پایداری، عالم و عامل بودن، زمان‌سنجی و توجه به اولویت‌ها، ملاحظت و انس با همراهان و اجتناب از کینه‌ورزی و مخاطب‌سنجی در فکر و عمل است؛ به‌طور کلی مرحوم تقوی بر اساس آشنایی مختصر بنده، فردی بود که خود را وقف فعالیت و اهداف قرآنی و اسلامی کرده بود در این معنا در هنگام مسئولیت در جهاد دانشگاهی به‌اتفاق سایر هم‌راهان، منشا اقدامات خوبی بود و یادگارهایی را به‌جا گذاشت و شواهد حاکی از آن است که پیش و پس از آن هم به این عرصه وفادار بود؛ اگر دوران مسئولیت او در جهاد را، به‌عنوان شاخص دوران کاری‌اش در نظر بگیریم، شاهد ابتکارات خوبی هستیم که از آن جمله ارتباط وثیق با بیوت مراجع عظام، حوزه‌های علمیه و نهادهای مرتبط فرهنگی و دانشگاهی است.

انقلابی بودن هدف شخصی شهید تقوی بود؛ در این خصوص علی‌رغم همه محدودیت‌هایی که وجود دارد او با روحیه انقلابی و به عبارتی مدیریت جهادی توانست فعالیت‌های مدنظر را سامان دهد و با پیگیری‌های مجدانه خود در زمینه نشر و ترویج معارف اسلامی و قرآنی موثر باشد.

#### شهید تقوی به حق متقی بود

لازم است ذکر شود، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی سلاقی مختلفی وجود دارد و این سلاقی نباید ملاک داوری در مورد دین و ایمان افراد باشد؛ این آدم‌ها هستند که خوب و بد هستند، نه اینکه گرایش سیاسی مشخص کند شخصی خوب و بد است؛ به حق که در ارتباط نزدیکی که در سالیان اخیر با او داشتیم و یافتیم دو اصل و ستون مهم در فکر و عمل او بر جسته بود، یکی ولایت‌مداری و دوم حق‌مداری و تقوای الهی؛ سید مهدی به حق متقی بود، در ظاهر و باطن یکی بود، اگر انسانی در جایگاهی از قدرت بود و تقوایش به حق می‌رسد؛ رعایت حق، نفی باطل و دفاع از

هم‌نوع از تبعات تقوا است که لازمه‌اش ایمان است؛ مصادیق خالصانه دغدغه او به این شاخص‌ها در ذهن یاد و خاطر او را ماندگار و الگوپذیر کرده است؛ اعتقاد قوی و مقید بودن به آداب اسلامی، انجام به‌موقع فرایض از جمله نماز اول وقت، قرائت قرآن در ساعات مختلف روز و دائم‌الوضو بودن از دیگر ویژگی‌های بارز شهید تقوی بود.

در خصوص بیان خاطره و اشاره به موضوعی که برای مخاطب جالب باشد لازم می‌دانم به مشورت خوبی او اشاره کنم؛ برای مثال در انتخاب عنوان رساله حوزوی‌اش یاد می‌آید خیلی باهم بحث کردیم و او تمام پیشنهادها را در دفتری که داشت ثبت می‌کرد و نکته دیگری که بسیاری از دوستانش اشاره می‌کنند این است که در این هفته‌های اخیر علاقه‌مند بوده تا در صحنه نبرد حضور یابد و این اصرار بر گرفته از روحیه ولایت‌پذیری و بصیرت علمی اوست؛ در ختام سخن ضمن عرض تسلیت، با اقرار به اینکه بالاترین آرزوی سید مهدی تقوی، شهادت و ممت توام با شهادت از خداوند بود دست‌یابی به این مقام را تهنیت گفته و امید است که کسب این فیض نصیب همه آرزومندان شود.





# عاشق که باشی پرواز می کنی

عاشق پرواز که باشی در نهایت پرواز می کنی، زمان و مکانش خیلی مهم نیست؛ چه در جبهه های تفتیده خوزستان، چه در سوریه و در دفاع از حرم عمه سادات (س) یا در قلب تهران و در خانه ملت، عاشق که باشی پرواز می کنی؛ حبیب تر کاشوند، مدیرکل سیاسی خبرگزاری فارس و معاون سابق حجت الاسلام تقوی در خبرگزاری ایکننا در یادداشتی به بازخوانی خاطرات خود با شهید تقوی می پردازد.

روز چهارشنبه پس از حوادث تروریستی مجلس و حرم مطهر امام (ره)، خبر رسید که دو تن از شهدای امروز مجلس از اعضای دفتر آقای حاجی دلپگانی؛ نماینده مردم شاهین شهر هستند؛ از آنجا که هفته قبل بایشان جلسه ای داشتیم، هم برای عرض تسلیت و هم اینکه بدانم کدامیک از اعضای دفتر بوده اند، به ایشان زنگ زدیم که عنوان کرد این شهدا، زارع و تقوی هستند.

زارع را می شناختم؛ مدیر دفتر ایشان بود و انصافا همان یک ساعت جلسه هم شیفته خلوص ایشان شده بودم اما تقوی را به خاطر نیابوردم؛ تا اینکه ساعتی بعد یکی از دوستان تماس گرفت و با گریه می گفت حاج آقا تقوی شهید شده درسته؟ اول انکار کردم اما به یکباره یاد سخن حاجی دلپگانی افتادم که نام تقوی را هم برده بود اما نمی دانستم منظورش حجت الاسلام سید مهدی تقوی دوست دیرینه خودم و مدیرعامل سابق خبرگزاری قرآن است.

در حالی که مبهوت بودم باعجله پرس و جو کردم تا اینکه متوجه شدم خود ایشان شهید شده است، دنیا جلوی چشمانم تیره تار شد و خاطرات قریب ۱۲ سال رفاقت نزدیک و همکاری با ایشان جلوی چشمانم رژه می رفتند؛ سیدی محبوب، متواضع، مظلوم و باتقوا که علاوه بر دوستی در بسیاری از امور برای من الگو بود خصوصا در ارادت فوق العاده اش به اهل بیت عصمت و طهارت و شوقش برای شهادت.

در چند سال اخیر آرزوی من بود به سوریه اعزام شود تا با داعشیان نبرد کند اما نمی دانستم مزبوران داعش خود به سراغش آمده و در قلب تهران او را به آرزوی من رسانند.

آرام بود و محبوب؛ باید جان می کندی تا از خودش چیزی بگوید؛ کمتر کسی می دانست که جانباز است و هنوز بعد از ۳۰ سال از جنگ امانتی به یادگار دارد؛ جزء غواصان کربلای ۵ بود اما تقدیرش این بود که بماند و بر جنازه رفقای شهیدش بعد از قریب ۳۰ سال اشک غربت بریزد.

هر وقت از عشقش به شهادت می گفت آذیتش می کردیم و می گفتیم: تو اگر اهل رفتن بودی همان زمان جنگ شهید

می شدی نه جانباز، حالا که دیگر خبری نیست.

اربعین پار سال هم مثل سنوات قبل خودش را آماده کرده بود به اقیانوس زائران اربعین پیبوند؛ زنگ زد و گفت می آیی برویم؟ معذوریت داشتم جواب منفی بود؛ پاسخش این بود: از ما گفتن بود از دست میره ها؟ با آنکه سال ها در قم تحصیل کرده بود و ملبس به لباس روحانیت، اما موقع صحبت کردن و حتی گاه ها در حین سخنرانی تکه کلام های «بیجه تهرونی» از زبانش نیفتاده بود؛ وقتی از سفر کربلا برگشت فهمیدم تک و تنها به این سفر رفته، هم به حالش غبطه خوردم و هم ناراحت از اینکه نتوانسته بودم همراهش بروم.

وقتی مسئولیت خبرگزاری قرآن را به عهده گرفت اصرار کردم که به خاطر مشغله زیاد منبر هیئت محبین الاثمه را از این پس واگذار کند پاسخش این بود: توی خبرگزاری با قرآن کار داریم اینجا با اهل بیت؛ این دو باید در کنار هم باشند؛ با آنکه از نظر بودجه و نیرو مشکل داشتیم، وقتی به ایشان پیشنهاد دادم که سرویس اینار و شهادت را راه اندازی کنیم این بار نه خبری از مطرح کردن موضوع نیرو بود و نه بودجه بلکه با استقبال فراوان ایشان مواجه شدم که هر چه زودتر این کار را انجام بده.

خیلی تلاش کرد تا بالاخره موفق شد مجوز حضور در کلاس درس خارج حضرت آقا را کسب کند و چه حال خوشی داشت آن روزی که از اولین جلسه بازگشته بود.

اولین روز ماه مبارک بود که جامعه قرآنی کشور میهمان رهبری بودند بعد از نماز و سر سفره به جای افطار کردن فقط به حضرت آقا که بالای سفره نشسته بودند نگاه می کرد؛ انگار اولین بار ایشان را زیارت می کرد؛ در گوشه به من گفت: ای کاش می توانستم این محافظا رو کنار بزنم و یک لحظه آقا رو ببوسم و بیام؛ من هم با خنده پاسخ دادم: حالا ما رو بگی یه چیزی، خوبه هفته ای سه بار آقا رو تو کلاس درسشون می بینی، با این سن و سال دست بسیجی های ۱۸ ساله روز پشت بستن.

همان روزهای اولی که مدیرعامل شد برخلاف روش معمولش که مشورت می گرفت خیلی دستوری به من گفت: از امروز به تحریریه ابلاغ کن در اخبار از لفظ «امام» برای حضرت آقا استفاده کنند؛ وقتی دلایل مخالفت من را شنید که به سه دلیل مصلحت نیست، خیلی محکم گفت: خبرگزاری قرآن باید در فرهنگ سازی پیش قراول سایر رسانه ها باشند به مقلد بقیه؛ باید از همین امروز ابلاغ کنی.

وقتی به او می گفتیم فلان کس یا فلان مسئول پشت سر شما این حرف را زده، کوچک ترین واکنشی نشان نمی داد

انگار حرف ما را نشنیده بود سریع بحثی را پیش می کشید تا به ما بفهماند هر چقدر هم غیبت و تهمت ناجوانمردانه باشد برایش اهمیتی ندارد.

دو سه بار از من خواست پیش یکی از کسی بروم، علی رغم میل باطنی و صرفا به خاطر دستور اداری با فرد مذکور جلسه گذاشتم؛ اما اکثر مباحث آن فرد بدگویی از حاجی تقوی بود، وقتی برگشتم با ناراحتی به حاجی گفتم که من چرا باید با فردی جلسه بگذارم که تمام بحثش بدگویی از شما باشه، گفت: شما چی گفتی؟ گفتم اگه به خودم بود جواب می دادم ولی به خاطر شما رعایت کردم و به جز دو سه مورد کوتاه جوابی ندادم سکوت کردم و گذاشتم حرفایش را بزند؛ انگار نه انگار که آن فرد غیبت حاجی رو کرده بود چند بار تا شب از من تشکر کرد که این گونه برخورد کرده ام و حرمت او را نگه داشته ام.

یاد سالی افتادم که باهم به لبنان رفته بودیم، دوساعتی که در هواپیما بودیم تمام فکر و ذهنش سید حسن نصرالله بود و حزب الله و اینکه سرنوشت اسلام الان در لبنان رقم می خورد و مدام می گفت ای کاش می توانستم منزلم را ببرم جنوب لبنان؛ البته آن زمان هنوز نطفه نامبارک داعش متولد نشده و تازه ناآرامی ها در سوریه شروع شده بود.

وقتی به بیروت رسیدیم آرام و قرار نداشت تا اینکه شب به روستایی در جنوب رفتیم؛ روستایی که مشرف بر فلسطین اشغالی بود؛ جالب اینکه درب منزلی که یک هفته در آن سکونت یافتیم درست مقابل پست های نگهبانی مزدوران اسرائیلی بود و دیوار منزل هم از بس تیر خورده بود عین آبکش شده بود.

وقتی منطقه را دیدم و فهمیدم کجا آمده، تازه احساس کردم گم شده خود را پیدا کرده و شعفش قابل وصف نیست؛ با آنکه توی آن چند روز مدام در جلسه های مختلف با مسئولان مختلف لبنانی بودیم اما تنها آرزوی من دیدار با سید حسن بود که آخر هم محقق نشد.

وقتی فهمیدم با ماشین می توان به دمشق رفت، اصرار داشت حتی یک نیم روز شده به زیارت برویم مسئولان سفارت مخالفت می کردند که سوریه امن نیست و ما نمی توانیم مسئولیت آن را قبول کنیم؛ آخر سر قرار شد ما با مسئولیت خودمان برویم و آن ها هم مثلا خبر ندارند؛ در طول راه به حرف های مسئولانی که می گفتند ناامن است و اجازه نمی داندن بیاییم لیخنه می زد؛ با آنکه فقط نصف روز در سوریه بودیم علاوه بر زیارت، سه جلسه کاری هم آنجا برگزار کردیم.

## ویژه نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

خاطرات سفر کربلایی که باهم رفته بودیم در ذهنم نقش بست؛ چه سفری بود و چه حالی داشت؛ بالینکه سفرمان شخصی بود و نه اداری، اما آنجا هم دست از کار و جلسه بر نمی داشت؛ از برگزاری جلسه با تولیت حرم های مطهر امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) تا پیگیری افتتاح دفتر برای «ایکنا» در نجف اشرف؛ من هم چون جانشینش بودم مجبور بودم در این جلسات همراهی اش کنم حال بماند که در دل غرغری می کردم که اینجا هم آخر جلسه؟

۴ ماه نبود که از سفر کربلا آمده بودیم که درخواست کرد سفری به مناطق عملیاتی جنوب برای همکاران مهیا کنیم؛ اردیبهشت ۹۱ این سفر فراهم شد؛ با روایتگری حاج آقای جعفری که از هم زمان خود ایشان در گردان تخریب بوده به یارت مناطق عملیاتی رفتیم.

حالاتش در این سفر برای خیلی از ماها قابل درک نبود؛ ماز جنگ و شهدا بیشتر شنیده بودیم اما او هر جا که می رفتیم انگار قسمتی از جسم و جان خود را آنجا می یافت؛ صحنه در آغوش کشیدن فرزندش در اروند و هق هق گریه کردن پدر و پسر، اشک همه اعضای کاروان را در آورد.

وقتی مسئولیت خبرگزاری را واگذار کرد به معنای واقعی سبک بار شده، می گفت احساس می کنم انگار بار عظیمی را از دوشم برداشته اند و از این پس بیشتر می توانم به دغدغه هایم در حوزه گفتمان انقلاب و اقناع جوانان بپردازم؛ مشاور فرهنگی دکتر زاکانی هم گردانی اش در

دفاع مقدس و نماینده سابق مردم تهران شد و در سال دوم مشاورت دکتر محمد دهقان را پذیرفت و طی دو هفته اخیر مشاور آقای حاجی دلیگانی شده بود.

تقدیرش چنین نوشته بود که عناصر تروریست به همان طبقه ای که محل کار ایشان بود، پناهنده شوند و سید مهدی و چند نفر دیگر را مظلومانه به شهادت برسانند؛ تاثرم وقتی بیشتر شد که فرزند شهید تقوی به من گفت که تصویر شهیدی که در فیلم داعش مشاهده می شود خود اوست که این گونه مظلومانه و بالبان تشنه به شهادت رسیده و حتی پس از شهادت نیز دست از او برنداشته و گلوله بارانش می کنند.

عاشق پرواز که باشی در نهایت پرواز می کنی، زمان و مکانش خیلی مهم نیست؛ چه در جبهه های تفتیده خوزستان، چه در سوریه و در دفاع از حرم عمه سادات و در دانه اباعبدالله حضرت رقیه (س) یا در قلب تهران و در خانه ملت آن هم به دست فرزندان ناپاک حرمه و چه سعادت بالتر از این برای سید تقوی عزیز که در ۱۲ ماه مبارک رمضان همچون جد غریبش حسین (ع) با لب عطشان به شهادت برسد و به اجداد طاهرینش ملحق شود.

داعشیان بدانند اگر حجت الاسلام تقوی ما را اکنون به شهادت رسانده اند، سید علی، سید محمد حسین، سید علیرضای او اکنون در کسوت روحانیت در آمده و راه مقدس پدر را ادامه می دهند.

هر چند در حادثه تروریستی ۱۷ خرداد داعشیان توانستند سید مهدی و ۱۷ تن دیگر از فرزندان پاک این ملت را از ما بگیرند اما بدانند با این جنایت، سند نابودی خود را به دست ۸۰ میلیون ایرانی امضا کردند.

اگر تاکنون داعش صرفاً در شبکه های مجازی علیه ایران اسلامی رجز خوانی می کرد این بار مزدوران خود را از خانه های عنکبوتی به اصطلاح امنشان بیرون کشانیدند تا پا به میدان مقابله رسمی با ملت ایران و نظام اسلامی بگذارند.

امروز دیگر داعش فقط در عراق و شام نیست که برخی حلقوم های کثیف خود را باز کرده و علیه مدافعان حرم لجن پراکنی کنند که ما با سوره چکار داریم؟

همان گونه که وزیر خارجه اسبق آمریکا نیز در کتابش اعتراف کرده بود، امروز داعش هر چند در حد ترقه بازی کودکانه خود را به قلب تهران رسانده است تا نشان دهد هدف اصلی آن ها ایران است؛ از این رو تکلیف ملت ایران نیز از این پس با حرمه زادگان مشخص خواهد بود.

ما به همراه ملت ایران با شهید تقوی و همه شهدای پاک و مظلوم ۱۲ رمضان عهد می بندیم تا انتقامشان را از فرزندان حرمه نگیریم آرام نخواهیم گرفت.

حبیب ترکشوند

معاون سابق خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)



چون نمی‌خواستیم مستقیم اشاره کنیم و ابعاد جریان را دقیقاً نمی‌دانستیم و کلیاتی مبنی بر اینکه چند نفر تکفیری برای عملیات تروریستی وارد دفاتر مردمی نمایندگان شده‌اند، چند جمله‌ای عنوان کردم؛ در طول حادثه تروریستی درب صحن مجلس به دلایل امنیتی بسته شده بود و اطلاع دقیقی از بیرون نداشتیم.

به نظر می‌رسد تروریست‌ها به دنبال ورود به صحن بودند اما سر از دفاتر نمایندگان درآوردند؛ از اتفاقاتی که در راهروهای مجلس به وقوع پیوست اطلاعی دارید؟ تروریست‌ها با حدود سه هزار فشنگ همراه با کمر بند انفجاری و ده‌ها نارنجک و چند قبضه اسلحه کلاش و کلت از درب شماره ۲ که درب ورود مهمانان است، وارد سالن شدند و مردمی را که در سالن نشسته بودند را به رگبار بستند و حراست آنجا را که از برادران سپاه بود را نیز ابتدا مجروح کردند که ایشان وقتی جلوتر می‌رود که موضوع را خبر بدهد، مجدداً مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید می‌شود.

آن‌ها تا گیت بعدی همین‌طور تیراندازی می‌کنند؛ اگر از این گیت عبور می‌کردند می‌توانستند وارد جایگاه مهمانان و خبرنگاران بشوند، اما به محض رسیدن به این بخش یکی از محافظان که مجروح شده بود بلافاصله درب را می‌بندد که اگر این اقدام را انجام نمی‌داد، فاجعه بزرگی اتفاق می‌افتاد و حدود ۲۰۰ نفر به شهادت می‌رسیدند؛ ولی وقتی جلوی آن‌ها سد می‌شود به سمت راست حرکت می‌کنند و وارد ساختمان دفاتر نمایندگان می‌شوند و از پله‌ها بالا می‌روند.

● چگونه تروریست‌ها به اتاق شما وارد شدند؟ اولین طبقه‌ای که تروریست‌ها وارد آن می‌شوند، طبقه دوم بود که دفتر بنده نیز در آن طبقه قرار دارد؛ اعضای دفتر هنوز نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده اما وقتی صدای تیراندازی را می‌شنوند و به آن‌ها گفته می‌شود داخل اتاق‌ها بروند، آن‌ها داخل دفتر رفته و درب دفتر را قفل می‌کنند؛ تروریست‌ها تلاش کردند با لگد درب دفاتر را باز کنند و حتی خود را سپاهی معرفی می‌کردند تا از این طریق افرادی که در دفاتر هستند را بیرون بکشند.

به دفتر بنده که می‌رسند به مغزی قفل درب شلیک می‌کنند و درب باز می‌شود؛ تروریست‌ها وقتی که وارد اتاق می‌شوند سمت راست را نگاه می‌کنند که شهید تقوی و شهید زارع در آنجا پناه

# نمونه یک انقلابی ساده زیست و با بصیرت

هر چند مدت کمی افتخار همکاری با شهید تقوی را داشته‌ام اما در همین زمان اندک به این باور رسیدم که او واقعا عاشق شهادت است و همواره در صحبت‌هایش از هم‌زمانش در دوره دفاع مقدس یاد می‌کرد و بسیار متأثر بود که در زمانی که تخریب‌چی بوده شهید نشده است؛ حسینعلی حاجی دلگانی؛ نماینده ادوار نهم و دهم مجلس در خصوص ویژگی‌های اخلاقی و نحوه شهادت حجت‌الاسلام سید مهدی تقوی گفت و گویی با تحریریه رایحه داشته است که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

● در رابطه با روز ۱۷ خرداد بگوئید؟ در ساعات منتهی به حادثه تروریستی چه اتفاقی افتاد و چگونه از این حادثه مطلع شدید؟ روز ۱۷ خرداد ساعت ۸:۳۰ صبح در دفتر مجلس جلسه‌ای با حضور حاج آقا تقوی، آقای زارع و آقای رضایی، اعضای دفتر داشتیم و مذاکراتی انجام دادیم و دستور جلسه که در رابطه با سند ۲۰۳۰ بود، تشریح شد و همکاران نظرات خود را در رابطه با مسائل مختلف این سند ارائه کردند؛ تا ده دقیقه به ۹ که بنده برای حضور در جلسه علنی به صحن مجلس رفتم؛ جلسه علنی در روزهای ماه مبارک رمضان ساعت ۹ آغاز می‌شد؛ به دلیل کاری که داشتم حدود ساعت یک ربع به ده مجدداً به دفتر برگشتم؛ همکارانم در دفتر مشغول کارشان بودند و بنده مجدداً به صحن مجلس برگشتم؛ تقریباً ساعت ده و نیم بود که یکی از همکاران خبر دادند که تیراندازی‌هایی اتفاق افتاده است.

آن زمان در حال رسیدگی به وضعیت معدن گلستان بودیم و نوبت نطق بنده در رابطه با این مسئله بود؛ وقتی این مطلب را شنیدم قبل از اینکه وارد مطلب اصلی بشوم اشاراتی به این مسئله داشتیم؛ البته

● به نظر شما چه عاملی باعث شد که مجلس شورای اسلامی مورد هدف تروریست‌ها قرار گیرد؟ ابتدا باید به این مسئله تاکید داشت که داعش برای صدمه زدن به ایران در منطقه پایه‌گذاری شد و اقداماتی که گروه‌های تکفیری در کشورها و مناطق مختلف انجام می‌دهند، بهانه‌ای برای نزدیک شدن به مرزها و نفوذ به ایران است اما امروز بسیج جهانی اسلام در حال شکل‌گیری است و جبهه مقاومت گسترش یافته است و همه می‌خواهند تا با جریان تروریستی تکفیری مقابله کنند.

مجلس به قول امام (ره) عصاره ملت است و تروریست‌ها نیز اساساً با مردم ایران مشکل دارند و به دنبال آن هستند که ریشه ملت ایران را از بین ببرند و تروریست‌ها که عموماً دست‌پرورده کشورهای مستکبرند و از جانب آن‌ها تأمین می‌شوند، قصد دارند به ملت ایران صدمه بزنند؛ بنابراین اینها به مجلس آمدند و دقیقاً محلی را مورد حمله قرار دادند که محل رجوع مردم برای حل مشکلاتشان است.

## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید حجت‌الاسلام تقوی





گرفته بودند و بلافاصله آن‌ها را به رگبار می‌بندند؛ یکی دیگر از اعضای دفتر که سمت چپ دفتر قرار گرفته بود از دید تروریست‌ها پنهان می‌ماند؛ تروریست‌ها بعد از اینکه دو تن از همکاران بنده را به رگبار می‌بندند خارج می‌شوند اما پس از لحظاتی مجدداً برمی‌گردند و به آن‌ها تیر خلاص می‌زنند و در حین این کار از رفتار خود فیلم می‌گیرند و فیلمی در این رابطه در برخی شبکه‌های مجازی منتشر شده مربوط به همین وضعیت است.

آن شهیدی که پیراهن سفید پوشیده، پیکر حجت‌الاسلام مهدی تقوی است و بالای سر ایشان شهید زارع با پیراهن قهوه‌ای دیده می‌شود؛ شهید زارع همان ابتدا شهید می‌شود و شهید تقوی در مرحله دوم و با تیر خلاص تروریست‌ها به شهادت می‌رسد و این اتفاقات تنها در چند دقیقه رخ داد و این دو شهید به شکل مظلومانه‌ای به شهادت می‌رسند.

البته از همان ساعات اولیه نیروهای حفاظتی وارد عمل شده و ساختمان را محاصره کردند و در کمترین زمان توانستند تروریست‌ها را به سزای کردارشان برسانند.

● شهید تقوی از جانبازان و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس بودند و این روحیه

### همچنان در ایشان متبلور بود؛ شهید تقوی از نظر شما چه ویژگی‌هایی داشتند؟

ایشان از جهاد دانشگاهی به مجلس مامور شده بودند و هر چند مدت کمی افتخار همکاری با ایشان را داشتم اما در این مدت خدمات بسیار بزرگی انجام دادند و ویژگی‌های خاصی داشتند که باید از آن‌ها یاد کرد.

در خصوص شهید تقوی باید عرض کنم که واقعا بنده در مدتی که با ایشان بودم با تمام وجود احساس کردم که عاشق شهادت هستم؛ این صحبت بنده اصلاً تعارف نیست؛ ایشان جانباز دوران دفاع مقدس بودند و در صحبت‌هایشان همیشه آن دوره را یاد می‌کردند و می‌گفتند چرا آن زمانی که تخریبچی بودم، شهادت نصیب نشد. شهید بزرگوار تقوی در کارشان اخلاص داشتند؛ با آن همه مسئولیت‌های بزرگی که داشتند اما به دلیل زی‌طلبگی و ساده‌زیستی به‌راحتی این خدمت را پذیرفتند که به‌عنوان مشاور فرهنگی در دفتر تهران حضور پیدا کنند و بنده هم طالب همکاری با ایشان بودم.

در رابطه با مسائل مختلفی که امروزه جا دارد همه ما نسبت به آن‌ها دغدغه داشته باشیم، ایشان دغدغه‌مند بود؛ نسبت به آسیب‌های اجتماعی و مسائلی که اگر توجه لازم صورت نگیرد به

ارزش‌های انقلابی و اسلامی خدشه وارد می‌شود، نگرانی داشتند؛ بسیار باانگیزه، انقلابی و انسانی با بصیرت بودند و در جریان مسائل روز کشور قرار داشتند و به خوبی نسبت به آن‌ها توجه و دقت و ملاحظه لازم را داشتند؛ ایشان یکی از کسانی بودند که در کلاس درس خارج فقه رهبری حضور فعال داشتند؛ شخصیتی با بصیرت و به‌روز، مسائل را خیلی قوی تجزیه و تحلیل می‌کرد.

اخلاص و صداقت شهید تقوی باعث شد تا ایشان به آرزوی دیرینشان، یعنی شهادت نائل شوند و مردم انقلابی و مومن نیز قدر دان چنین شخصیتی بودند؛ شبی که به شبکه قرآن برای حضور در برنامه تلویزیونی دعوت بودم مشاهده کردم که همکاران سابق ایشان در ایکننا و سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور بسیار متأثر بودند از اینکه چنین شخصیتی را از دست دادند.

علاوه بر آن من توفیق داشتم در مراسم تشییع و بزرگداشت شهید تقوی شرکت کنم؛ مراسمی که در قم برگزار شد و واقعا مردم قم برای شهید تقوی سنگ تمام گذاشتند؛ خیل عظیمی مردم روز دوازدهم بعد از اقامه نماز میت پیکر پاک این شهید را در یک مسیر طولانی و در گرمای زیاد با آن شور و هیجان تشییع کردند و تجلیلی که مردم از این شهید داشتند واقعا دیدنی بود.

# لقاء الله بازبان روزه

شهید تقوی، انسانی خود ساخته، متعهد و تلاشگر بود که سرانجام پیک اجل در چهرهای خونین به ملاقات ایشان رفت و در ماه مبارک رمضان و بازبان روزه و لبان تشنه، لباس شهادت به تن پوشید و از این دیار فانی به سرای باقی پرواز کرد. حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن دعوتی از همکاران حجت الاسلام تقوی در سازمان فعالیت‌های قرآنی در یادداشتی به بیان خاطرات خود از این شهید بزرگوار پرداخت.



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی

## تلاش برای توسعه فعالیت‌های قرآنی ایکننا در خارج از مرزها

یادم هست که شهید تقوی در سال ۱۳۸۹ به ریاست خبرگزاری قرآنی ایکننا منصوب شد و از همان آغاز کار خود را بسیار جدی شروع کرد؛ هنوز چند ماهی نگذشته بود که با هیئتی عازم لبنان و سوریه شدند، در آنجا با راهنمایی یکی از ایرانیان مقیم لبنان از مناطق جنگی لبنان، محل بمباران قانا و شهرهای نزدیک مرز اسرائیل دیدن کردند و همچنین از موزه جنگ «ملینا» بازدید نمودند، که اینجاب نیز در معیت ایشان بودیم؛ همچنین در این سفر از مخفی گاه‌های بچه‌های حزب الله در داخل کوه‌های مشرف بر مرزهای اسرائیل دیدن به عمل آمد. در این سفر ضمن ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت با مسئول رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در بیروت، جناب گل حسینی ملاقات کردند و قرارهائی پیرامون همکاری‌های دفتر رایزنی با خبرگزاری قرآنی ایکننا منعقد گردید.

در این سفر با جناب شیخ علی جابر، معاون روحانیت سیدحسن نصرالله ملاقات شد. متعاقب این قرارداد به عنوان شروع همکاری حدود ۲۵ نفر از دانشجویان حزب الله، به ایران مسافرت کردند که ضمن ملاقات با حضرات آیات در قم و مشهد، کلاس‌های آموزشی نیز برای آنان به اجرا درآمد. نامبرده با هیئت همراه نیز مسافرتی به دمشق و ملاقات با شخصیت‌های علمی و فرهنگی داشتند، در این سفر مقرر شد شعبه‌ای از خبرگزاری ایکننا در بیروت افتتاح شود که اخبار قرآنی بیروت و دمشق را پوشش دهد که به علت برخی موانع این شعبه عملیاتی نشد.

## لقاء الله بازبان روزه و لبان تشنه

شهید تقوی، انسانی خود ساخته، متعهد و تلاشگر بود که از سابقه طولانی در جبهه و همکاری با رزمندگان برخوردار بود، در طول مدیریت ایشان برنامه‌های فرهنگی و پژوهشی متعددی را راه‌اندازی کرد و اخبار رایبه زبان‌های گوناگون ترجمه و منعکس نمود، ایشان به مدت دو سال هم به درس خارج مقام معظم رهبری حضور یافت و پس از دوران مدیریت، وارد کارهای فرهنگی مجلس شورای اسلامی شد که سرانجام در صبح روز چهارشنبه، ۱۷ خردادماه جاری که روز کاری ایشان نبود، پیک اجل در چهره‌ای خونین به ملاقات ایشان رفت و در ماه مبارک رمضان و در حال روزه و با زبان تشنه لباس شهادت به تن پوشید و از این دیار فانی به آن سرای باقی پرواز کرد. خدایش با اجداد بزرگوارش محشور فرماید.

رها کرده است. خدایش غرق رحمتش فرماید، «غاش سعیدا و مات شهیدا» و بی اختیار این دوبیتی در نظرم آمد که: در مسلخ عشق جز نکور انکشند / آهو صفتان زشت خود را نکشند  
گر عاشق صادقی ز کشتی مگریز / مردار بود هر آنکه او را نکشند.

صبح روز شنبه بود که با تصویر بزرگی از جناب حجت الاسلام تقوی در تابلوی اداره مواجه شدم و با کمال تعجب عبارت شهید را دیدم؛ واقعا مدتی می‌هوت ماندم که شگفتا دوست عزیز ما هم به صف شهید پیوسته و دیگر در میان ما نیست. بهتر بگویم حس کردم که انگار او پرواز کرده و ما را تنها در این دار دنیا



## ویژمنامہ

بزرگداشت شہید  
حجت الاسلام تقوی

# عروج





# آرزوی که برآورده شد

خاطرات حضور و فعالیت‌های قرآنی ابن روحانی جانباز در عرصه‌های مختلفی چون مسابقات قرآن، جشنواره‌های قرآنی و تلاش‌های او برای بصیرت‌افزایی هرچه بیشتر در بین فعالان قرآنی برای قرآنیان بیشتر تداعی می‌شد.

مدیران، خبرنگاران و عکاسان خبرگزاری ایکنا که با ناباوری خود را برای آخرین دیدار با این جهادگر و همکار قدیمی آماده کرده بودند نیز بخشی از اوراق دفتر خاطرات قرآنی و خالصانه او را ورق می‌زدند؛ اوراقی که همه بر پاکی نفس، جهادگری، ولایت‌مداری و بصیرت

این مدیر قرآنی شهادت می‌داد.

پس از رسیدن پیکر مطهر شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی تقوی، فریاد الله

شهرداری و شورای شهر تهران همچون احمد مسجدجامعی، جواد شوشتری و عیسی علیزاده در کنار آشنایان و مردم روزه‌دار تهران از ساعات اولیه صبح برای تسلیت و همدردی با خانواده این شهید قرآنی و رزمنده جانباز در مقابل منزل او حضور یافتند.

آیین استقبال به جهت تشریفات اداری کمی طولانی شد و دوستان و همکاران این شهید که برای آخرین استقبال و بدرقه درب منزل ایشان حضور یافته بودند، همگی از سجایا و خاطرات این جانباز و فعال قرآنی خاطره‌نقل می‌کردند.

رزندگان و تخریب‌چیان لشکر سیدالشهدا (ع) از حضور و جانبازی او در جبهه تا سخنان و اشک‌هایش در حسینیه‌الوارثین سخن می‌گفتند.

تشییع پیکر شهید تقوی بر دستان هم‌زمان و جهادگران/آرزویی که برآورده شد

پس از ش خبر شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین تقوی، رییس پیشین سازمان فعالیت‌های قرآنی و مدیرعامل سابق خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) و از اعضای دفتر نماینده مردم شاهین‌شهر، بر خوار و میمه در مجلس شورای اسلامی، از صبح روز پنج‌شنبه ۱۸ خردادماه سیل جمعیت به سمت منزل ایشان روانه بود.

چهره‌های آشنا از جامعه قرآنی، حمیدرضا طیبی، رییس و برخی معاونان جهاد دانشگاهی، همکاران سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان، هم‌زمان این شهید در لشکر سیدالشهدا (ع)، برخی مسئولان



## ویژه‌نامه

بزرگداشت شهید  
حجت‌الاسلام تقوی



اکبر و لاله الاالله تمام محله را گرفت؛ سیل جمعیت قدرشناس که چند ساعتی با زبان روزه در جلوی درب خانه ایشان منتظر بودند او را با ذکر الهی و نوحه خوانی اهل بیت (ع) در آغوش خود تا مسجد همراهی کردند؛ عکس پر لبخند این شهید بر روی تابوت، نشانی از راز نهفته او داشت؛ رازی که دوستانش با بیان آرزوی چندین باره او برای شهادت بر ملا کرده بود.



ساعت‌ها تاخیر شاید بی حکمت نبوده و آخرین خواسته این روحانی شهید محقق شد تا مردم عزادار و روزه‌دار ابتدا نماز جماعت را در مسجد اقامه کنند و سپس به اقامه عزای سیدالشهدا (ع) بپردازند؛ عزای حسین (ع) که در مسجد اقامه شد، انگار حضورش در مسجد احساس می‌شد و دوستانش به یاد نوحه‌ها و ناله‌های او بلندتر گریه می‌کردند.



آیین بدرقه در تهران تمام شد و حجت‌الاسلام والمسلمین تقوی که به آرزوی دیرینه‌اش رسیده بود و قصد حرم کرده بود، به زیارت حضرت معصومه رفت.

تشیع در قم نیز با حضور سیل جمعیت نمازگزار برگزار شد. در ابتدای خطبه دوم نماز جمعه، آیت‌الله اعرافی شهادت این شهید قرآنی و جهادگر را نمونه‌ای از ایستادگی، مقاومت و ایثار جامعه روحانیت در مسیر اعتلای نام قدسی الله و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) دانست.



پس از پایان نماز جمعه این هفته قم بلافاصله مراسم اقامه نماز میت نیز با امامت آیت‌الله خرازی، استاد این جهادگر شهید، با حضور گسترده و باشکوه نمازگزاران جمعه برگزار شد و پیکر پاک این شهید گرمای روی دست علمای حوزه و مسئولان ملی و استانی مشایعت شد.

در این مراسم آیت‌الله کعبی، احمد امیرآبادی فراهانی نماینده مجلس، استاندار، علمای حوزه و مسئولان ملی و استانی و روحانیون مدافع حرم، خانواده شهید تقوی و... حضور داشتند.

آنچه که سالیان طولانی همیشه فریاد حجت‌الاسلام تقوی بود در زمان تشییع بر زمان نمازگزاران جاری شد و پیکر پاک این شهید جهادگر با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر تروریست کافر، می میریم می میریم ذلت نمی‌پذیریم، تا خون در رگ ماست خامنه‌ای رهبر ماست، وای اگر خامنه‌ای حکم جهاد دهد و... روی دوش مردم قدرشناس و عاشق مکتب اسلام و انقلاب تشییع شد.

در این مراسم علاوه بر گروه های علمی و دانشجویی، نهادهای دانشگاهی و حوزوی استان، شورای بانوان پیگیر مطالبات انقلاب رهبر معظم انقلاب، طلاب حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خواهران، مدیران و اعضای موسسات قرآنی حضور داشتند.





**ویژہ نامہ**  
بزرگداشت شہید  
حجت الاسلام تقوی









## ویژونامه

بزرگداشت شهید  
حجت الاسلام تقوی





کانون خبرنگاران نبا  
عضوهی پذیرد



### • دوره پیشرفته •

- دوره خبرنگاری پیشرفته
- سبک‌های خبری
- مهارت‌های علوم ارتباطی
- مهارت‌های شناخت منابع اطلاعات
- عکاسی خبری و تهیه کلیپ

### • دوره مقدماتی •

- آموزش مهارت تهیه خبر
- آموزش مهارت مصاحبه
- آموزش گزارش نویسی
- آموزش مهارت اصول نگارش و ویرایش
- عکاسی خبری

علاقه‌مندان جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به دبیرخانه هیئت اجرایی

مراجعه یا با شماره ۰۲۱-۶۶۹۷۰۷۷۳ تماس حاصل نمایند.

آدرس دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵، صندوق پستی ۱۱۱۱-۱۳۱۴۵



